

مطالعات افغانستان

فصلنامه علمی مطالعات افغانستان دانشگاه فردوسی، شماره [۴]، سال دوم، تابستان ۱۴۰۲، قیمت ۹۰۰۰ تومان

مطالعات افغانستان

فصلنامه علمی
مطالعات افغانستان

شماره مجوز: ۱۴۰۰۲۶۹۶ از دانشگاه فردوسی مشهد
سال دوم | شماره چهار | تابستان ۱۴۰۲

سخن سردبیر

سرمقاله

نقش تحقیق و پژوهش در توسعه جامعه افغانستان

مقالات

امکان سنجی بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری بمنظوری ایجاد شهرک مسکونی بلند مرتبه کارآمد (مطالعه موردی مکروریان شهر کابل) ۸

تأثیرات احداث زیر بنا اقتصادی بالای کشور های رو به انکشاف (مطالعه موردی افغانستان) ۲۲

تشخیص ظرفیت در اتصال کوتاه داخلی ۲۶

بررسی وضعیت تحصیلات عالی خانم‌ها و اثرات تغییر نظام سیاسی بر عملکرد تحصیلی خانم‌ها در افغانستان (مطالعه موردی: دانشگاه بغلان) ۳۱

اولین انقلاب سفید یا جمهوریت در افغانستان و دستاوردهای آن ۳۵

ریشه های نا آرامی با وضعیت جاری در پرتو آموزه های حقوق بشر در افغانستان طی دو دهه اخیر ۴۶

شفافیت انتخابات پایداری جمهوریّت- بایسته آن در نظام آینده انتخاباتی افغانستان ۵۲

تحول در گفتمان ژئوپلیتیک نظام جهانی و چرخش ژئوپلیتیکی کشورها (سیری در نقش‌پذیری جغرافیای افغانستان در گفتمان‌های ژئوپلیتیکی نظام جهانی) ۶۰

سخن دبیر انجمن مطالعات افغانستان در مورد فعالیت‌های انجام شده ۶۵



نشانی دفتر: دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده علوم اداری و اقتصادی طبقه دوم، انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی
بایگانی اینترنتی نشریه:
sand.um.ac.ir
رایانامه:
www.fu.saoas@gmail.com

نویسندگان این شماره: محمد حارث مقیم
نمیر احمد رایش | محمد رفیع شایق
احمد فرهاد صمدی | پوهنیار سخی بخش 'اسدی'
پوهنیار عاطفه حسینی | بی نظیر غفاری
منفی اله مجروح | محمد آصف فقیری | جواد امیری
محمد عارف حمیدی
طراحی جلد، گرافیک و صفحه آرایی: احمد حریمی

صاحب امتیاز: انجمن علمی مطالعات افغانستان
مدیرمسئول: محمد عارف حمیدی
استاد مشاور: دکتر روح الله اسلامی
سردبیر: محمد حارث مقیم
اعضای هیئت تحریریه:
آئینه حسینی | محمد عارف حمیدی
محمد حارث مقیم | سید جمال خورشید
فرشته حسینی

تأثیرات احداث زیر بنا اقتصادی بالای کشورهای رو به انکشاف (مطالعه موردی افغانستان)



خدا را شاکریم که راهی پر فراز و نشیب را به همراه شما فرهیختگان، اساتید و سروران گرامی با موفقیت سپری نمودیم. همواره وجود شما فرهیختگان، دانشجویان و اساتید گرامی مایه دلگرمی و سرفرازی ما بوده و خواهد بود. چهارمین فصل، فصلنامه علمی مطالعات افغانستان دانشجویان در حوزه های مختلف منتشر می شود، تا یک محیط خوب علمی نخبگان و دانشجویان در حوزه های مختلف منتشر می شود، تا یک محیط خوب و مناسب برای نشر مباحث علمی و تخصصی پژوهشگران باشد، ما با قدرت و انگیزه بلند بر آن هستیم تا با استفاده از ظرفیت و توانایی های عظیم و ارتباط خوب و با دوام با پژوهشگران و دانشجویان و دریافت مقالات علمی، پژوهشی و تحلیل های آکادمیک ایشان، امکان فضایی مناسب و با کیفیت را برای نشر فصلنامه علمی مطالعات افغانستان فراهم آوریم. یکی از عمل های پسندیده و غیر قابل انکار نشر مطالب علمی و تحقیقی که امکان ارائه یافته ها و نتایج پژوهش ها در آن است که تا زکات علم خویش را با نشر مطلب ادا کرده باشیم. انجمن علمی مطالعات افغانستان و فصلنامه علمی مطالعات افغانستان زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد از کمیته های مختلف تشکیل شده و هدف اساسی و بنیادی آن حمایت از پژوهش های علمی، برگزاری کارگاه های آموزشی، همایش های علمی و مشارکت در فعالیت های فرهنگی و اجتماعی در سطح دانشگاه و در نهایت ارائه نتایج فعالیت ها و در دسترس دیگران قرار دادن است.

نشریه علمی مطالعات افغانستان بر خود می بالد و می کوشد تا در حوزه های مختلف علمی با حمایت شما عزیزان به موضوعات مختلف بپردازد و امیدواریم مطالب مطرح شده در این شماره مورد توجه شما نخبگان گرامی قرار بگیرد. در اینجا لازم می دانم که از مسولان و دست اندرکاران مربوط به دانشگاه فردوسی مشهد که زمینه ساز فعالیت این فصلنامه هستند کمال قدردانی و تشکری را داشته باشم. همچنان تشکر و سپاس از اعضای محترم هیات تحریریه و همکاران اجرایی که بی تردید بدون حضور با انگیزه آنها، رسیدن به نشر فصل چهارم ممکن نبود. نویسندگان و پژوهشگران مقالات و تحلیل های علمی خود را به این فصلنامه علمی مطالعات افغانستان با عشق و علاقه ای خاص آثار خود را در اختیار ما گذاشتند. خداوند به همه ما خیر و موفقیت نصیب نماید، و به بنده و همکاران گرامی توفیق عنایت فرماید تا این فصلنامه را در جایگاه والایی علمی حفظ نماییم.



دانشجوی مقطع دکترا
علوم سیاسی دانشگاه
فردوسی مشهد

نقش تحقیق و پژوهش در توسعه جامعه افغانستان

تحقیق و پژوهش از ارکان بنیادی توسعه و پیشرفت یک جامعه است. توسعه علمی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور بدون نگاه به امر تحقیق و پژوهش بی تردید موفقانه نخواهد بود و آنچه که قابل تحسین است که پژوهش موتور محرک توسعه و پیشرفت در جامعه تلقی می گردد، اگر نشانه هایی از توسعه و پیشرفت بدون توجه به مبانی پژوهشی صورت گیرد، آن توسعه و پیشرفت پایدار نخواهد بود و مسیر مطمئن را طی نمی کند یعنی تحقیق و پژوهش بنیان های توسعه در جامعه به حساب می آید.

در حقیقت جامعه رو به توسعه نیازمند نهادهایی است که فرهنگ پژوهش و تحقیق را در مسیرهای خود به جریان بیندازند. ارتباط پیشرفت و توسعه پایدار با ساختارهای علمی و پژوهشی جامعه، رابطه ای تنگاتنگ دارد که از خلال آن می توان از یافته ها و نظریات ارزشمند در جهت اهداف ملی بهره برداری کرد.

شناخت دقیق ظرفیت های علمی و تحقیقی می تواند در اشاعه و تقویت فرهنگ پژوهش و تحقیق در جامعه موثر واقع شود. از سویی دیگر آموزش و تحقیق نقش موثری و کارکردی در بهبود عملکرد بنگاه های اقتصادی و افزایش درآمدزایی آنها نیز خواهد داشت و دولت باید با استفاده از راهکارهایی نظیر اعطای امتیازات و حمایت های با دوام از بنگاه هایی که در امر تحقیق سرمایه گذاری می کنند، سایر بنگاه های اقتصادی را نیز به سرمایه گذاری این موضوع مهم تشویق، ترغیب نماید.

براساس مطالعات و تحقیقات انجام شده در این زمینه کشورهای توسعه یافته دارای نظام تحقیقی ارگانیک هستند که نشانگر نوعی پیوند و ارتباط متقابل و مستمر بین

توسعه است. تبیین و چینش ساختارهای علمی، اهداف آموزشی و نسبت دانشگاه با عرصه‌ی اجتماعی و اقتصادی واجد تعیین چارچوب کلی حرکت نخبگانی در جامعه است. چندین سال است در محافل و مجامع علمی و جامعه میان دانشگاه‌های آموزش محور، پژوهش محور، و کارآفرین بحث‌های مختلفی صورت گرفته؛ گاهی برخی دولت‌ها، گفتمان‌ها و مدیران سطوح میانی قائل به دانشگاه آموزش و پژوهش محور بوده و گاهی برخی دیگر قائل به دانشگاه کارآفرین و برقراری ارتباط میان صنعت و دانشگاه. تعداد دیگر از اندیشمندان معترض نگاه کارآفرینی صرف به دانشگاه هستند و از این روند تحت عنوان تجاری شدن دانشگاه‌ها به حاشیه رانده شدن علم و تحقیق و سرمایه زدگی جامعه و آن را خطری برای یک جامعه فرهنگی و دینی قلمداد می‌نمایند.

دانشگاه هم باید انسانی را پروراند که اثرگذار باشد و هم جهت‌گیری‌اش در جامعه اثرگذار باشد. با این نوع تفکر شاهد شکل‌گیری نسل‌های دانشگاهی هستیم؛ مثل دانشگاه نسل اول که صرفاً دانشگاهی است که مینایش بر تربیت آموزش و تربیت دانشمند است. دانشگاه نسل دوم که مینایش علاوه بر آموزش بر پژوهش است. دانشگاه نسل سوم که اخیراً در جوامع توسعه‌یافته مطرح است، همان دانشگاه‌های مبتنی بر کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری است البته دانشگاه کارآفرین در جوامع غربی دارای موافقان و مخالفانی است اما باعث افت علمی نشده. برخی‌ها این شیوه‌ی تفکر را در مورد دانشگاه‌های افغانستان به معنای تجارت و رفتن به سمت آن می‌دانند؛ یعنی که دانشگاه تبدیل به یک تصدی تجاری شود حال آن که منظور این نیست که دانشگاه به یک مرکز تجاری تبدیل بشود و استاد، تاجر شود؛ بلکه به این معنا است که دانشگاه، مرکزی مبتنی بر خلاقیت و نوآوری شود و صرفاً مسئله‌اش، آموزش نباشد و مبنای دانشجو از رفتن به دانشگاه صرفاً یادگیری نباشد؛ بلکه اثربخشی در جامعه یک رکن اساسی این نوع دانشگاه خواهد بود. به همین دلیل است که امروزه اثرگذاری نسل دانش‌آموخته از دانشگاه‌های افغانستان زیاد محسوس و اثربخش نیست. اثربخشی یعنی محقق و تحقیقاتی را داشته باشیم در دانشگاه‌های افغانستان که نتایجش مورد استفاده‌ی جامعه قرار بگیرد. با این رویکرد است که مفاهیمی نظیر اقتصاد دانش بنیان شکل می‌گیرد. اقتصاد دانش بنیان یعنی اقتصادی که با مبانی علمی خلاق، اثرگذار و نوآورانه باشد چیزی که جهان به سمت آن در حرکت است. با انجام دادن تحقیق و پژوهش نوعی عملی نمودن آنچه آموختیم در دانشگاه است و این مسله تاثیر گذار بر توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه می‌گردد. از جانب دیگر نتایج تحقیقات علمی نباید صرفاً در حد یک نتیجه و یا یک مقاله باقی بماند و باید زمینه‌های مورد استفاده عملی آن نیز آماده گردد تا باعث بهبود عملکرد دانشگاه‌ها گردد. از طرف یک محقق زمانی موفق است که همواره یک نگاه مبتکرانه، کنجکاوانه و پرسشگر داشته و در راستای یافتن راهکارهای جدید علمی و عملی به کارگیرد تا بتوان شاهد توسعه جامعه باشیم. نیروی جوانی بالقوه ای را در افغانستان داریم که با بهره گرفتن از آنها می‌توان زیرساخت‌های بسیار ارزشمند و والایی را به بالفعل تبدیل نمود و در نتیجه نقش بسیار والایی در توسعه تحقیق در دانشگاه‌ها و در نهایت توسعه و پیشرفت سرزمین به وجود خواهد آمد که در نهایت شاهد پیشرفت روزافزون و حل چالش‌های موجود در افغانستان خواهیم بود.



سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با سیاست‌های تحقیقاتی می‌باشند. در مقابل کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه دارای نظام تحقیقی موزائیکی می‌باشند. و ما در این کشورها شاهد عدم پیوند و ارتباط ارگانیکی این عناصر در دل نظام تحقیقاتی هستیم. در استراتژی توسعه هر جامعه‌ای، استراتژی تحقیق و توسعه در دل آن نهفته است.

افغانستان اگر می‌خواهد به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار دست پیدا کند، باید مناسبات بین نظام‌های تحقیقاتی و نظام اقتصادی اجتماعی را به درستی درک نماید و با برنامه‌ریزی دقیق و بنیادی در فرآیند توسعه همه جانبه جامعه خود تعادل برقرار نماید.

تفکر کلان بعد از ۲۰۰۱ که دانشگاه‌ها بر اساس آن در افغانستان شکل گرفت، این بوده که دانشگاه مرکزی برای توسعه‌ی دانش و تربیت انسان‌های توانمند است؛ اما سیر تحول در دانشگاه‌های غرب به این نحو بوده که توسعه با دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور پیوند می‌خورد. در واقع نظام توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن دانشگاه ممکن نیست. محور اصلی برای توسعه‌ی پایدار، دانشگاه است. در این فرآیند و با در نظر گرفتن توسعه‌ی پایدار، صرف در نورددیدن مرزهای دانش ملاک نخواهد بود. با نگاه توسعه‌ی پایدار در جامعه دانشگاه رکنی تاثیرگذار در فرآیند توسعه، مدیریت جامعه، روابط بین الملل، اقتصاد و اشتغال است. دانشگاه به عنوان نهادی که متولی تربیت انسان‌ها، اعطای نقش اجتماعی به افراد و تولید سرمایه‌ی اجتماعی کشور است، دارای نقش راهبردی برای هر جامعه‌ی رو به



امکان سنجی بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری بمنظوری ایجاد شهرک مسکونی بلند مرتبه کارآمد

(مطالعه موردی مکروریان شهر کابل)

در شهرک‌های مسکونی جدیدی که در نقاط مرکزی و اطراف شهرهای بزرگ ساخته شده‌اند، ساکن شوند. گرچه ایجاد شهرک‌ها می‌تواند به بخشی از مشکلات شهری مانند کمبود زمین و مسکن را تا حدی حل کند، اما ایجاد شهرک‌ها خود نگرانی‌های عمده‌ای را نیز بوجود می‌آورد. بطور مثال، عدم ضوابط و معیارهایی برای توسعه شهرک‌ها، می‌تواند عوارض ناخواسته مانند ناهمگونی در

| نصیر احمد رایض |



چکیده:

یکی از مهم‌ترین اهداف حرفه شهرسازی در سال‌های اخیر، تعدیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی بافت‌های فرسوده شهرهای کشور میباشد. توسعه شهر و بیشتر شدن مردم در شهرها باعث شده است بخش عمده از تجمع مردم

مقالات

سیمای کالبدی شهری همراه با ناسازگاریهای اجتماعی و فرهنگی را باعث گردد. شهر کابل پس از گذشت حدود چند صد سال از شکل گیری بافت اولیه خود، در سالهای اخیر خصوصاً بعد از سالهای ۲۰۰۱ با تغییرات عمده‌ای در سیمای کالبدی-فضایی خود مواجه بوده است. با افزایش نیازهای سکونتی شهروندان و افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی در بافت موجود و بهره‌گیری از امکانات بلقوه آن، فعالیتهای شهرک‌سازی و ایجاد مجتمع‌های سکونتی رهائشی به عنوان یکی از بارزترین مراحل در روند تغییرات کالبدی-فضایی این شهر نمود پیدا کرده است.

در این میان مکروریان‌ها به عنوان یک نمونه از تعمیرات مسکونی فرسوده شده در یک موقعیت مناسب از نظر دسترسی در این تحقیق به بررسی گرفته شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که طراحی ساختارهای بیرونی و داخلی این مجتمع تا حد زیادی با اصول و استانداردهای لازم مجتمع‌سازی همراه نیست. در طرح پیشنهادی مکروریان‌ها کوشش بر آن شده تا در راستای دستیابی به اهداف چون ایجاد مسکن قابل استطاعت از طریق باز زنده‌سازی و توسعه مجدد بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از گزینه‌های چون ایجاد شهرک‌های مسکونی بلند مرتبه با در نظر داشت تمام تسهیلات و سهولت‌های شهری و تاسیس شهرهای فشرده و متراکم نایل آمده بر علاوه در طرح پیشنهادی موضوع بلند بردن ارتقای کیفی محلات مسکونی شهرک‌های مسکونی از طریق باز طراحی فضا‌های شهری موجود در بافت مسکونی و تجاری خواهد بود تا در صورت تطبیق نتایج این تحقیق و طرح پیشنهادی بتوان سیمای آشفته شهر کابل را دگرگون ساخته و سیمای خوشایند و زیبا در این بافت شهری به ارمغان آورد.

واژه گان کلیدی: باز آفرینی، طرح پیشنهادی، توسعه مجدد، تسهیلات و سهولت شهری، شهر کابل

مقدمه

در باره باز آفرینی شهری تعریف‌ها و نظریات مختلف بیان شده است که به مفهوم احیاء، تجدید حیات و نوزایی شهری می‌باشد و یا به عبارتی دوباره زنده شدن شهر بوده. با بررسی رویکرد‌ها مختلف باز آفرینی با توجه به ابعاد کالبدی و غیر کالبدی که شامل ابعاد فرهنگی و اجتماعی می‌گردد، این تحقیق دارای اهداف همچون بررسی و شناخت واقعی از ویژگی‌های بافت فرسوده در قسمت‌های مختلف مکروریان‌ها و تأثیرات و اهمیت آن بر بافت کالبدی و زندگی فرهنگی و اجتماعی و برخورد با بافت‌ها و باشنده‌گان آن به منظور تحقق راهکارهای جهت پیشگیری از تخریب این بافت‌ها و باز آفرینی آن است. ضرورت و نیاز باز آفرینی بافت‌های فرسوده این محله برای کاهش و کم کردن خطراتی که مکروریان با آن مواجه است ضرورتی انکار ناپذیر در مدیریت شهر است. و نتایج حاکی از این بود که اصول باز آفرینی در رفع معضلات محله‌های مسکونی نقش موثری داشته است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتاب‌خانه‌ای و میدانی می‌باشد، گفته می‌توانیم بافت‌ها باز آفرینی در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محله نقش اساسی خواهد داشت که در این تحقیق بحث می‌گردد.

شهر و شهرنشینی

نخستین سه تمدن جهان بر اساس زمان آغاز آنها بین النهرین مصر و هند هستند که به تمدن‌های مرده مشهور بوده و تمدن غربی از همین سه تمدن نشأت گرفته است هر چند تمدن قاره آمریکا (مکزیک، آمریکای مرکزی و پرو) بسیار دیرتر از تمدن چینی بوجود آمده اما در اثر بی‌رحمی و شقاوت اسپانیایی‌ها بین سال‌های ۱۵۱۸ الی ۱۵۲۳ م. بکلی از بین رفت تمدن چین استثنای فوق العاده می‌باشد فرهنگ خدشه ناپذیر آن از ابتدای پیشدیش

از سه هزار سال پیش از میلاد در حاشیه رود زرد تا قرن بیستم همچنان با برجا باقی مانده و تداوم داشته است. (موریس، ۱۳۷۴).

معنی عام شهر و شهرنشینی در طول تاریخ بشر معادل مفهوم تمدن است شهر را باید دارای پیشینه‌ای بیش از هفت هزار ساله دانست که با فاصله اندکی از انقلاب نوپسندگی با تغییر شکل تدریجی جماعت‌های روستایی دائم در خاور میانه ظاهر می‌شود و به صورتی پیوسته تا امروز گسترش می‌یابد به نحوی که امروزه به شکل زیست غالب بشری درآمده و در آینده‌ای نه چندان دور شاید که به تنها شکل زیست انسان‌ها تبدیل شود پیدایش شهرها تحولی شگرف در فرآیند تاریخ بود مورخین نخستین کسانی بودند که به مطالعه پدیده تجمع انسان‌ها که در شهر به اوج خود می‌رسد پرداختند.

در قرون پیش از میلاد یونانی‌ها در زمره اقوام متمدن بحساب می‌آمدن شرایط اقلیمی و جغرافیایی، زبان، نژاد، مذهب، تاریخ و ادبیات مشترک را از عوامل مهم ترقی یونانی‌ها در این دوران می‌دانند قرون ۴ و ۵ پیش از میلاد را عصر طلایی فرهنگ و تمدن یونانی میدانند در این قرون بود که علوم هنر و فلسفه در یونان به درجات عالی رسید و با برقراری روابط تجاری ثروت فراوانی در شهرهای یونان متراکم شد.

شهر در قلب کل نظام یونان باستان قرار داشت تمدن یونان زمانی به حوزه‌ای قدرتمند تبدیل شد و سخن از معجزه یونانی رفت که دولت شهرهای یونانی با بر پا شدن سازمان شهر و آینده شهر در مرکز تفکر یونانیان باستان قرار داشت نظام دقیق که آنها برای توزیع زمین و حفظ تعادل در شهرها داشتند و توسعه تجارت و فناوری‌های ساخت کشتی و کشتی رانی سبب شد که یونانیان جز نخستین کسانی باشند که در تاریخ برای تشکیل شهرهای مهاجر نشین نو بنیاد اقدام کنند این شهرها را با الگو برداری از مادر شهرها یعنی شهرهای قدیمی تری که در یونان به وجود آمده بودند می‌ساختند. (آقا جانپور، ۱۳۸۷).

آگورا میدان عمومی شهرهای یونان که نخستین بار در منطقه‌ای که به طور طبیعی چند خیابان بهم می‌رسند شکل گرفت این فضا فرم هندسی ویژه‌ای را دنبال نمی‌کرد بلکه با گذشت زمان به شکل‌های منظم هندسی رسید ساختمان‌های عمومی داخل این میدان ساخته می‌شدند که یکی از آنها فضای ستون دار و درازی بود که در آنجا شهروندان و بازرگانان به مبادله کالا مشغول بودند. رومی‌ها شهرهای خود را بر اساس دو محور شکل می‌دادند یکی محور شمال به جنوب و دیگری محور شرق به غرب که در نقطه تلاقی این دو محور مرکز شهر قرار می‌گرفت و میدان مرکزی شهر یا فورو که تقلیدی از آگورا بود ساخته می‌شد شهر دارای ساختمان‌های عمومی سیاسی معابد و بازار بود و تاسیسات آن به شهر یونانی شباهت داشت آمفی تیاتر سرک‌ها، ژیمنازیوم‌ها و استدیوم‌ها از جمله این تاسیسات بودند. (جانپوری، ۱۳۹۰).

بافت شهری

منظور از بافت شهری سنتزی است از تمام اجزای کالبدی بافت شهری یک کل ارگانیک که در سطوح رضوح متمایز قابل مشاهده است در کلی‌ترین سطح بافت را می‌توان سازمان خیابان‌ها و بلوک‌ها توصیف کرد و به طور خلاصه می‌توان بافت شهری را حالات مختلف همجواری و فضا‌های پر و خالی در ترکیبات مختلف و همچنین نحوه‌ی قطعه بندی اراضی مشخص کننده است.

بافت هر شهر کمپنی پویا و در حال تغییر است که وضع کالبدی شهر و چگونگی شکل گیری آن را در طول زمان نمایان می‌سازد بافت هر شهر دانه بندی فضای کالبدی شهر یعنی فضا‌های پر و خالی و مقدار آنها را نسبت به یکدیگر و چگونگی رابطه و حد نزدیکی بین آنها را مشخص می‌کند و شبکه ارتباطات و نحوه دسترسی و خصوصیات کلی راه‌ها و کوچه‌ها را اشکار می‌نماید توسط آن می‌توان راه‌های

اصلی و فرعی را تشخیص داد به عبارت دیگر بافت شهر به هم تنیده شدن و نحوه استقرار ساختمان ها و ترکیب آنها با یکدیگر در ارتباط با شبکه راه ها بر اساس شرایط محیطی است (وزارت شهر سازی و مسکن ایران).

بنابر این به عبارت کلی تر بافت شهری گسترده ای هم پیوند با ریخت شناسی های متفاوت طی دوران حیات در داخل محدوده شهر و یا حاشیه آن در تداوم و پیوند با شهر میباشد که شامل پنا ها، مجموعه ها، راه ها، فضا ها، تاسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آنهاست (شفایی، ۱۳۸۵).

شناخت بافت های فرسوده شهری ویژگی های عمومی بافت های فرسوده بافت های فرسوده به علت گذشت زمان و عدم سرمایه گذاری لازم در نگهداری از آن ها با ویژگی های خاص مواجه هستند که شامل موارد ذیل می باشد عدم دسترسی به درون بافت فقدان تاسیسات زیر بنایی مناسب مشکلات زیست محیطی و بالای بودن حجم آلودگی کمبود امکانات گذاران اوقات فراغت فقر و محرومیت آسیب پذیری در برابر زلزله سرانه کم خدمات جمعیت زیاد تراکم بالای جمعیت تراکم ساختمانی کم دوام نا امنی و معضلات اجتماعی (عندلیب، ۱۳۸۵).

مسکن و انواع آن

مسکن به مکانی با امکانات مکفی برای اقامت گفته می شود که یک یا چند خانواده به عنوان خانمان از آن استفاده کنند. خانه، آپارتمان، خانه سیار و خانه شناور انواع مسکن هستند. با افزایش جمعیت جهان، تأمین مسکن به یکی از مهم ترین دغدغه های اقتصادی - اجتماعی تبدیل شده است. بیشتر دولت ها دارای نهادی شبیه وزارت مسکن هستند

با افزایش جمعیت جهان، تأمین مسکن به یکی از مهم ترین دغدغه های اقتصادی - اجتماعی تبدیل شده است. بیشتر دولت ها دارای نهادی شبیه وزارت مسکن هستند و تلاش می کنند از طریق وام مسکن به تأمین مسکن برای شهروندان بپردازند

و تلاش می کنند از طریق وام مسکن به تأمین مسکن برای شهروندان بپردازند.

بافت ها شهری

انواع بافت شهری و روستایی، یک واژه آشنا در جوامع امروزی است. شاید همه ما کم و بیش با این دو واژه آشنا باشیم، اما در حقیقت معنا و مفهوم آن یا دلایل چگونگی شکل گیری بافت های شهری و روستایی هنوز برای ما شناخته نشده باشد. دلیل آن هم این است که تاکنون به صورت اختصاصی درباره آن جستجو نکرده ایم.

بافت های شهری و روستایی را در تمام کشورها و حتی محله های جدید یا قدیم می توانید مشاهده کنید. در بسیاری از مناطق جهان به خصوص در شهرهای گردشگری و تاریخی، بافت های قدیمی و باستانی را مشاهده می کنید. شاید با این توضیحات تا حدودی به تعریف بافت شهری پی برده باشید یا بتوانید حدس بزنید که بافت روستایی چگونه معنا می شود.

دلیل اینکه این مطلب را به توضیح انواع بافت شهری و روستایی اختصاص داده ایم، این است که مسئله خرید و فروش ویلا در شمال یا خرید زمین در شمال در محله های مختلف و شهرهای کابل، بسیار چالش برانگیز شده است. مهم ترین مشکلاتی که در حوزه خرید ویلا در شمال یا خرید زمین وجود دارد، شامل کلاهبرداری هایی است که گریبان گیر بسیاری از مشتریان می شود. یکی از مفاهیم در این زمینه این است که زمین یا ویلا، در بافت شهری قرار دارد یا در بافت روستایی؟!

دلایل زیادی وجود دارد که مردم ترجیح می دهند منازل خود را در این بافت ها، نوسازی نکنند. نوسازی و بهسازی این نوع بافت ها، توجه و اهتمام ویژه دولت و شهرداری ها و همکاری مردم را می طلبد. بافت های فرسوده شهری، محلات فرسوده ای در فضای شهری است که مسائل و پیچیدگی های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شیوه خود را دارد. این محلات و بافت ها از یک سو دارای ریشه های

سکونتی ارزشمند با غنای فرهنگی، اجتماعی و معماری است و از طرف دیگر به جهت فرسودگی شدید، نبود دسترسی مناسب به خدمات شهری و بهداشتی، وجود مشکلات اجتماعی و امنیتی و آسیب پذیری در برابر زلزله، سیل و آتش سوزی و نیز عدم تطابق با زندگی امروز شهری و شهرسازی مدرن دارای مشکلات رو بنایی و زیر ساختی هستند. بافت فرسوده به بلوک هایی اطلاق می شود که هر سه شرط ذیل را دارا باشند:

۱. ناپایداری: ۵۰٪ از بناهای موجود در بلوک ناپایدار بوده و از استحکام لازم برخوردار نباشند.
۲. نفوذ ناپذیری: حداقل ۵۰٪ معابر بلوک دارای عرض کمتر از ۶ متر باشد.
۳. ریزدانی: حداقل ۵۰٪ عرصه ساختمان ها در آن بلوک شهری مساحتی کمتر از ۲۰۰ متر مربع داشته باشند.

بافت های فرسوده به سه دسته زیر تقسیم می شود:

الف - بافت های دارای میراث فرهنگی
ب - بافت های شهری (فاقد میراث فرهنگی)
ج - بافت های حاشیه ای (سکونتگاه های غیررسمی)
انواع مداخله در این بافت ها براساس میزان وفاداری به گذشته در ۳ گروه بهسازی، نوسازی و بازسازی قرار می گیرند که هر یک تعاریف خاص خود را دارند و اقدامات ویژه ای را می طلبند: **بهسازی:** در این نوع مداخله اصل بر وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش در آن هاست. فعالیت بهسازی با هدف استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود و تقویت جنب های مثبت، و تضعیف جنبه های منفی از طریق حمایت، مراقبت، نگهداری، حفاظت، احیا، استحکام بخشی، و تعمیر صورت می پذیرد. دخالت در این بافت ها مستلزم رعایت ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی است.

نوسازی: در این نوع مداخله حد وفاداری به گذشته از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار است و برحسب مورد از مداخله اندک تا تغییر را می تواند شامل شود. فعالیت نوسازی با هدف افزایش کارایی و بهره وری، بازگرداندن

حیات شهری به بافت است و از طریق نو کردن، توان بخشی، تجدید حیات، انطباق و دگرگونی صورت می پذیرد.

بازسازی: در این نوع مداخله نه تنها هیچ الزامی برای حفظ گذشته وجود ندارد بلکه با هدف ایجاد شرایط جدید زیستی و کالبدی - فضایی و از طریق تخریب، پاکسازی و دوباره سازی صورت می پذیرد.

بافت های شهری فرسوده

احتمالاً شما نیز شاهد بافت فرسوده شهری در بخش هایی از شهر محل سکونت خود و یا دیگر شهرهای کشور بوده اید. به طور کلی یکی از رویکردهای مهم در امر شهرسازی توجه به همین بافت های فرسوده و بهسازی و نوسازی بناهای مناطق مختلف می باشد.

به طور کلی بافت محیطی فضایی هم پیوند از بناها، راه ها، مجموعه ها، فضاها، تاسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آن ها است که در این بین بافت های فرسوده به انواع از بافت ها گفته می شود که از لحاظ ظاهری و زیربنایی دارای فرسودگی می باشند.

در این بین انواع بافت های فرسوده را می توان به سه دسته زیر تقسیم بندی کرد که شامل:

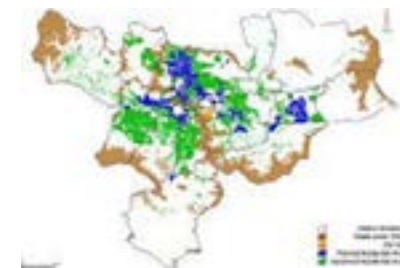
بافت های دارای میراث فرهنگی: بافت های دارای میراث های شهری بافت هایی هستند که دربرگیرنده آثار به جای مانده از گذشته و جایگزین ناپذیری هستند که می توانند به آگاهی جوامع از ارزش های فرهنگی و گذشته خود کمک کند. به طور کلی این آثار که به یکی از سه دوره باستان، دوره تاریخی و یا معاصر تعلق دارد که به ثبت آثار ملی رسیده اند و در لیست میراث های با ارزش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قرار می گیرند.

بافت های شهری (فاقد میراث فرهنگی): بافت های شهری بافت هایی هستند که در محدوده قانونی قرار دارند و دارای مالکیت رسمی و قانونی می باشند؛ اما از نظر برخوردار از امنیت، استحکام و خدمات

شهری معمولاً دچار کمبود نیستند. **بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی):** بافت‌های حاشیه‌ای، بافت‌هایی هستند که بیشتر در حاشیه شهرها و کلان شهرهای کشور قرار دارند و خارج از برنامه رسمی توسعه شهر یا کشور شکل گرفته‌اند. به طور کلی ساکنین این بافت‌ها را گروه‌های کم درآمد و مهاجران روستایی و تهی دست شهری تشکیل می‌دهند. همچنین لازم به ذکر است که این بخش‌های شهر فاقد ایمنی، استحکام، امنیت اجتماعی، خدمات و زیرساخت‌های شهری می‌باشند.

انتخاب محدود مطالعاتی

همانطوریکه توسعه شهر اخیراً در سراسر جهان به خصوص در افغانستان افزایش یافته است اکثر ساکنان روستایی علاقمند به زندگی در شهرها هستند این عامل تقاضای خانه‌ها و شهرک‌ها را در شهرهای بزرگ افغانستان افزایش می‌دهد و راه مقابله با این چالش ارائه یک راهبرد جامع مسکن در همه شهرهای بزرگ است کابل با بیش از پنج میلیون جمعیت بزرگترین و یکی از شهرهای سریع‌در حال رشد کشور است که توسعه سریع غیررسمی و زورآباد را تجربه کرده است کابل برخلاف سایر شهرها در افغانستان دارای یک طرح جامع استراتژیک است که اخیراً با همکاری دولت ژاپن توسعه یافته است و استراتژی‌های خاص در زمینه مسکن را بازگو نموده است کاربری زمین در شهر کابل را نمایش می‌دهد.



شکل ۱-۳ کاربری ارضی در شهر کابل

منطقه مکروریان که در نزدیکی های فرودگاه بین‌المللی شهر کابل به سه دلیل من حیث مطالعه موردی استفاده گردیده است:

- کمبود مسکن یکی از مشکلات نهایت بزرگ فرا راه شهروندان کابل میباشد که نیازمند به اقدامات جدی میباشد خوشبختانه در طرح جامع کابل منطقه مکروریان را برای فعالیت مسکونی متراکم و بلند مرتبه پیشنهاد نموده است که میتوان با طراحی طرح‌های تفصیلی به حل این چالش کمک نمود.
- برنامه زیباسازی شهری که اخیراً در دستور کار مدیران شهری قرار دارد و مناطقی چون اطراف خیابان فرودگاه بین‌المللی کابل شامل این برنامه میباشد از اینکه منطقه مکروریان در جوار این خیابان قرار دارد و بافت فرسوده و زور آباد موجود باعث ایجاد آشفته‌گی در سیمای شهری کابل میگردد باز طراحی این سایت با در نظر داشت موضوع منظر شهری میتوان زیبای لازم را به سیمای شهر کابل علاوه نمود.
- مدیران شهری کابل در پی آن اند تا با تطبیق یک طرح تفصیلی با توجه به راهکار پیشنهادی ماستر پلان شهر کابل مشکل این بافت زور آباد را حل نماید با طرح تفصیلی که در نهایت این تحقیق پیشنهاد میگردد میتوان یک طرح کاملاً تطبیقی باشد.

حجم جامعه و نمونه تحقیق

علت اصلی اپارتمان سازی، رشد جمعیت و توسعه شهر به صورت معیاری است؛ تا با زمین کم، جمعیت بسیاری را در آن صاحب خانه و سرپناه ساخت. مساله دیگر بهای نسبتاً ارزان اپارتمان نسبت به خانه‌های حویلی دار است. پیشینه اپارتمان سازی در کابل برمی گردد به دهه‌ی پنجاه هجری خورشیدی. در آن زمان روس‌ها اپارتمان‌های رهائشی به نام مکروریان ساختند. بنابراین اپارتمان و اپارتمان نشینی در شهر کابل نزدیک به چهل سال سابقه دارد. در افغانستان تقریباً همه زندگی سنتی دارند و در خانه‌های بزرگ و

روند تحولات جمعیت در یک کشور یا هر واحد سیاسی آشنایی با گذشته جمعیت آن امری است لازم ولی مناسبانه تحقیق در این که در مقاطع زمانی مختلف جمعیت افغانستان چقدر بوده است و چه تحولات و تغییراتی را به خود دیده است کاری است بسیار مشکل که شاید هرگز نتوان به آن دست یافت البته حدی و گمان در این مورد فروان ولی برآورد هایی که متکی بر آمار متقین و قابل اعتماد باشند کم و به جرات می‌توان گفت که بسیار ناچیز است. با این حال اداره احصایه مرکز افغانستان جمعیت مجموعی شهر کابل را بالغ بر ۴۰۲ میلیون نفر تعدا خانوار را ۷۰۳ نفر و تراکم جمعیت را ۹۳۴ نفر در کیلومتر مربع قلمداد کرده است.

همچنان بر اساس پلان جامع شهر کابل در سال ۲۰۰۸ کابل دارای جمعیتی در حدود ۴۰۲ میلیون نفر بود که ۷۳ فیصد آن در مناطق غیر رسمی مسکن گزین میباشند.

از آنجائیکه آمار جمعیتی در برنامه ریزی و طراحی شهرها یک موضوع مهم است جمعیت موجود سایت تحت مطالعه منطقه مکروریان با استفاده از عکس هوایی در برنامه جی آی اس و پرسشنامه‌های نمونه‌ای بصورت تقریبی حساب گردیده است بر مبنای محاسبات بر روی عکس هوایی سایت در بافت فرسوده مکروران در حال حاضر ۹۳۴۱ خانه حویلی دار غیر رسمی وجود دارد بر اساس پرسشنامه‌های که بصورت نمونه‌ای در سایت توزیع شده است تعداد اعضای یا خانوار در منطقه طور اوسط ۱۰ نفر محاسبه شده است جمعیت بافت مذکور ۹۳۴۱۰ نفر میشود.

بررسی وضعیت خدمات شهری

یکی از مسائل اصلی مدیریت شهری در دسترسی و وجود امکانات شهری برای شهروندان است به منظور بهبود دانش پایه ما در مورد وضعیت امکانات در منطقه مکروریان در هنگام انجام سروی سایت اهمیت امکانات

دارای حویلی وسیع زندگی می‌کنند. تا اوایل دهه‌ی هفتاد هجری خورشیدی شهر کابل دارای یک فرهنگ شهری قابل اعتنا بود که کسانیکه از روستا می‌آمدند احساس بیگانگی و نا آشنایی با این فرهنگ می‌کردند. جامعه آماری این تحقیق ساکنان محدوده اجرای طرح در منطقه مکروریان است، حجم جمعیت منطقه مکروریان در برنامه GIS و بر اساس عکس هوایی محاسبه گردیده است که در قدم اول تعداد خانه‌ها محاسبه شده عدد بدست آمده ۴۷۶۵ خانه ضرب در بعد خانوار ۷/۳ نفر در کابل گردیده که جمعیت منطقه مساویست به ۳۵۰۰۰ نفر حجم نمونه بر اساس فرمول کوگران ۹۵ نفر از روسای خانوارها ساکن کل منطقه انتخاب گردیده بود ولی بر اساس مناسب بودن مسایل امنیتی، عدم همکاری ساکنین محل، کمبود وقت و هزینه، تنها به تعداد ۴۳ پرسشنامه در سایت تکمیل گردیده است. از آنجائیکه با توجه به روئیس و بررس ۳۰ مورد به طور کلی برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری به عنوان حداقل قابل قبول محسوب میشود؛ از این رو تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده حاصل از نظر سنجی برای تحلیل آماری در این تحقیق کافی است. شکل ۳-۳ و ۳-۵ تصاویری از مرحله مصاحبه و تکمیل پرسشنامه‌ها در سایت را نشان میدهد.



۳-۵- تصویر چهارراهی شهید عبدالحق

بررسی وضعیت اجتماعی منطقه مکروریان

جمعیت یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و در روند توسعه اقتصادی مهم ترین نقش را بازی می‌کند بررسی‌های

شهری نیز اساساً در نظر گرفته شده است از طریق مصاحبه با ساکنین محلی اطلاعات خاصی در باره امکانات اصلی موجود در منطقه شهری گرد آوری شده است این اطلاعات شامل امکانات بهداشتی بیمارستان ها، کلینک ها، آموزشگاه ها، مدارس، پارک ها، امکانات تفریحی، امکانات ورزشی، حمام عمومی و کتابخانه ها میباشد.

مراکز بهداشتی و درمانی بیمارستان و کلینک ها: در منطقه مکروریان بصورت کل تاسیسات بهداشتی شامل بیمارستان کلینیک و یا مراکز بهداشتی دیگر به صورت معیاری وجود نداشته و ساکنین محل مجبور هستند تا برای رفع نیازهای بهداشتی و سلامتی به مراکز بهداشتی منطقه واقع مکروریان سوم چهارم مراجعه نموده و مشکلات خویش را مرفوع سازند.

مراکز آموزشی و تحصیلی مدارس و مهد کودک: بعضی از خانواده های ساکن در منطقه مکروریان با توجه به دلایل خاص مانند عدم وجود مدار و مهد کودک در منطقه، چالش های امنیتی و فقر موارد تصمیم بر آن اند تا از آموزش فرزندان خویش صرف نظر نمایند فقط دو مدرسه خصوصی و یک مدرسه دولتی بیرون از محدوده حوزه مورد مطالعه در کنار جاده فرودگاه بین المللی کابل وجود دارد که جوابگوی نیازمندی های مردم ساکن در محل نمیباشد.

پارک ها: در داخل منطقه مکروریان برخی فضا های باز وجود دارد که فقط توسط صاحبان آنه برای کشاورزی استفاده می شود ام هیچ گونه مکان خاصی برای پارک های شهری و سایر چشم انداز های سبز وجود ندارد که این موضوع نیز مشکلات بزرگ زیست محیطی و اجتماعی را برای ساکنان حوزه خلق نموده است.

تسهیلات تفریحی: هیچگونه امکانات و تاسیسات تفریحی در محدوده سایت به مشاهده نمی رسد تنها در امتداد خیابان فرودگاه بین المللی کابل چند باشگاه ورزشی

خصوصی و چندین حمام خصوصی وجود دارد که مردم را وا داشته است تا از این تسهیلات استفاده نمایند.

طرح تفصیلی پیشنهادی برای منطقه مکروریان ها: بر اساس مطالعات انجام شده و بررسی و تحلیل های انجام شده پژوهشگر طرح تفصیلی پیشنهادی را برای منطقه مکروریان ها پیشنهاد نمود که به جزئیات آن پرداخته میشود.

اهداف طرح پیشنهادی

اهداف اصلی:

- فراهم آوری محیطی پایدار راحت و سازگار با محیط زیست برای همه ساکنان شهرها؛
- توسعه متوازن و پایدار نواحی شهری
- تهیه مسکن با در نظر داشت بعد عرضه و تقاضا

- تقویه روابط اجتماعی میان ساکنین محل
- ایجاد فضا های باز وسیع و فراهم سازی تسهیلات بهداشتی محیط زیستی و دوستانه برای ساکنین محل
- خلق منظر شهری و لندسکیپ زیبا در مناطق شهری

اهداف پروژه

- پاک سازی و احیای مجدد حوزه تحت مطالعه به منظور ایجاد شهرک مسکونی بلند مرتبه
- طراحی منطقه مکروریان ها با مدنظر گرفتن استراتژی پیشنهادی طرح جامع شهر کابل
- تبدیل خانه های غیر رسمی به خانه های رسمی مدرن که جوابگوی نیازمندی های معاصر شهروندان باشد
- طرح پلان شهری برای حوزه تحت مطالعه با در نظر داشت وضعیت اقتصادی ساکنین محل و دولت
- جلوگیری از توسعه شهر کابل با فرم گسترده و ناپایدار
- استفاده بهینه از زمین و جلوگیری از استفاده بی رویه از آن

رایگان در نظر گرفته شود تنها (۴۸۳ واحد مسکونی فعلی کمبود میگردد همچنان بدلیل موقعیت استراتژیک این منطقه در شهر کابل بلند بودن ارزش زمین و در نظر داشت بعد اقتصادی پروژه تراکم فوق جوابگوی تطبیق این پروژه نبوده و نیاز احساس می گردد تا تراکم از ۴۵۰ نفر در هکتار به ۹۰۰ نفر در هکتار عوض گردد که بنا بر آن داریم.

این جدول نشان دهنده محاسبات تراکم پیشنهادی برای سایت مورد نظر میباشد.

A= 900pp	A- تراکم جمعیت در هکتار
P= 137 ha	b- مساحت منطقه تحت پروژه
D= A*P= 137*900→ p= 123300	p- جمعیت پیش بینی شده برای حوزه
125000 people	D- تعداد خانوار بر اساس راپور
▲= 7 pearson	احصائیه مرکزی افغانستان
Y= p/▲= 125000/7= 17858 Apart-ments	Y- تعداد آپارتمان های مورد ضرورت

با در نظر داشت محاسبات انجام شده فوق در منطقه میتوان در حدود ۱۷۸۵۸ واحد مسکونی اعمار نمود که اسکان ۱۲۵۰۰۰ جمعیت را مهیا میسازد و بر علاوه تهیه مسکن برای اهالی منطقه به تعداد ۸۵۱۷ واحد مسکونی برای سایرین برای فروش تامین شده میتواند بر مبنای این طرح مشکل هزینه مالی پروژه بصورت اساسی حل گردیده و زمینه باز زنده سازی منطقه مکروریان ها مهیا میگردد.

۴-۴. استخوانبندی استراکچر عمومی طرح پیشنهادی
شکل و کالبد حوزه طراحی را شبکه ارتباطی خیابان ها پیشنهادی طرح جامع (خیابان

- تغییر راهکار توسعه منطقه از فرم گسترده رشد افقی به فرم فشرده رشد عمومی شهری
- تشویق سکونت خصوصی در همکاری با دولت در امر تهیه مسکن به متقاضیان
- تبدیل منظر زشت و نامیمون بافت زور آباد موجود به بافت شهری زیبا و خوش منظره.

دریافت تراکم جمعیت طرح

طوریکه قبلاً تذکر داده شد بر اساس طرح جامع شهر کابل حوزه تحت پروژه مکروریان ها برای کاربری مسکونی بلند منزل با تراکم جمعی ۴۵۰ نفر در هکتار برگزیده شده است بنا بر این بر اساس طرح جامع شهر کابل میتوان تراکم جمعیت ساکنین حوزه مکروریان ها بر اساس جدول ذیر محاسبه نمود.

A= 450 pp	A- تراکم جمعیت در هکتار
P= 137 ha	p- مساحت منطقه تحت پروژه
D= A*p→ 137*450→ p= 61650→ 62000	D- تعداد خانوار بر اساس راپور
Y= p/▲= 62000/7= 8858	Y- تعداد آپارتمان های مورد ضرورت

بر اساس محاسبات انجام شده فوق در حوزه مکروریان ها با این تراکم میتوان در حدود ۸۸۵۸ واحد مسکونی ایجاد کرد که جوابگوی مسکن حدود ۶۲۰۰۰ جمعیت ساکن محل میشود اما نظر به محاسبات انجام شده در حدود ۹۳۴۱ خانه در منطقه موجود بوده که نظر به تفاهم که میان دولت و ساکنین منطقه صورت گرفته دولت مکلف به ایجاد مسکن مناسب برای این ساکنین در بدل زمین های شان گردیده است بنا بر این اگر ۹۳۴۱ آپارتمان برای اسکان اهالی منطقه به صورت

های اصلی و انشعابی حوزه) و جویباری که از سمت جنوب به شمال سایت میگذرد تشکیل داده است موجودیت جویبار متذکره یکی از نقاط قوت منطقه می باشد که باعث ایجاد سرزندگی و پویایی در منطقه خواهد شد بر این مبنا در طرح پیشنهادی جهیل کوچکی در امتداد مسیر این جویبار در داخل پارک عمومی در نظر گرفته شده است که فرصت خلق فضای دل انگیز و زیبا را برای ساکنین و مستفیدین محل مهیا ساخته و لندسکیپ حوزه را زیبایی میبخشد. شکل زیر نشان دهنده استراکچر طرح پیشنهادی میباشد.

لازم است تا یاد آوری گردد که پروفایل عرضی خیابان های داخل طرح فوق بر اساس پیشنهادات طرح جامع کابل طرح گردیده است (عرض ۳۰ متر و عرض ۲۰ متر).

۴-۵. حوزه بندی و کاربری های پیشنهادی لندیوز در طرح

همانطوری که قبلا تذکر داده شد حوزه مکروریان ها در طرح جامع شهر کابل برای کاربری مسکونی یا تراکم بلند پیشنهاد شده است که در حال حاضر کاملا توسط خانه های غیر رسمی به شکل سنتی بدون در نظر داشت نیاز های اولیه ساکنین آب آشامیدنی، سیستم منظم برق شهری، کانالیزاسیون شهری، شبکه ارتباطی و ترانسپورت شهری و غیره با فرم گسره توسعه یافته است طرح تفصیلی پیشنهادی در این بافت زورآباد باید طوری ترتیب گردد که در کنار ایجاد مسکن مورد نیاز با تسهیلات لازم شهری برای ساکنین این بافت از لحاظ اقتصادی نیز مفادی را متوجه دولت و سکتور خصوصی بنماید.

طرح تفصیلی که در این فصل پیشنهاد میگردد به علاوه در نظر داشت موضع فوق دیدگاه ایجاد یک محله مسکونی پایدار، هوشمند، اقتصادی، ایکولوژیکی و اجتماعی را نیز شامل میباشد که مستفیدین حوزه مذکور از مزایای واقعی یک زندگی مرفح مطمئن و پایدار برخوردار خواهد بود. طوریکه در شکل به مشاهده میرسد طرح

پیشنهادی دارای شش واحد همسایگی یک هسته مختلط و پارک عمومی در قسمت مرکز میباشد.

۴-۶. طرح تفصیلی پیشنهادی

در نقشه طرح شده کاربری های مسکونی، تجاری، تعلیمی، مذهبی، تفریحی و پارک، طوری در نظر گرفته شده است که امکان آن را مهیا میسازد تا تمام ساکنین حوزه به شکل مساویانه به آن دسترسی داشته و از مزایای

واقعی زندگی شهری مستفید گردند به منظور دستیابی به این اهداف در طرح پیشنهادی ابتدا حوزه مورد مطالعه را با در نظر داشت سترکچر عمومی طرح جامع به شش واحد همسایگی تقسیم نموده و در هر واحد همسایگی کاربری های لازم از قبیل کاربری سبز خدماتی و فضای باز در نظر گرفته شده است در کاربری خدماتی تمام نیازمندی های روزمره اهالی از قبیل بازار های محلی، مسجد، مهد کودک،

دبستان و پارک بازی اطفال در نظر گرفته شده است.

به علاوه موضوعات فوق در نظر داشت جهت وزش باد و جهت تابش خورشید در زمستان نیز از نکاتی است که باید در قرار گیری و موقعیت دهی آپارتمان های مسکونی به آن توجه جدی صورت گیرد تا در زمستان از گرمای خورشید جهت تسخین استفاده گردد همچنان فاصله بین آپارتمان ها باید بر اساس استاندارد های طراحی در نظر گرفته شود تا از سایه افگنی بالای یکدیگر جلوگیری گردد بر همین اساس در طرح حاضر به علاوه در نظر داشت جهت وزش باد آپارتمان ها بر اساس استاندارد های موجود طوری موقعیت داده شده اند که بهترین موقعیت آفتاب گیری را در زمستان دارا میباشد.

جهت وزش باد و جهت تابش خورشید در زمستان نیز از نکاتی است که باید در قرار گیری و موقعیت دهی آپارتمان های مسکونی به آن توجه جدی صورت گیرد تا در زمستان از گرمای خورشید جهت تسخین استفاده گردد

۴-۷. جزئیات طرح پیشنهادی

طرح تفصیلی حوزه مکروریان ها به کمک برنامه جامع Auto CAD ۲۰۲۰ طراحی گردیده است که در طرح مذکور تمام کاربری ها بر اساس اندازه های حقیقی آن قرار داده شده اند.

جزئیات طرح قرار زیر اند:

• در طرح تفصیلی پیشنهادی برای بافت زور آباد مکروریان ها ۲۳۱ بلوک آپارتمان مسکونی با تیپولوژی های مختلف وجود دارد

• بر اساس استاندارد های پیشنهادی طرح جامع بلوک های مسکونی در ۲۵ طبقه طراحی گردیده است.

• تاسیسات مذهبی در هر واحد همسایگی با در نظر داشت شعاع دسترسی (۳۰۰ تا ۵۰۰ متر) موقعیت داده شده است.

• تسهیلات تعلیمی (مدرسه، مهد کودک و غیره) با در نظر داشت شعاع دسترسی تنظیم گردیده است.

• برای ایجاد سهولت های تفریحی برای ساکنان محل بر علاوه پارک های محله ای یک پارک بزرگ در مرکزی ترین موقعیت منطقه در طرح در نظر گرفته شده است.

• جهت حل مشکلات روزمره مردم در کنار پارک عمومی هسته مرکزی مختلف نیز طراحی گردیده است.

• با در نظر داشت شعاع دسترسی (۳۰۰ تا ۵۰۰ متر) محلات خرید و فروش در هر واحد همسایگی موقعیت داده شده است.

• پارکینگ های مشخص برای هر واحد مسکونی یک پارکینگ برای یک واحد مسکونی در طرح شامل گردیده است.

• جای مشخص برای اعمار تاسیسات برق رسانی نیز اختصاص داده شده است

• تاسیسات بهداشتی کلینک ها در جا های مشخص با در نظر داشت استاندارد -ستندرد های موجود در نظر گرفته شده است

• مقطع عرضی خیابان ها بر اساس طرح جامع کابل طراحی گردیده است

• برای اینکه از ایجاد سایه ساختمان ها بر یکدیگر در زمستان جلوگیری گردد مسافه بین بلوک ها $d = 1.5h$ تا $d = 1.75h$ از اینکه زاویه میانگین تابش آفتاب در کابل ۶۰ درجه میباشد در نظر گرفته شده است در رابطه مذکور d مسافه بین بلوک ها و h ارتفاع بلوک ها میباشد.

نتیجه گیری و یافته های تحقیق

همانطوریکه شهر ها مکان تمرکز جمعیت برای فراهم آوردن شرایط با هم بودن و ارتقای فرهنگی و اجتماعی میباشد مسکن نیز در جهان شاخص مهم برای توسعه اقتصادی محسوب میشود که با ایجاد شهرک های معیار مطابق استاندارد های شهری در کشور میتواند به این امر مهم و با اهمیت نایل آمد هدف اصلی این طرح همانا برنامه ریزی و طراحی علمی و اصولی میباشد که به اساس آن میتوان تغییرات وسیع را در منطقه مکروریان ها بوجو آورد که در سایه این تغییرات جهش های بزرگ اقتصادی اجتماعی و سیاسی رخ خواهد داد عملیاتی بودن این پروژه به عنوان الگویی از پاک سازی و توسعه مجدد بافت های فرسوده و زور آباد شهری ضمن تاکید بر راهکار باز زنده سازی شهری در بهبود سیما منظر و جداره های آن از اقدامات مهم و کار ساز بحساب می آید.

با مطالعه طرح های بالا دست و بررسی مشکلات و معضلات موجود بافت زمینه را برای ایجاد تسهیلات و توسعه امکانات مورد نیاز ساکنین و کاربری مهم و ارزشمند تفریحی و گردشگری فراهم ساخته و مورد توجه قرار گیرد تا بتواند بافتی پویا و با هویت کالبدی را رقم بزند آنچه که در برنامه های توسعه پایدار کمتر مورد توجه می باشد ناهماهنگی کالبد و فعالیت ها می باشد بخش قابل توجهی از بافت مکروریان های شهر کابل با فرسودگی کالبدی و عملکردی و مشکلات زیست محیطی مواجه است حوزه تحت مطالعه تقریبا ۱۰۰ فیصد توسط سکونتگاه های غیر رسمی و زاغه



ها اشغال شده است مردم ساکن عمدتاً تحت خط فقر زندگی می‌کنند که درآمد متوسط آنها ۶۵۰ دلار در سال است عدم موجودیت خدمات و امکانات شهری چالش‌های زیادی را برای ساکنین ایجاد کرده است گردآوری ارقام و اطلاعات در منطقه بدو گونه صورت گرفته است اطلاعات اولیه شامل اطلاعاتیست که از طریق سروی پرسشنامه‌ای مشاهدات در محل مصاحبه بررسی تصاویر ماهواره‌ای و عکاسی بدست آمده است و اسناد دولتی روزنامه‌ها و طرح‌های راهنمای در طرح جامع شهر کابل را میتوان گونه‌ای از اطلاعات ناتوی حساب کرد بر اساس سوالات پژوهش مطالعه به چهار مرحله تقسیم شد:

۱. وظایف اصلی در این مرحله محدود

کردن موضوع تحقیق مطالعه مطالب مرتبط دانشگاهی طراحی یک ساختار تحقیق دقیق و انتخاب روش‌های مناسب و طراحی پرسشنامه‌ها و سوالات مصاحبه بود.

۲. در مرحله دوم محقق در جستجوی اطلاعات موجود و مربوط به وضعیت واقعی منطقه مکروریان‌های شهر کابل در سازمان‌های مختلف اینترنت و مطالعه منابع دیگر موجود بوده است.
۳. در این دوره محقق مصاحبه‌های نمونه‌ای نظر سنجی‌ها و مشاهدات در حوزه تحت مطالعه انجام داد و اطلاعات ضروری را گردآوری نموده است.
۴. مرحله چهارم شامل وظایف اصلی

(تجزیه و تحلیل داده‌ها طراحی یک طرح تفصیلی جدید و نوشتن پایان‌نامه) بوده است.

بر مبنای هدف اصلی تحقیق که ارایه یک استراتژی مناسب برای باز زنده سازی بافت‌های فرسوده با توجه به کیفیت زندگی ساکنین و با استفاده بهینه از زمین از طریق توسعه مجدد بافت‌های فرسوده و زورآباد که پاسخگوی نیازهای معاصر در زندگی امروزی بوده و با خلق فضا‌های زیبا و موزون استفاده از توانایی‌های فنی جدید و وسایل زندگی مدرن را در منطقه مکروریان‌های شهر کابل فراهم سازد میباید پاسخ سوالات تحقیق به بررسی گرفته شده که اثبات فرضیه‌های پژوهش را فراهم نموده است پس از تجزیه و تحلیل کمی و کیفی سایت بدین نتیجه رسیدیم که بافت موجود دچار فرسودگی شدید بوده که تمام شاخص‌های بافت‌های فرسوده در آن مصداق است به علاوه وجود چالش‌های حقوقی و مالکیتی نیز مشکلات این سایت را در بحث استفاده از زمین بیشتر ساخته است طوریکه مردم ساکن در محل در عوض جایگاه زمین‌های خویش از دولت خواهان واحد‌های مسکونی مستقل و رسمی میباشند با آنکه زمین این منطقه زمانی از جمله جایگاه‌های دولت بوده است بنابر این لازمی پنداشته میشود تا از طریق پاکسازی و توسعه مجدد این بافت فرسوده دسترسی به مسکن مناسب و قابل استطاعت را با تمام تسهیلات و خدمات شهری با در نظر داشت استفاده بهینه از زمین برای مردم ساکن و دیگر شهروندان شهر کابل فراهم نمود که این موضوع صرف از طریق طراحی ساخت شهرک مسکونی بلند مرتبه فشرده پویا امکان‌پذیر است البته در این زمینه پایداری و توانمندی شهری را نیز بعنوان یکی از اهداف طراحی شهری باید در نظر داشت.

یافته‌های این پژوهش از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و اجرای تحلیل سوات در بافت زورآباد مورد مطالعه به اثبات میرساند که

پارمترهای چون مسکن قابل استطاعت ۱۵ فیصد امنیت اجتماعی ۱۵ فیصد خدمات و تسهیلات شهری ۱۹ فیصد استفاده بهینه از زمین ۱۵ فیصد و دسترسی مناسب ۹ فیصد در توانمندی طرح باز زنده سازی این حوزه موثر اند.

مردم ساکن در حوزه طرح با راهکاری باز زنده سازی این بافت و طراحی شهرک مسکونی بلند مرتبه موافقت دارند زیرا در حال حاضر با مشکلات بزرگی چون عدم دسترسی به مسکن مناسب عدم وجود امنیت اجتماعی دسترسی نامناسب به تسهیلات شهری و غیره روبرو هستند این مردم معتقد اند که ایجاد مسکن ارزان قیمت و احداث خدمات و تسهیلات شهری از جمله مهمترین پارامترهای موثریست که میتواند با استفاده بهینه از زمین بوجود آمده و باعث رفاه مردم در شهرک‌های بلند مرتبه گردد توجه به کیفیت زندگی و تصویر شهری نکته دیگریست که در دو دهه گذشته مدیران شهری کشور به اهمیت آن در توسعه شهرها پرداخته اند شهر کابل بعنوان یکی از شهرهای بزرگ و پایتخت کشور حدوداً ۷۰ درصد توسط ساختمان‌های زورآباد و غیر رسمی اشغال شده است که سمیا و منظری نامیمون و ناخوشایند به این شهر بخشیده است خوشبختانه در این اواخر گام‌هایی در زمینه ارتقای کیفیت محیط شهری و بهبود تصویر شهری در شهر کابل برداشته شده است طوریکه دو منطقه (جداره‌های خیابان درالامان و خیابان فرودگاه بین‌المللی کابل به عنوان پروژه نمونه‌ای انتخاب شده است تا در زمینه زیبا سازی آن اقدام گردد منطقه مکروریان‌ها با قرارگیری در مسیر خیابان فرودگاه بین‌المللی کابل در ایجاد زیبایی در این منطقه نقش بارزی را ایفا کرده میتواند که این امر صرف از طریق باز زنده سازی ناحیه‌ای مذکور و ساخت یک شهرک مسکونی زیبا بجای بافت فرسوده‌ای بد منظر موجود امکان‌پذیر است بنابر این طرح باز زنده سازی حوزه تحت

بر اساس محاسبات تقریبی که در فصل چهارم صورت گرفته است میتوان گفت که از لحاظ اقتصادی طرح شهرک مسکونی بلند مرتبه مکروریان های مفادی را متوجه مردم و حدود ۹۱،۷۵ میلیون دلار مفاد برای دولت و سکتور خصوصی تولید خواهد کرد

مطالعه به علاوه تولید مسکن در زیبایی منظر شهر کابل نیز موثریت چشم گیری خواهد داشت. یکی دیگر از مباحث در طرح های شهر منجمله باز زنده سازی شهری و طراحی شهرک های مسکونی بعد اقتصادی و مالی آن است که توجه ذینفعان و مدیران شهری را بیشتر از هر موضوع دیگری بخود جلب میکند بر اساس محاسبات تقریبی که در فصل چهارم صورت گرفته است میتوان گفت که از لحاظ اقتصادی طرح شهرک مسکونی بلند مرتبه مکروریان های مفادی را متوجه مردم و حدود ۹۱،۷۵ میلیون دلار مفاد برای دولت و سکتور خصوصی تولید خواهد کرد که این سه سهم را به اینطور میتوان خلاصه کرد الف: ایجاد مسکن قانونی و رسمی برای مردم و ساکنین محل ب: رشد اقتصادی منطقه و درصدی از مفاد اقتصادی مذکور نیز متوجه دولت خواهد شد و ج: درصد بالای از این مفاد به سکتور خصوص از طریق فروش آپارتمان ها و واحد های مسکونی اختصاص خواهد یافت بر اساس گفته های فوق طرح تفصیلی پیشنهادی برای منطقه مکروریان های شهر کابل نکات مثبت زیر را بوجود آورد:

- مناسبترین روش جهت استفاده موثر و بهینه از زمین در شهر کابل جلوگیری از گسترش افقی این شهر و هدایت آن به سمت یک شهر فشرده و پایدار.
- ایجاد مسکن مناسب و قابل استطاعت بر مبنای تقاضای بازار مسکن در شهر کابل با در نظر داشت دسترسی به تسهیلات و خدمات شهری لازم.
- گامی در جهت قانونی سازی و رسمی سازی بافت های غیر رسمی و زور آباد شهری

در شهر.

- تولید شغل برای شهروندان کابل بر اساس تقاضای بازار کار و مبارزه با بیکاری.
 - ایجاد فرصت برای سرمایه گذاری سکتور خصوصی در عمران شهر کابل.
 - گامی در جهت خلق منظری زیبا برای شهر کابل.
- در طرح تفصیلی پیشنهادی مکروریان های تمام کاربردی های شهری بر اساس استندرد های معاصر شهر سازی در نظر گرفته شده است که شامل بلوک های مسکونی (۲۳۱) بلوک مسکونی در ۱۲ طبقه که زمینه تولید مجموعاً ۱۴۸۵۷ واحد مسکونی را فراهم میسازد سبز خدماتی، زیر ساختی، پارک های محله ای، پارک عمومی، بازار های محلی، اماکن مقدسه، مدرسه، مهد کودک، و غیره میباشد این امر باعث ایجاد زندگی مرفح آرام و دلپذیر برای مستفدین ساحه گردیده و مشکلات زیست محیطی و بی سر پناهی را انشالله تا حدی کاهش خواهد داد.

منابع و ماخذ

- امید، حیدری و حسین حاتمی‌زاده، (۱۳۹۸). بازآفرینی شهری و تأثیر آن در بافت های فرسوده شهری، تهران: انتشارات دیبادخت.
- تیموری پرویز، رحمانی بیژن، عراقی شادی، (۱۳۸۹). بافت فرسوده ملایر و راههای ساماندهی آن، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۳، شماره ۸
- ساریخانی، مجید، (۱۳۸۲). «بررسی باستان شناسی، معیاری و شهرسازی ملایر در دوره قاجار»، تهران: نشر شهرستان ملایر.
- عندلیب، علی‌رضا، (۱۳۹۵). اصول نوسازی شهری رویکردی نو به بافت های فرسوده، تهران: انتشارات جنگل تزار، شیماء، (۱۳۹۸). بازآفرینی بافت فرسوده شهری-مفاهیم، رویکردها، تهران: انتشارات زرین اندیشمند.
- مجتهد زاده، غلامحسین، (۱۳۸۶). برنامه ریزی شهری درایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول
- مریم آزادی، پژمان، (۱۳۹۵). ساماندهی بافت فرسوده با استفاده از شهرسازی نوین، تهران: انتشارات سنا گستر.

تأثیرات احداث زیربنا اقتصادی بالای کشورهای روبه انکشاف

(مطالعه موردی افغانستان)

محمد رفیع شایق

استاد دانشگاه بلخ



انکشاف اقتصادی چیست؟

انکشاف اقتصادی عبارت از رشد متداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان های اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی جامعه است که دست یابی به اهداف مطلوب اقتصادی و نوسازی اقتصاد را فراهم میکند.

کشور های رو به انکشاف:

به کشورهای اطلاق میشود که از لحاظ استندرد ها و شاخص های انکشاف در سطح بسیار پائینی قرار دارند، در این کشور ها مجموعه از شرایط نامطلوب برای کارکردن و زیستن وجود دارد محصول درآمد و سطح زندگی پائین است بسیاری از روش های تولید و همچنان رویه و الگوهای رفتاری نامساعد است. به عبارت دیگر: کشور هایی هستند با سطح درآمد کم، صادرات ناچیز، نرخ رشد جمعیت بالا، میزان بیسوادی زیاد، میزان بیکاری بالا، اشتغال عمده نیروی کار در بخش زراعتی

و همچنان از لحاظ منابع و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لازم برای گام گذاردن در راه انکشاف محروم مانده اند.

رشد و انکشاف پایدار اقتصادی:

تشخیص عوامل و سکتور های تولیدی با در نظر داشت ظرفیت، امکانات و شرایط موجود کشور و رعایت ارتباط ذات البینی سکتور ها منجر به رشد و انکشاف پایدار اقتصادی کشور در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت گردیده که عمدتاً وابسته به رشد سکتور های تولیدی منجمله سکتور های زراعت، صنعت، انرژی، مواصلات، مخابرات، معادن، و ارتقای منابع بشری خواهد بود. بناً ایجاد مینماید تا دولت همواره سکتور های فوق را مورد حمایت قرار داده و زمینه جلب سرمایه گذاری های بیشتر را در این سکتور ها از طریق تشبثات خصوصی و دولتی فراهم نماید. رشد پایدار اقتصادی از طریق رشد سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی در سکتور های مختلف اقتصادی، رشد صادرات، انکشاف زیربنا های اقتصادی، ارتقای سطح مولدیت و موثریت، توسعه ظرفیت های تولیدی و ارتقای سطح استخدام میسر میگردد. در بسیاری از کشور ها رشد اقتصادی توسط رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)

تا اطمینان حاصل شود که موانع زیرساختاری بر طرف شده و جهت یابی اقتصاد پویا تسهیل شده است. این امر به وضوح به معنی فاصله گرفتن از روشهای قدیمی و غیر موثر فعالیت های اقتصادی و دخالت و مدیریت مدرن در امور و معادلات اقتصادی ملی می باشد. رشد اقتصادی ملی افغانستان که مبتنی بر تعریف نقش حکومت و منافع عالیای کشور می باشد، تضمین خواهد کرد که رشد اقتصادی افغانستان همواره به صورت ثابت و مستمر تامین گردد.

قانون اساسی افغانستان از نظام اقتصاد بازار به ارتباط حمایت از سرمایه گذارها و تشبثات سکتور خصوصی تذکر بعمل آمده، اما مودل مشخص اقتصاد بازار در افغانستان تثبیت نگردیده و هیچگونه توضیح داده نشده است که با کدام مودل اقتصاد بازار عملکرد دولت باید تنظیم گردد. متأسفانه طی سال های گذشته بدون دقت و تامل و تحلیل درست از شرایط عینی کشور و بدون در نظر داشت اینکه کدام مودل اقتصادی با

شرایط کشور ما سازگار بوده، تصامیم غیر واقع بینانه اتخاذ گردیده است. از جانب دیگر عدم مداخله دولت در بازار سبب گردیده تا گروه های انحصاری ایجاد گردند و بجای رقابت در نرخ تولید کالا و خدمات، در تئانی باهمدیگر باعث بلند نگهداشتن قیمت ها و مانع دخول متشبتین جدید در مارکیت میگردند. از



بردن ظرفیت تولیدی و رشد اقتصادی در افغانستان تلاش مجدانه ای را به خرج داده و در آینده نیز به منظور به سر رساندن این اهداف از شناسایی و تلاش برای رفع موانع و چالش های که در حال حاضر از موانع جدی فراراه توسعه و رشد اقتصادی قرار دارند، وضع مقررات و تنظیم امور مواردی خاص نیاز مند میباشد

رشد اقتصادی ملی افغانستان طی سال های آینده خواهد بود روش توسعه متوازن اقتصادی درسراسر کشور و همچنین برای زدودن و مهار فشارها و موانعی که هم سکتور دولتی و هم سکتور خصوصی با آنها مواجه می باشند. اقتصادی ملی و نیز بین المللی و همچنان جذب سرمایه گذاری خارجی به منظور بلند

پیمایش میگردد. افغانستان از موهبت تنوع و منابع غنی و ظرفیتهایی عظیم برای افزایش در آمد های عمده اقتصادی و تجارتي برای کشور بر خوردار می باشد. تلاش برای ایجاد رشد اقتصادی مبتنی بر سیستم و مدل مختلط اقتصادی، خصوصی محور رقابتی و دولتی از اولویتهای

آنجا که در مودل نظام اقتصاد بازار نقش دولت منحیث تسهیل کننده، فراهم کننده، تنظیم کننده و پالیسی ساز بوده و سکتور خصوصی نقش تبدیل کننده تمام فرصت های موجود را به سرمایه دارد، میباشد. اما نظر به شرایط

کنونی کشور تا زمان که کشور به حالت عادی رشد اقتصادی قرار گیرد این پالیسی اقتصادی در عرصه سرمایه گذاری با در نظر داشت شرایط موجود و منافع ملی کشور تاکید بالای سرمایه گذاری های خصوصی و در بعضی موارد سرمایه گذاری های مختلط و دولتی مینماید. و اصطلاحات ذیل را پیشنهاد مینماید:

۱. تشویق صنایع داخلی کشور از طریق فراهم نمودن ضمانت ها و تسهیلات و حمایت شان از سیاست های دامپنگ کشور های همسایه و منطقه با استفاده از وسایل سیاست مالی و پولی کشور.

۲. حصول اطمینان از موجودیت رقابت در بازار و جلوگیری از انحصار و افزایش نرخ فیم با استفاده از پالیسی رقابت، منع احتکار، توسعه ذخایر استراتیژیک دولتی (مخصوصاً در عرصه

مواد مورد نیاز اولیه) و حاکمیت قانون بالای تمام متبششین کوچک، متوسط، بزرگ، داخلی و خارجی بصورت یکسان و شفاف.

از آنجا که در مودل نظام اقتصاد بازار نقش دولت منحیث تسهیل کننده، فراهم کننده، تنظیم کننده و پالیسی ساز بوده و سکتور خصوصی نقش تبدیل کننده تمام فرصت های موجود را به سرمایه دارد، مینماید. اما نظر به شرایط کونی کشور تا زمان که کشور به حالت عادی رشد اقتصادی قرار گیرد این پالیسی اقتصادی در عرصه سرمایه گذاری با در نظر داشت شرایط موجود و منافع ملی کشور تاکید بالای سرمایه گذاری های مختلط و دولتی مینماید

۳. بادر نظر داشت وضعیت ثبات سیاسی و امنیتی اکثر متبششین خصوصی سرمایه گذاری روی صنایع ثقیله مانند فابریکات پروسس مواد معدنی (مانند ذوب آهن، تصفیه نفت، و غیره) و فابریکات تولیدی (مخصوصاً تولید انرژی از ظرفیت های موجوده آبی، گاز و ذغال سنگ کشور) نمی نمایند، بناً، در چنین سکتور ها باید بالای طرح سرمایه گذاری های دولتی و مختلط توجه جدی صورت گیرد.

۴. سرمایه گذاری های دراز مدت منطوقی و بین الدول مانند زیربنای ترانسپورتی و انرژی و استخراج منابع طبیعی در ثبات سیاسی و امنیتی منطقه فوق العاده موثر است، در محراق توجه قرار گرفته، تمویل کننده گان و جامعه جهانی باید برای تمویل آنها تشویق گردند.

۵. غرض تطبیق موثر موافقتنامه های منطوقی و فرامنطوقی راهبرد های عملی و قابل تطبیق طرح و از تطبیق آنها نظارت و پیگیری صورت گیرد.

۶. یک کمیته مطالعات استراتیژیک اقتصادی از اهل خبره کشور ایجاد گردد تا اثرات تطبیق پالیسی ها را مورد تحلیل مسلکی و اکادمیک قرار داده و در مقاطع مختلف زمانی و مراحل انکشافی کشور نظام اقتصادی را تعریف و حدود حمایت و مداخله دولت را در مطابقت با شرایط عینی جامعه تثبیت نماید.

سکتور های که در انکشاف اقتصادی افغانستان نقش دارد:

بمنظور دستیابی به اهداف این پالیسی در ارتباط به انکشاف سکتور های زراعت و آبیاری، انرژی، صنایع، مواصلات و مخابرات، معادن، انکشاف منابع بشری، و طرح های عملی به منظور تقویت و حمایت از انکشاف سکتور خصوصی مخصوصاً توجه به تشبثات کوچک و متوسط، حمایت همه جانبه از

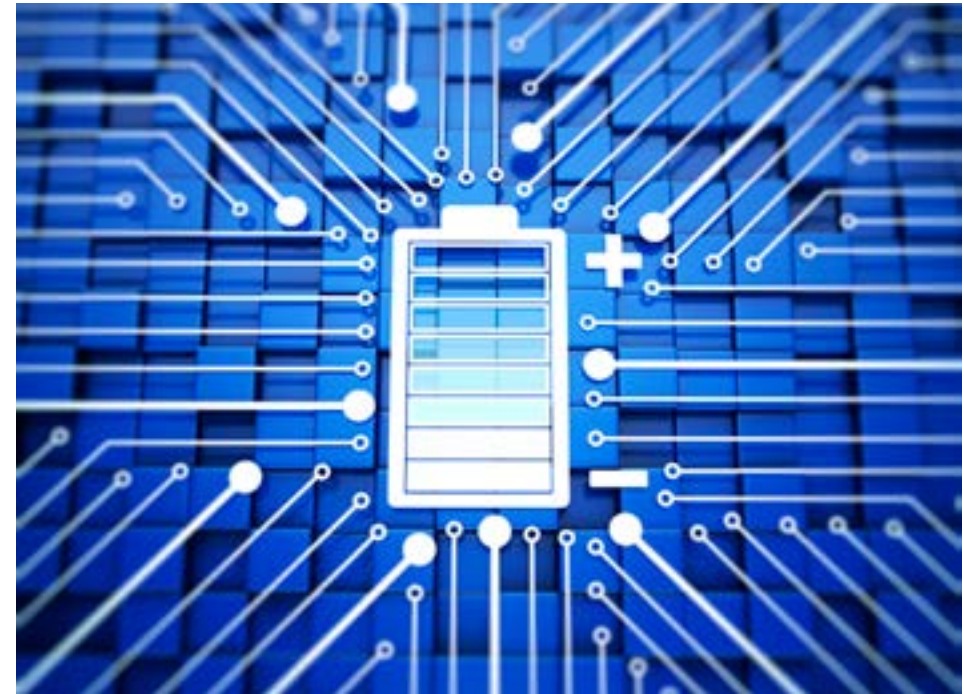
افزایش صادرات، تولید مواد خام برای صنایع و اقدامات عملی بمنظور رسمی سازی سکتور خصوصی غیر رسمی، باید اقدامات و تدابیر مشخص اتخاذ گردد. سکتور های دارای اولویت پالیسی اقتصادی ملی کشور در ذیل توضیح میگرددند.

۱. سکتور زراعت و انکشاف دهات
۲. سکتور صنایع و تولیدات
۳. سکتور انرژی و برق
۴. سکتور مواصلات و مخابرات
۵. سکتور انکشاف شهری
۶. سکتور استخراج معادن
۷. انکشاف منابع بشری و خدمات اجتماعی
۸. انکشاف سکتور خصوصی و تولیدات داخلی
۹. سکتور حکومنداری
۱۰. همکاری های منطوقی و بین المللی

میکانیزم تطبیق طرح های اقتصادی:

پالیسی ها پلانهای انکشافی سکتوری ادارات مختلف کشور در هماهنگی به آن ادارات ترتیب و تنظیم گردیده که هیچ پالیسی سکتوری نمیتواند در تضاد با این پالیسی باشد. وزارت اقتصاد مکلف است تا چگونگی هماهنگی تمام پالیسی های سکتوری را با پالیسی اقتصادی نظارت نماید. تحقق بهتر پالیسی اقتصادی مستلزم همکاری متقابل بین وزارت های اقتصاد، مالیه، سکتور خصوصی و سایر وزارت ها و ادارات سکتوری میباشد. وزارت ها و ادارات سکتوری در تطبیق و تحقق پالیسی اقتصادی که به ساحه فعالیت شان ارتباط داشته باشد مکلف بوده و در ترتیب و تنظیم پالیسی های مربوط خود بمنظور حصول اهداف پیشبینی شده و تحقق بهتر پالیسی اقتصادی کشور مساعی لازم نمایند. وزارت ها و ادارات حین طرح پالیسی ها و پلان های مربوط شان پالیسی اقتصادی را در نظر داشته و وزارت اقتصاد را در جریان قرار دهند. وزارت مالیه مکلف به فراهم نمودن وجوه مورد نیاز از منابع داخلی و خارجی چون جلب کمک

های جامعه جهانی و قرضه های طویل مدت با شرایط سهل جهت تمویل پروژه ها میباشد. نظر به تعهدات اخیر جامعه جهانی در کنفرانس توکیو (۲۰۱۲) (جامعه جهانی ۵۰٪ منابع شانرا از طریق بودجه دولت و ۸۰٪ پروژه های شانرا که خارج از بودجه ملی تطبیق خواهند کرد باید در مطابقت به برنامه های ملی دارای اولویت باشد. برای تطبیق این تعهد نیاز مبرم به طرح یک پالیسی استفاده موثر از کمک ها است که وزارت مالیه آنرا در تفاهم با جامعه جهانی ترتیب و از تطبیق آن بصورت دقیق تر نظارت و پیگیری نماید. وزارت تجارت و صنایع مکلف است تا غرض رشد سکتور خصوصی و توازن بیلانس تجارت در کشور پالیسی تشویق صادرات را طرح و از تطبیق آن بصورت دقیق نظارت نماید. جهت فراهم نمودن اطمینان سرمایه گذاران و تشویق هرچه بیشتر سرمایه گذاری در سکتور های تولیدی (صنایع نساجی، مواد ساختمانی، صنایع دستی، و صنایع مواد خوراکی و سایر ساحات که دارای مزیت نسبی است) طرح های مشخص را ترتیب و به منصفه اجرا قرار دهد. دافغانستان بانک منحیث یک نهاد مستقل در هماهنگی با وزارت های سکتور اقتصادی مکلف است تا در قسمت ثبات اقتصادی هم از حفظ ارزش افغانی، ثبات قییم و تعادل بیلانس تادیات اقدامات لازم نموده و وسایلی را که در دسترس دارند، موثرانه بکار گیرند. چون سکتور بانکداری در بدست آوردن اهداف سیاست اقتصادی فوق العاده مهم بوده بناً، دافغانستان بانک باید طرح مشخص سوپرویزن، نظارت و فراهم نمودن تسهیلات برای انکشاف سکتور بانکداریا ترتیب از تطبیق آن نظارت جدی نماید. تمام وزارت های سکتوری به طرح، تطبیق و نظارت از برنامه های مشخص و پلان دقیق تطبیق آنها در مطابقت به اهداف کلی سیاست اقتصادی مکلف اند. اداره مرکزی احصاییه در جمع آوری اعداد، ارقام و معلومات صحیح احصاییه اقتصادی توجه جدی به عمل آورد.



تشخیص ظرفیت در اتصال کوتاه داخلی



احمد فرهاد صمدی
استاد دانشگاه بلخ

چکیده

مهمترین نقص در پیل‌های الکتروکیمیایی مربوط به وقوع اتصال کوتاه داخلی (ISCr) است. ممکن است باعث فرار حرارتی، و منجر به انفجار پیل شود. اگرچه دلایل آن به خوبی

شناخته شده (عیوب ساخت، چارج بیش از حد، تخلیه بیش از حد)، تشخیص به موقع IScR بسیار مشکل است. این میکانیزم بروی تشخیص یک اتصال کوتاه داخلی، زمانیکه پیل با استفاده از وابستگی زمانی ارزیابی ظرفیت چارج می‌شود، تمرکز دارد. **کلید واژه ها:** چارج، اتصال کوتاه داخلی، مقاومت داخلی، تشخیص، چارج چارج

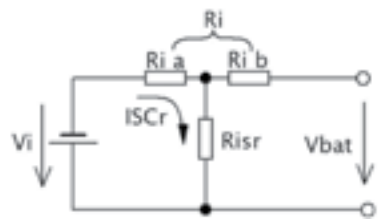
۱. معرفی

چارج بطری های لیتیومی بطور استاندارد در دو حالت، حالت جریان ثابت (CC) و حالت ولتاژ ثابت (CV) تطبیق می‌گردد. حالت اول با یک جریان ثابت در حین افزایش ولتاژ مشخص می‌شود. زمانی را که پیل در طول چارج در حالت جریان ثابت می‌گذراند، اولین شاخص وضعیت سلامت پیل الکتروکیمیایی است. زمان چارج طولانی در حالت CC در بیشتر موارد به این معنی است که پیل در وضعیت بهتری قرار دارد [۱]. با رسیدن به حداکثر ولتاژ چارج، فرآیند چارج به حالت CV تغییر می‌کند. این مقدار باید مقدار تنظیم شده بروی چارجر (یا BMS) مطابق با توصیه های سازنده باشد. در طول فرآیند، جریان CV به تدریج در داخل پیل کاهش می‌یابد. بطور معمول، این مقدار تقریباً ۵٪ جریان چارج کننده است. پس از رسیدن به جریان ثابت، پیل را می‌توان به عنوان چارج کامل در نظر گرفت و چارجر (یا BMS) دوران چارج را خاتمه می‌دهد [۱].

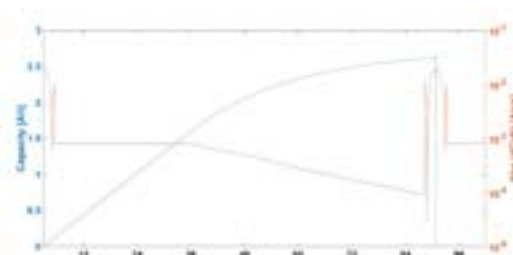
درست چارج شدن پیلها مربوط به فناوری لیتیوم می‌شود. اما معمولاً این روند رعایت نمی‌شود. دلیل آن شکست داخلی پیل الکتروکیمیایی است. در تکنولوژی های لیتیومی، اتصال کوتاه داخلی اغلب اتفاق می‌افتد [۱].

۲. نظریه

رایج ترین مکانیزم ایجاد یک اتصال کوتاه داخلی (ISCr) در پیل، وجود ذرات کوچک Li-metal در فرآیند تولید آن است. این ذرات روی صفحه کاتودیک حل می‌شوند و به صفحه آنود منتقل می‌شوند. زمانیکه آنها رسوب می‌کنند، دندرات تشکیل می‌شود. دندراتها میتوانند تا ناحیه کاتودیک رشد کنند و یک اتصال کوتاه داخلی در پیل ایجاد کنند. اگر جریان اتصال کوتاه داخلی بمقدار بحرانی برسد، منجر به تخلیه پیل از طریق این اتصال کوتاه داخلی می‌شود، و همچنان حرارت شدید موضعی و تجزیه مواد کاتودیک و آنودیک می‌شود. شکل (۲) مدار معادل با علامت IScR را نشان می‌دهد [۳،۲]. با در نظر داشت طراحی پیل، تا ۷۰٪ از کل انرژی پیل میتواند در کمتر از آزاد شود و باعث ایجاد حرارت شود. در طول IScR، جریان الکتریکی بالا (I) از طریق نقطه اتصال کوتاه، باعث گرم شدن موضعی در داخل پیل می‌شود. خطر فرار حرارتی بستگی بموارد چون (۱) انرژی حرارتی موضعی نقطه IScR و مدت زمان آن، (۲) انقباض جداکننده، نقطه ذوب و انتشار، و (۳) افزایش کلی درجه حرارت پیل [۴]. اتصال کوتاه داخلی باعث ایجاد حرارت می‌شود. اگر IScR توسط یک جداکننده مناسب حذف نشود یا جداکننده دیگر قادر به مقاومت در برابر درجه حرارت بالا نباشد، پدیده فرار حرارتی (TR) رخ می‌دهد. این پدیده با آسیب رساندن به ساختار داخلی بطری خاتمه می‌یابد و در صورت ساخت نامناسب بطری، ممکن است منجر به انفجار شود. وجود یک IScR دایمی باعث تخلیه سریعتر خود می‌شود. نتیجه IScR کاهش SOC است که منجر به کاهش ولتاژ مدار باز (OCV) می‌شود. [۲].



شکل (۲). مدار معادل یک مدل بطری با IScR که در آن V_i نشاندهنده ولتاژ داخلی بطری و V_{bat} نشاندهنده ولتاژ بطری است. R_i مقاومت داخلی اصلی است که در آن $R_{i a}$ و $R_{i b}$ مقاومت داخلی الکترودها را نشان می‌دهند. و IScR جریان است که از مقاومت Risr می‌گذرد.



شکل (۱). نمونه از منحنی ایده آل $\frac{dC}{dt}$ بدون IScR.

اتصالات کوتاه داخلی میتواند باعث کاهش ظرفیت پیل شود و یا ممکن است به سطوحی برسد که حتی منجر به انفجار پیل شود. شکل (۱).

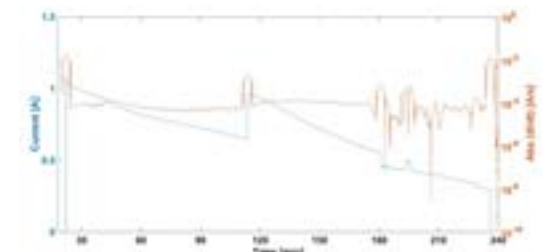
شاخصهای اولیه نشاندهنده پدیده اتصال کوتاه داخلی در پیل‌های ایون Li میباشد که تخمین آن مشکل میباشد [۵]. نشانگرهای اتصال کوتاه داخلی بطری از بیرون قابل مشاهده

است. دیگر روش موثری در برابر یک عکس العمل حرارتی غیرقابل کنترل وجود ندارد و در آنجا TR رخ میدهد. تنها گام طراحی مناسب پیل است. میتوان ثابت کرد که بزرگی جریان اتصال کوتاه به اندازه پیل ارتباط ندارد [۳]. تحقیقات نشان میدهد که پیل‌های لیتیومی با ظرفیت بیشتر از در معرض خطر فرار حرارتی قرار دارند که با ولتاژ بیشتر از چارج میشوند. افزایش حرارت در پیل با ISCr میتواند، حاشیوی عمل کند ولی پیل‌های در ولتاژهای کمتر از به احتمال زیاد به فرار حرارتی نمیرسند [۴].

ISCr در الکتروده که در آن هدایت حرارتی به پیل‌یکه توسط هادی حرارتی کم الکترولیت و مواد جداکننده محدود می شود، اتلاف حرارتی محدود خواهد داشت. بنابراین، تولید حرارت ISCr عمدتاً از طریق کلکتورهای جریان مس آلود و المونیم کاتودی با هدایت حرارتی بالا به عقب برمیگردد [۴].

۳. روش‌های تشخیص ISCr

تشخیص اتصال کوتاه داخلی بطری بسیار مهم است. روش‌های تشخیص ISCr را میتوان به ۵ دسته تقسیم کرد [۲، ۶، ۷]:



شکل (۳). نمونه از dI/dt برای ISCr در نمونه NCR_FF و دور چهاردهم.

- (۱) مقایسه ولتاژ، جریان و درجه حرارت با استفاده از مودل،
- (۲) شناسایی ناهنجاریهای غیرمعمول شکل موج ولتاژ و جریان،
- (۳) بررسی ولتاژ، جریان یا ظرفیت بطری،

(۴) مقایسه ظرفیت بطری با محاسبات،

(۵) رعایت ثبات بطری

محاسبات

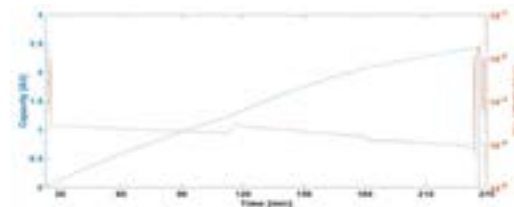
تشخیص ISCr با محاسبه میل زمانهای جریان چارج، ولتاژ و ظرفیت ارتباط دارد. این روش بر اساس شناسایی ناهنجاریهای غیرمعمول، و استوار است.

جدول (۱). نتایج برای نمونه NCR_FF_۴.

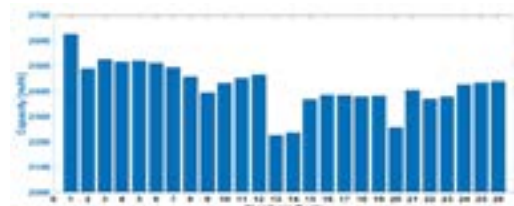
ظرفیت چارج و تخلیه بطری

ترتیب	ظرفیت تخلیه	ظرفیت چارج
۱	۲۶۸۴	۲۶۲۵
۲	۲۵۲۵	۲۴۸۹
۳	۲۵۶۴	۲۵۲۷
۴	۲۵۵۴	۲۵۱۶
۵	۲۵۵۴	۲۵۲۱
۶	۲۵۴۳	۲۵۱۰
۷	۲۵۳۳	۲۴۹۴
۸	۲۴۹۴	۲۴۵۷
۹	۲۴۳۲	۲۳۹۴
۱۰	۲۴۶۷	۲۴۳۲
۱۱	۲۵۱۸	۲۴۵۱
۱۲	۲۵۰۸	۲۴۶۵
۱۳	۲۲۶۵	۲۲۲۵
۱۴	۲۲۶۰	۲۲۳۷
۱۵	۲۳۷۹	۲۳۶۷
۱۶	۲۳۹۰	۲۳۸۶
۱۷	۲۳۸۸	۲۳۸۴
۱۸	۲۳۹۰	۲۳۸۰
۱۹	۲۳۹۴	۲۳۸۳
۲۰	۲۲۶۱	۲۲۵۶
۲۱	۲۴۱۶	۲۴۰۳
۲۲	۲۳۷۵	۲۳۶۸
۲۳	۲۳۸۴	۲۳۷۹
۲۴	۲۴۴۶	۲۴۲۶
۲۵	۲۴۳۳	۲۴۳۴
۲۶	۲۴۳۸	۲۴۳۸

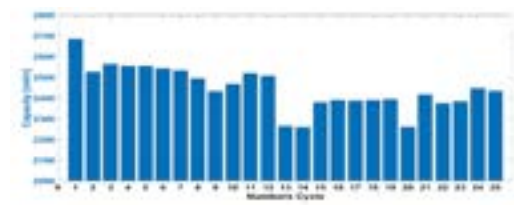
روش اول برای، مبتنی بر نظارت جریان چارج در حالت CV است. در صورت افزایش ناگهانی مقدار جریان، میتوان آنرا بعنوان نشانگر اتصال کوتاه داخلی در پیل در نظر گرفت [۷]. مشتق عددی آن پولینوم درجه دوم را می دهد. فاصله زمانی، قیمت مطلق نتیجه مشتق عددی را میگیریم تا آنرا در مقیاس لوگارتمی رسم کنیم. برای دستیابی به تشخیص زود هنگام



شکل (۴). نمونه از dI/dt برای ISCr برای نمونه NCR_FF_۴ و دور چهاردهم.



شکل (۵). نتایج ظرفیت چارج بطری NCR_FF_۴.



شکل (۶). نتایج ظرفیت تخلیه بطری NCR_FF_۴.

نشانگرهای اول ISCr، روش انالیز عددی جریان چارج استفاده شد (معادله (۱)-(۳)). استخراج عددی و مشاهده تغییرات آن (میل) تشخیص بموقع شاخص های ISCr در پیل را تضمین میکند.

$$\frac{dI}{dt} > 0 \quad (1)$$

این کار بالای افت ولتاژ در طول چارج تمرکز دارد. این روش مبتنی بر نظارت بر ولتاژ در هنگام چارج در حالت‌های CV، CC و توان ثابت (CP) است. اگر ولتاژ در هنگام چارج کاهش یابد، میتوان گفت که اتصال کوتاه داخلی بسیار محتمل است [۴].

$$\frac{dV}{dt} < 0 \quad (2)$$

آخرین روش مورد استفاده برای تشخیص ISCr، مشتق عددی ظرفیت پیل میباشد. این روش بر اساس تشخیص ناهنجاریها در مسیر میل منحنی مشتق C میباشد.

$$\frac{dC}{dt} > 0, \frac{dC}{dt} < 0 \quad (3)$$

این روشها این مزیت را دارند که هم از نظر قدرت محاسباتی وهم برای ابزارهای سخت‌افزاری زیاد نیاز ندارند. امروزه هر سیستم بطری دارای دستگاه نظارت بر جریان دارد، و در سیستمهای خوبتر، کنترل درجه حرارت نیز میباشد. تشخیص ISCr بمعنی تنظیم برنامه در داخل سیستم است.

۵. انجام تجربه

تجربه در ایستگاه‌های دورانی خودکار H-tronic Accumaster C5 انجام شده است. در این دستگاه، پارامترهای جریان چارج و تخلیه مطابق با توصیه های سازنده پیل (۵C) تنظیم شده است. ولتاژ نهایی تخلیه روی تنظیم شده، ولتاژ چارج نهایی

و جریان چارج کمتر از ۵٪ جریان چارج یاد شده تنظیم شده است. ایستگاه دو دور را برای ارزیابی بعدی مقادیر جریان، ولتاژ، خازن و درجه حرارت را در فواصل منظم انجام و ثبت میکند.

بدلیل حجم زیاد اطلاعات، نمونه ای که برای آن جریان اتصال کوتاه داخلی تشخیص داده شده است، مورد بحث قرار می گیرد. این بطری از نوع NCR 18650 PF با Panasonic گرید تجربی NCR_FF_۴ بود. نتایج ظرفیت اندازه گیری شده این نمونه در جدول (۱) درج گردیده است.



بررسی وضعیت تحصیلات عالی خانم‌ها و اثرات تغییر نظام سیاسی بر عملکرد تحصیلی خانم‌ها در افغانستان

مطالعه موردی: دانشگاه بغلان

چکیده

هدف این تحقیق بررسی وضعیت تحصیلات عالی زنان افغانستان با توجه به نظام سیاسی اخیر در کشور بوده است. می‌توان گفت که جدا سازی صنوف درسی زنان و مردان در دانشگاه باعث افزایش رضایت خاطر زنان دانشجو گردیده است و با توجه به تحلیل ضریب همبستگی می‌توان گفت فرصت‌سازی زنان از تحصیلات عالی رابطه شدیدی با مشکلات موجود در این زمینه دارد و اینکه براساس آزمون KMO در تحلیل عاملی، اتفاق نظر کلیه دانشجویان مورد تایید قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: زن، تحصیلات عالی، استراتژی نظام، تفاوت جنسیتی، فرصت‌ها

پوهنیار سخی بخش 'اسدی'

استاد دانشگاه بغلان



پوهنیار عاطفه 'حسینی'

استاد دانشگاه بغلان



در مورد روش تشخیصی دوم (افت ولتاژ)، پیلکه دارای این نقص باشد، یافت نشد. بر اساس ادبیات موجود و تجربیات ما، توصیه می‌شود که هر دو روش را در سیستم‌های BMS برای حساسیت و قابلیت اطمینان بهتر تشخیصی ISCr پیاده‌سازی کنید.

منابع

[1] Thomas B. Reddy, David Linden, Linden's Handbook of Batteries, 4th ed., McGraw-Hill, New York, 2017 c2011, 1v. (various pagings). ISBN9780071624213.

[2] Minggao Ouyang, Mingxuan Zhang, Xuning Feng, Languag Lu, Jianqiu Li, Xiangming He, Yuejiu Zheng, Internal short circuit detection for battery pack using equivalent parameter and consistency method, J. Power Sources 294 (2015) 272-283, doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jpowsour.2015.06.087>

Available from: <http://linkinghub.elsevier.com/retrieve/pii/S0378775315011210>.

[3] M.Seo, T.Goh, M. Park, G. Koo, S.W. Kim, Detection of internal short circuit in lithium ion battery using model-based switching model method, Energies 10 (2017) 76. Available from: <http://www.mdpi.com/1996-1073/10/1/76>.

[4] Hossein Maleki, Jason N. Howard, Internal short circuit in Li-ion cells, J. Power Sources 191 (2) (2009) 568-574, doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jpowsour.2009.02.070> ISSN 03787753. Available from: <http://linkinghub.elsevier.com/retrieve/pii/S0378775309004224>.

[5] D.H. Doughty, A.A. Pesaran, Vehicle Battery Safety Roadmap Guidance, Subcontract Report NREL/SR-400e54404, (2012).

[6] S.Okazaki, S. Higuchi, N. Kubota, S. Takahashi, Measurement of short circuit current for low internal resistance vatteries, J. Appl. Electrochem. 16 (1985) 512-516 Osaka: government industrial research institute, 1986.

[7] Sarah G. Stewart, Christopher Dangler, Weston A. Hermann, Scott I. Kohn, Kurt R. Kelty, Christopher. Dangler, Methodology for charging Batteries Safely. United States. US2017/0074918A1. (2017) Granted 16.3.2017.

۶. نتایج و بحث

همانطوریکه قبلا ذکر شد، روش جدید تشخیص ISCr، مشتق عددی ظرفیت پیل آزمایش شده است. نتایج اولیه نشان می‌دهد که مشتقات عددی، را شناسایی میکند. اشکال (۳ و ۴) نمونه های مشتق عددی و مشتق عددی هستند. این روش این مزیت را دارد که ISCr را از مقدار کمتری اطلاعات یا از سیستمی که به عنوان مثال، فقط اطلاعات مربوط به ظرفیت پیل ذخیره میشود، شناسایی می‌کند. (اشکال ۵ و ۶).

از نتایج اندازه گیری شده مشخص میشود که تشخیص زودهنگام اتصال کوتاه داخلی بسیار مهم است. نتایج نشان میدهد که چگونه مکانیزم اتصال کوتاه داخلی تأثیر بسیار سریعی بر زندگی پیل دارد. در قسمت بعدی آزمایش پیل، جداکننده سعی کرد از افزایش داخلی پیل جلوگیری کند که در افزایش ظرفیت پیل بین دورهای ۱۵ و ۱۹ آشکار میشود. لیکن پیل آنقدر آسیب دیده است که دیگر به ظرفیت اولی خود نمیرسد.

همچنین کاهش سریع ظرفیت بطری مشاهده شد. بعد از دور اول، ظرفیت اندازه گیری شد و ظرفیت تنها پس از ۱۳ دور اندازه گیری شد. تفاوت ظرفیت بین دور اول و سیزدهم است.

۷. نتیجه گیری

یک اتصال کوتاه داخلی در نمونه با علامت ۴_NCR_PF شناسایی شد. همانطور که در بالا توضیح داده شد، یک تغییر عمده در جریان چارج در حالت CV رخ داده است. این را میتوان بعنوان شاخص یک اختلال کیمیاوی داخلی در نظر گرفت.

در بخش آخر، روش دیگری با استفاده از مشتق عددی ظرفیت بر حسب زمان برای تشخیص ISCr مورد آزمایش قرار گرفت. نتایج اولیه نشان میدهد که این روش تشخیصی ISCr نیز قابل اجرا خواهد بود. این روش تشخیص در آینده بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مقدمه
 رویکرد توسعه انسانی نقطه اتصال عدالت و رشد شناخته شده است و از این جهت سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ آن را جهت سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها ارایه کرد (سابراتا کتگ، ۱۳۸۰: ۱۴-۲۵).
 افغانستان در میان کشورهای در حال توسعه از پایین‌ترین سطوح توسعه انسانی و جنسیتی برخوردار است. چنانچه توسعه نیروی انسانی در جوامع مردسالارانه‌ای مثل افغانستان تک جنسیتی و به نفع مردان باشد مطمینا نمی‌تواند نتایج مثبت به بار آورد. از اینرو در این تحقیق به مزایای تحصیل زنان و چالش‌های روند تحصیلی آنان و عوامل آن از لحاظ تاریخی به بررسی گرفته می‌شود. برای رسیدن به این مهم پرسشنامه‌ای ترتیب و نظر به تجزیه و تحلیل داده‌های آن نتیجه‌گیری و پیشنهادات مورد نیاز ارایه گردیده است.

پیشینه تحقیق
 حضرت عثمان مشوانی در سال ۲۰۱۷ موضوع تحصیل زنان در افغانستان با در نظر داشت چالش‌ها و فرصت‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. در طول تاریخ زنان بیشترین رنج تحصیلی را کشیده‌اند خصوصا در دوره حکومت اول طالبان؛ طوریکه حضور و دسترسی آنان به تحصیلات خصوصا تحصیلات عالی به صفر درصد رسید. فاطمه و کلی^۱ تحقیقی تحت عنوان تحصیل برای زنان در عربستان سعودی را در سال ۲۰۱۳ انجام داده‌اند. آنها در این تحقیق باور غلط- مبنی بر اینکه زنان عرب سوای محیط اجتماعی‌اند و همیشه خواستار زندگی خانوادگی و رسیدگی به همسر می‌باشند- را رد کرده و دریافتند که در سراسر شهر و روستای عربستان زنان دو وظیفه نگهداری اطفال و تحصیل را به وجه احسن انجام می‌دهند.

مروری بر تحصیل زنان در افغانستان

اولین نهاد در تحصیلات عالی افغانستان دانشکده علوم فزیک دانشگاه کابل در زمان نادرشاه در سال ۱۹۳۲ بوده که تدریجا سایر دانشکده‌ها در کابل و سایر ولایات یکی پس از دیگری تاسیس و آغاز به کار کردند (عبدالباقی، ۲۰۰۹). نظر به آمار سال ۲۰۱۳ دانشگاه کابل با داشتن ۱۷۵۰۰ بیشترین تعداد دانشجویان را داشته بوده است و دانشگاه‌های ننگرهار، بلخ، هرات هر یک به ترتیب بعد از آن قرار دارند. در دوره اول حکومت طالبان ۱۴ دانشگاه فعال در کشور به ۷ تقلیل یافت. آن‌ها یک دانشگاه خصوصی را در سال ۱۹۹۲ برای زنان بنام "خواهران مسلمان" ایجاد کردند که شامل فاکولته طب، ادبیات، تعلیم و تربیه، شرعیات بود.
 گزارشات یونسکو در سال ۲۰۲۱ نمایانگر است که افغانستان میزبان هیچ دانشجوی خارجی نیست اما در عوض به میزان کثیری از دانشجویان این کشور متقاضی تحصیلات عالی در خارج از کشور هستند. در این میان ایران و ترکیه میزبان بیشتر از ۵۰۰۰ دانشجوی بوده و بین ۱۰۰۰-۵۰۰۰ نفر دانشجو در کشورهای هند و عربستان مصروف تحصیل می‌باشند. هم چنان کشورهای ازبکستان، قزاقستان، روسیه، ترکمنستان هر یک از بالاترین به پایین‌ترین تعداد بین ۵۰۰-۱۰۰۰ دانشجو را پذیرا شده‌اند (یونسکو، ۲۰۲۱).

تفاوت‌های جنسیتی در تحصیلات عالی: چالش‌ها

و مزایا
 افغانستان در دهه‌های اخیر شاهد مشارکت روزافزون زنان - هرچند کمتر از مردان - بوده است چنانچه سال ۲۰۱۱ شاخص برابری جنسیتی در افغانستان ۴۰ درصد را نشان می‌دهد این رقم نشانگر آن است که زنان کمتر

۲ United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization) UNESCO)
 Fatima B. Jamjoom

مطابق قوانین تحلیل عامل در صورتی که مقدار KMO بین ۰/۷۰ - ۰/۶۰ باشد برای تحقیق کننده اجازه تحلیل را در زمینه را می‌دهد. با توجه با نتایج جدول چون $Sig > 0.05$ است پس فرض H_0 رد می‌شود یعنی بین متغیرها همبستگی کافی وجود دارد و ما می‌توانیم با تحلیل عاملی کاهش بعد لازم را بدهیم. قسمی که در جدول شماره (۲) دیده می‌شود قیمت KMO، ۰/۶۳۶ است.

جدول (۵): آزمون KMO

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	0.636	
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	863.458
	.Df	276
	.Sig	000.

منبع: یافته‌های تحقیق
 جدول (۳): در این جدول سهم پراکنده‌گی یا واریانس اشتراک‌گذاری یک متغیر به فکتورها را نشان می‌دهد، با توجه با Extraction می‌توان گفت که سن محصل حدوداً ۳۶ درصد واریانس خود را به فکتورها به اشتراک گذاشته است و به همین ترتیب سطح تحصیل ۳۴ درصد از واریانس خود را به فکتورها به اشتراک گذاشته است.

نتیجه‌گیری:

بر اساس یافته‌های تحقیق و با توجه به ابعاد شاخص جمعیت‌شناختی (سن، سال تحصیل و وضعیت هزینه تحصیل) و ابعاد شاخص سیاسی (احساس امنیت در محیط درسی و جدا سازی صنوف پسران و دختران) باید ذکر کرد که نزدیک به ۷۰ درصد محصلین با تغییر نظام در داخل محوطه دانشگاه احساس امنیت دارند و تقریباً ۳۰ درصد دیگر از وضعیت به وجود آمده ناراضی‌اند. همچنان ۷۵ درصد از محصلین به جدا سازی صنوف پسران و دختران رای مثبت داده و ۲۵ درصد دیگر رای شان منفی بوده است. بر علاوه شاخص مشکلات فرا راه تحصیلات عالی زنان

از نصف مردان در تحصیلات عالی حضور دارند (یونسکو، ۲۰۱۴)
 سهم مخارج دولت افغانستان برای تحصیلات در سال ۲۰۱۹، ۳/۲ درصد کل ارزش تولید ناخالص داخلی کشور است که البته بعد از سال ۲۰۱۴ این نرخ، روند نزولی داشته است. هویدا است هزینه سرانه هر دانش آموز دوره ابتدایی مدام از دوره لیسه پایین‌تر است؛ در افغانستان نیز حدوداً این هزینه‌ی دولتی برای هر دانش‌آموز برای تحصیلات عالی نسبت به دوره ابتدایی تقریباً ۵ برابر را نشان می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۲۲).

فرضیات تحقیق

بنظر می‌رسد که عوامل (جمعیت شناختی، تغییر نظام سیاسی، مشکلات فرا راه تحصیل خانم‌ها و مزایای تحصیل) بر تحصیلات عالی خانم‌ها تاثیر گذار است.

روش تحقیق

چنانچه این تحقیق پیمایشی است، با استفاده از ابزار پرسشنامه موفق به جمع‌آوری اطلاعات مورد ضرورت خویش گردیده است.

تحلیل داده‌ها:

جدول ۱: توزیع فراوانی تاثیر تحولات سیاسی در تحصیلات عالی زنان و اولویت این تاثیرات

طبقات مقیاس شاخص‌ها	تخیر		بلی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
سوالات اصلی				
آیا با تغییر نظام در محیط دانشگاه احساس امنیت می‌کنید؟	۶۸.۶۰	۵۴	۱۱۸	۳۱.۴۰
آیا از جداسازی صنوف دختران از پسران در دانشگاه راضی هستید؟	۷۵.۰۰	۴۳	۱۲۹	۲۵.۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل عاملی و KMO:

قسمی که در جدول شماره (۲) دیده می‌شود KMO در این جدول بزرگتر از ۰/۶ است بنابراین



اولین انقلاب سفید یا جمهوریت در افغانستان و دستاوردهای آن

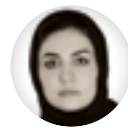
بی نظیر غفاری

دانشجوی دکترا علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

داوود خان پس از به قدرت رسیدن توسط کودتا، به دلایل متعددی روابط نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی برقرار نمود اما پس از مدت کوتاهی در سیاست داخلی و سیاست خارجی خود چرخش اساسی به وجود آورد و به بلوک غرب نزدیک شد و این باعث گردید تا اتحاد جماهیر شوروی به حمایت از حزب دموکراتیک

خلق بپردازد و از این طریق اهدافش در افغانستان را تعقیب نماید. وقوع کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ یکی از حوادث مهم در تاریخ افغانستان است. در این کودتا نظام شاهی سقوط نمود و نظام نوین جمهوری جایگزین آن گردید. در بسیاری از کشورها ناکارآمدی نظام مشروطه سلطنتی و ضرورت ایجاد نظام جدید علت تغییر آن بوده است. اما در افغانستان این امر توسط محمد داود پسر عموی محمد ظاهرشاه، پادشاه افغانستان صورت گرفت. اینکه چرا و با چه انگیزه‌های وی به این کار دست



جدول (۶): Communalities

No	Variable name	Extraction	Initial	No	Variable name	Extraction	Initial
1	Age	360.	1.00	13	Lackingchangingsemester	446.	1.00
2	Edu.year	349.	1.00	14	Lackingfamilysupport	241.	1.00
3	M.state	008.	1.00	15	Poverty	500.	1.00
4	Edu.cost	340.	1.000	16	Distance	480.	1.00
5	securityfelling	515.	1.00	17	Familylimitation	465.	1.00
6	separatingclasses	621.	1.00	18	Marriage	249.	1.00
7	Separatingreasons	112.	1.00	19	inc_selfconfidence	493.	1.00
8	NOfleftgirls	395.	1.00	20	inc_familypopularity	472.	1.00
9	Lackingholidays	390.	1.00	21	inc_societypopularity	629.	1.00
10	Lackingdormitory	477.	1.00	22	inc_decision_management	461.	1.00
11	lackingtransit	525.	1.00	23	inc_maki ngincome	414.	1.00
12	lackingfematteacher	419.	1.00	24	Delaymarriage	099.	1.00

Extraction Method: Principal Component Analysis

منبع: یافته‌های تحقیق

منابع و مآخذ

- سفیری. (۲۰۰۷). زنان و تحصیلات دانشگاهی. زبان و ادبیات فارسی، ۱۵(۵۶)، ۱۰۱-۱۲۸.
- گاناگ، ساپراتا. (۱۹۳۹). «درآمدی بر اقتصاد توسعه». ترجمه: افشاری زهرا (۱۳۸۰). تهران: نشر دانشگاه الزهرا. ۱۵-۳۵
- عربی، سید هادی؛ لشکری، علیرضا. (۱۳۸۳). «توسعه در آیینة تحولات». قم: انتشارات سمت. ۷۶ (۱۰)، ۲۵۰-۳۰۱
- نافزیگر، ای. واین. (۱۹۳۹). «توسعه اقتصادی». ترجمه: آزاد غلامرضا، امیر (۱۳۹۸). تهران: نشر نی. جلد اول. صفحه ۳۰۸-۴۰۰
- ندروین پیترس. یان. (۱۹۴۶). «نظریه توسعه شالوده شکنی‌ها- بازسازی‌ها». ترجمه: موثقی احمد (۱۳۹۶). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۶۵-۱۸۶
- Abdulbaqi, M. (2009). Higher education in Afghanistan. Policy perspectives, 99-117.
- Aturupane, H. (2013). Higher education in Afghanistan: An emerging mountainscape.
- Al-Kohlani, S. A. (2021). Educational gender inequality in the Muslim world: A problem of a cultural heritage, religion, or modernization? Social Science Quarterly, 102(4), 1920-1930.
- Becker, G. S., Hubbard, W. H., & Murphy, K. M. (2010). Explaining the worldwide boom in higher education of women. Journal of Human Capital, 4(3), 203-241.
- Bradley, K. (2000). The incorporation of women into higher education: Paradoxical outcomes? Sociology of education, 1-18.

هم از بعد استراتژی و کارکرد نظام حاکم در ارایه امکانات و تسهیلات (نداشتن رخصتی قانونی برای محصلین خانم باردار، نبود خوابگاه، نبود وسایل نقلیه برای محصلین و قانون عدم امکان تبدیلی درترم (سمستر اول) و همچنان از بعد فرهنگی-اجتماعی (نبود حمایت خانواده، فقر اقتصادی، قیودات سخت گیرانه خانواده و ازدواج زودهنگام) مطمح نظر این نبشته است که بطور متوسط نزدیک به ۸۰ درصد از پاسخ دهندگان با انتخاب گزینه‌های «خیلی زیاد» و «زیاد» بر این نظر مهرتایید زده اند. از جانی هم تقریبا به همین میزان نیز تایید نظر مبنی بر موجودیت منافع در تحصیلات عالی زنان که شاخص آن مشمول بر ابعاد فردی و اجتماعی (اعتماد به نفس بیشتر، افزایش محبوبیت وجایگاه فردی در خانواده، افزایش محبوبیت وجایگاه فردی در جامعه، قدرت تصمیم گیری ومدیریت بیشتر، کسب شغل و ایجاد درآمد وتأخیر در ازدواج) می باشد، محصول دیگر این پرسشنامه است. از سوپی چنانچه ۹۳ درصد دانشجویان مورد تحقیق در تأمین مخارج تحصیلی وابستگی مالی نسبت به خانواده دارند.

زد از جمله موضوعات در خور بررسی می‌باشد. تحقیق پیش رو با عنوان اولین انقلاب سفید یا جمهوریت در افغانستان و دستاوردهای آن است. بر این اساس در ابتدا فرضیه متوجه این نکته بود که سیاستهای داخلی و خارجی حکومت‌های دهه دموکراسی مانند: تلاش جهت حذف محمد داود از قدرت، ایجاد روابط متعادل با همه کشورها و دوری از وابستگی به شوروی، منجر به شکل‌گیری حکومت جمهوری در افغانستان گردید. پس از انجام تحقیقات لازم جهت تأیید یا رد فرضیه مذکور، با استفاده از منابع مختلف کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی در یافتیم که هر یک از عوامل مذکور در شکل‌گیری حکومت جمهوری در افغانستان نقش داشته است.

کلیدواژه‌ها: جمهوریت، افغانستان، سردار محمد داود

مقدمه

محمد داود خان پسر عموی ظاهر شاه در سال ۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۳ م در غیاب شاه به کمک حزب کمونیستی دموکراتیک خلق دست به کودتایی بدون خونریزی زد و قدرت را به دست گرفت و حکومت خود را جمهوری نامید ولی در عمل همان سیستم قبلی پادشاهی حکمفرما بود. بعد از کودتا بیشتر پست‌های کلیدی دولتی و ارتشی در اختیار اعضای این حزب قرار گرفت به طوری که بعد از چندی داود خان به خاطر ترس از توطئه، در صدد برکناری و یا تبعید آنها برآمد این رویکرد داود خان و نیز فاصله گرفتن از شوروی و احزاب کمونیستی باعث مبارزه پنهانی آنها علیه حکومت داود خان گردید. از طرف دیگر برخی اصلاحات وی چون کشف حجاب و مقابله با قدرت‌گیری علمای مذهبی باعث تحریک و مبارزه اسلام‌گرایان سنتی شد. بعلاوه قومیت‌گرایی (طرح مسئله پشتونستان) و سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی که بیشتر به خارج وابسته بود بطور کلی بستری را مهیا

کرد که منجر به کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ / ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ حزب دموکراتیک خلق با کمک نیروهای امنیتی شوروی شد. در آغاز به نظر می‌رسید این امر دخالت دیگری از طرف نظامیان است که موجب تغییرات عمده در سیاست، ویژگی‌های اجتماعی و مناسبات افغانستان، در مقایسه با قدرتمندان قبلی نخواهد شد. اما اعلامیه‌های دولت جدید مبنی بر تغییرات بنیادی که از رادیو کابل پخش شد، نشان می‌داد تغییراتی اساسی در حال شکل‌گیری است. حزب دموکراتیک خلق حاکمیت خود را با دولتی به رهبری نور محمد تره کی برقرار ساخت. رهبران دولت جدید بدون توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور، خود را درگیر یک برنامه اصلاحات چپ‌گرایانه کردند که هدف آن تبدیل جامعه براساس همبستگی‌های نژادی و دین اسلام به یک جامعه کمونیستی در مدتی کوتاه بود. این تغییرات فرهنگی که شامل دگرگونی‌هایی نیز بود، با جنبش بیدارگری اسلامی همزمان شد. بنابراین تغییرات فرهنگی در پیش گرفته شده از سوی حاکمان جدید در برابر بیداری اسلامی قرار گرفت. شورش‌های گسترده در مناطق مختلف کشور، افغانستان را دچار بحران کرد و عملاً دولت جدید افغانستان کنترل بیشتر ولایات دور از مرکز را از دست داد. در چنین شرایطی شوروی با درک شکست جنبش در افغانستان و عواقب دور از انتظار آن تصمیم به اشغال افغانستان گرفت (آریانفر، ۲۰۱۱).

دولت‌ها از نظر اداره شدن آنها بر اساس دانش، یا به وسیله قانون، و یا برحسب تعداد افرادی که در حکومت شرکت می‌کنند، دارای انواع متعدد می‌باشد. هر کشور بنابر شرایط و وضعیت خود نوعی از آن را برای اداره امور خود بر می‌گزیند. با اینکه تغییرات در نحوه اداره کردن کشورها به عنوان امر گریزناپذیر برای کلیه جوامع مورد پذیرش و نه لزوماً مورد تأیید قرار گرفته است ولی هر تغییری آنهم در سطح اداره یک کشور

مطمیناً بدون علت نیست. لذا فرم اجرایی نظام‌های سیاسی و دولت‌ها همواره یکی از مسائل مورد مناقشه در کشورهای مختلف به ویژه در کشورهای که به تازگی تحول عظیمی مانند انقلاب با جنگ را از سر گذرانده‌اند بوده است. اما در افغانستان در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ بدون جنگ و انقلاب در نتیجه یک کودتای سفید بدون خون‌ریزی این اتفاق افتاد. رژیم پادشاهی که از زمان تأسیس حکومت در ۱۷۴۷ میلادی توسط احمد شاه ابدالی برقرار گردیده بود، در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ آنهم توسط پسر عموی پادشاه از بین رفت و نظام جمهوری روی کار آمد. لذا تحقیق حاضر در راستای پاسخ به این مسئله نگارش یافته است که کدام زمینه‌ها و علل سبب شد تا رژیم شاهی در افغانستان سقوط نموده حکومت جمهوری شکل بگیرد. چون تغییر نظام از شاهی به جمهوری به این علت یک تحول مثبت تلقی می‌گردد که در رژیم جمهوری مردم تصمیم‌گیرنده هستند و سهم بیشتر در قدرت دارند. هر چند در مورد کودتای محمد داود و تشکیل جمهوری مقالات و کتابهای متعددی نوشته شده است؛ ولی هیچ یک از آنها به تغییر نظام توجه جدی مبذول نداشته، بلکه تنها علل کودتای محمد داود را مورد توجه قرار داده‌اند و از طرف دیگر نویسندگان آنها کسانی بودند که در فعالیت‌های سیاسی دهه‌های چهل به بعد دخیل بوده‌اند و اگر در فعالیت‌های سیاسی سهمی نداشته‌اند، حد اقل در آن دوره زندگی نموده و بنابر نفع و ضرری که متوجه آنها گردیده است، نسبت به حکومت‌های آن دوره بالخصوص حکومت جمهوری قضاوت نموده‌اند.

افغانستان سرزمینی دارای سابقه کهن تاریخی، اما به عنوان یک کشور و هویت مستقل بنام افغانستان دارای تاریخ جدید است. در نیمه قرن هجدهم در سال ۱۷۴۷ نادر شاه افشار ترور گردید. با استفاده از آشفستگی سیاسی بعدی ابدالی‌ها که سپاه زبده را در ارتش نادر شاه افشار تشکیل می‌دادند به رهبری احمدشاه ابدالی به

قندهار باز گشتند، استقلال خود را اعلان نموده، احمدشاه ابدالی را به عنوان پادشاه تعیین کردند. به این ترتیب حکومت مبتنی بر رژیم شاهی در افغانستان تأسیس گردید که تا سال ۱۳۵۲ ه ش (۱۹۷۳ م) به حیات خود ادامه داد. داود خان در سال ۱۹۷۳

با کودتای سفید پادشاهی پسر عموی خود ظاهرشاه را ساقط نموده رژیم جدید جمهوری را اعلام نمود. در نتیجه کودتای داود خان نظام دوصد و پنجاه ساله‌ی شاهی موروثی از بین رفت و رژیمی روی کار آمد که کاملاً با رژیم شاهی متفاوت

بود. زیرا در رژیم شاهی حکومت میراثی بوده از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود در حالیکه در حکومت جمهوری، مردم خود ریس کشور را انتخاب می‌کنند. در تاریخ بسیاری از کشورها حکومت جمهوری با سابقه کم و بیش متفاوت یکی از آرزوهای مردم و به خصوص روشنفکران آن بوده است. از همین رو در هر کشوری مبارزاتی در راه تحقق این آرزو انجام گرفته است و گاهی مبارزین هزینه‌های سنگینی را برای آن پرداخته‌اند. طوریکه در ایالات متحده آمریکا بعد از جدایی از انگلستان از ترس استقرار یک حکومت متمرکز تمایل چندانی به تشکیل یک ملت واحد و دارای حکومت مرکزی نیرومند نشان ندادند و بعد از گفتگوها در مورد ایجاد نوعیت حکومت در تابستان ۱۷۸۷ تصمیم گرفتند، قانون اساسی را تصویب کنند. مطابق این قانون اساسی و به پیروی از اصل تفکیک قوای مورد نظر منتسکیو، در ایالات متحده آمریکا حکومت جمهوری فدرال تشکیل گردید که هر سه قوا بتوانند وظایف یکدیگر را کنترل نمایند. به همین صورت بعد از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه نظام پادشاهی آن کشور برای مدت سه سال ادامه یافت و بعد از آن پیشروترین

با کودتای سفید
پادشاهی پسر عموی
خود ظاهرشاه را ساقط
نموده رژیم جدید
جمهوری را اعلام نمود

نیروهای انقلاب به این جمع بندی رسیدند که برای عبور از بحران‌ها و مشکلات و نجات کشور فرانسه بر داشتن چند گام ضروری است و یکی از این گامها سرنگونی سلطنت

و برکناری لویی شانزدهم است. این‌ها معتقد بودند دلبستگان به نظام قدیم و دشمنان انقلاب پشت تاج و تخت پناه گرفته‌اند و به پشتوانه حکومت سلطنتی، مانع پیشروی انقلاب و تحقق خواسته‌های مردم می‌شوند. به این ترتیب جبهه متحد در تابستان ۱۷۹۲ شکل گرفت و به کاخ توپلری حمله کردند که همین ضديت با اصل سلطنت، محور اتحادشان بود. گروه‌های کوچک تندرو

به هدف تشکیل جمهوری واقعاً دموکراتیک، عامه مردم را به دنبال کشیدند، جمهوری که بتواند اهداف اصیل انقلاب یعنی آزادی، برابری و برادری را محقق کند و همه مردم را برای جنگ با دشمنان داخلی و خارجی سازماندهی و بسیج کند (پنجشیری، ۱۳۷۷). از طرف دیگر در حال حاضر شعار حکومت افغانستان حفظ نظام جمهوری است. هر چند در حال حاضر نظام جمهوری در مقابل امارت قرار می‌گیرد در حالیکه اولین بار نظام جمهوری زمانی روی کار آمد که حکومت شاهي مشروطه برقرار بود. موضوع مهم این است که در حال حاضر جمهوری را یک ارزش می‌دانند. بنابراین ارزشمندی نظام جمهوری این انگیزه را ایجاد نمود تا آن زمینه‌ها و عللی را دریابیم که در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲/۱۹۷۳ م در نتیجه آن نخستین بار نظام جمهوری در افغانستان تأسیس گردید (پیرزاده، ۱۳۹۳). با توجه به بررسی‌های انجام شده، تا اکنون تحت عنوان بررسی زمینه‌ها و علل شکل گیری حکومت جمهوری در افغانستان

با آنکه جنبش مشروطیت را می‌توان گام مهمی در راستای تغییر حکومت از خودکامگی به سوی مردم سالاری تلقی نمود اما جنبش مشروطیت به تنهایی نمی‌تواند زمینه برای حکومت جمهوری شود

۱۳۵۲/۱۹۷۳ مشخصاً تحقیقی انجام نیافته است. مقاله‌ای از محمد عرفانی تحت عنوان پیشینه جمهوری خواهی در افغانستان تنها جنبش مشروطیت را به عنوان یکی از پیش زمینه‌های جمهوری خواهی در افغانستان بررسی نموده است. با آنکه جنبش مشروطیت را می‌توان گام مهمی در راستای تغییر حکومت از خودکامگی به سوی مردم سالاری تلقی نمود اما جنبش مشروطیت به تنهایی نمی‌تواند زمینه برای حکومت جمهوری شود. همچنین کتاب‌های که در این مورد نگارش یافته است از جمله: تاریخ معاصر سیاسی افغانستان کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و جمهوری دود خان، اثر ابوذری پیرزاده غزنوی. وی جانب دارانه عمل نموده از ابتدای کتاب الی آخر تلاش نموده است تا برنامه ریزی کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ را به اتحاد شوروی نسبت دهد زیرا وی از جمله کسانی است که سالها در مقابل احزاب کمونیست افغانستان و حضور نیروهای شوروی در افغانستان به مبارزه پرداخته است. کتاب دیگری بنام "جمهوریت دود خان از کودتا تا کودتا (۲۶ سرطان ۱۳۵۲-۷ ثور ۱۳۵۷)" که نویسنده آن صبور آرام است، با وجودی که در جستجوی علل کودتا در این کتاب است اما توجهی به علل و زمینه‌های تشکیل نظام جمهوری ندارد (پیرزاده، ۱۳۸۸).

با کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲/۱۷ جولای ۱۹۷۳ در افغانستان نظام شاهي سقوط نموده جمهوری جایگزین آن گردید. چون هر نظام دارای ویژگی‌های متفاوت از دیگر نظام‌ها می‌باشد و مهمترین ویژگی نظام جمهوری این است که مردم در آن تصمیم گیرنده هستند و خود ریس کشور را بر می‌گزینند. بنابراین توجه به عوامل و زمینه‌های که منجر به شکل گیری حکومت جمهوری در افغانستان گردید، ما را از چگونگی روند تغییرات به نفع اکثریت جامعه افغانستان آگاه ساخته در گسترش نفوذ مردم در حکومت یاری خواهد نمود (اندیشمند، ۱۳۹۲).

مسکو و چین در دهه چهل ه.ش تأسیس گردیدند. اصطلاح چپ بیشتر به احزاب خلق و پرچم اطلاق می‌شود که فعالیت‌های سیاسی خود را از زمان حکومت ظاهر شاه آغاز نموده در دوره جمهورییت افزایش دادند و تا اینکه از طریق کودتا حکومت خود را در سال ۱۹۷۸ تأسیس نمودند (مصباح زاده، ۱۳۸۸).

شخصیت داوود خان

داوود خان فردی قدرت طلب و سلطه جوی بوده و همواره تلاش می‌کرد که شخص اول باشد. او پیش از این که کودتا کند و رئیس جمهور شود، مناصب مهم نظامی و ملکی را بین سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۹ به عهده داشته و از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ مقام صدارت را بر عهده داشته است (لطفی، ۱۳۹۲). او در دوران صدارتش رابطه نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشت. بعد از آن که از مقام صدارت استعفا داد خانه نشین شد و براساس قانون اساسی از رسیدن به قدرت به دلیل اینکه از اعضای خانواده شاهی بود برای همیشه محروم گردید. این دوران، دورانی بود که او در صدد رسیدن به قدرت از طریق کودتا گردید. گرچه

گفته می‌شود که او در دوران قبل از دوره صدارتش به فکر رسیدن به پادشاهی بوده است. او در این دوره با حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتباط برقرار کرد. گرچه گفته می‌شود که وی کمونیست نبود ولی می‌توان مدعی شد که ارزشهای کمونیستی به خاطر ارتباط او با احزاب چپ، بر سیاست خارجی او تأثیرگذار بوده است. وقتی او به قدرت رسید سیاست خارجی را از همان جایی آغاز کرد که ده سال پیش در زمان استعفا از صدارت رها

تعریف برخی اصطلاحات و مفاهیم

جمهوری دود خان: به علت اینکه نظام جمهوری را محمد داود در سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ تأسیس نمود، در افغانستان معمولاً جمهورییت سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۷ ه.ش را به نام جمهورییت دود خان یا جمهوری دودی یاد می‌کنند. کمونیست‌های افغانستان: اولین بار اندیشه‌های کمونیستی در دهه چهل در افغانستان به وجود آمد. احزاب مختلف کمونیستی مانند: حزب خلق، پرچم و ستم ملی طرفدار خط مسکو و جمعیت دموکراتیک نوین (شعله جاوید) که پیرو اندیشه‌های مائو تسه تونک، و حزب کمونیست چین بود، به وجود آمدند. اما در این تحقیق به علت حضور حزب دموکراتیک خلق و پرچم در فعالیت‌های سیاسی افغانستان از ابتدای شکل گیری الی سقوط جمهورییت دود خان، کمونیست‌های افغانستان معمولاً به این گروه اطلاق گردیده است. گروه‌های اسلامی: با فراهم شدن زمینه در دهه چهل و ظهور اندیشه‌های مختلف، تعدادی به علت اعتقادات مذهبی و اینکه فکر می‌کردند باورهای جدید، بطور مثال اندیشه‌های کمونیستی در تضاد با ارزش‌های اسلامی قرار دارد، به منظور حفظ ارزش‌های اسلامی و مبارزه با ایدئولوژی جدید گردهم آمدند که در ابتدا به صورت مشترک فعالیت کردند و به مرور زمان به گروه‌های کوچکتر منشعب گردیدند. در این تحقیق همه آنها را با گرایش اسلامی در مقابل ایدئولوژی‌های دیگر قرار گرفتند، بنام گروه‌های اسلامی یاد گردیده است (اکرم، ۱۳۸۰)

چیپ‌ها: چیپ یا چپ‌گرا در ادبیات سیاسی به مواضعی گفته می‌شود که خواهان تغییرات تدریجی یا رادیکال در جهت ایجاد برابری در توزیع ثروت و قدرت هستند. چپ در ادبیات سیاسی معاصر غرب معمولاً به معنی سوسیال لیبرال یا سوسیالیست به کار می‌رود. در افغانستان این اصطلاح به احزاب کمونیستی اطلاق می‌شود که به تاسی از حزب کمونیست

داوود خان بعد از آن که از مقام صدارت استعفا داد خانه نشین شد و براساس قانون اساسی از رسیدن به قدرت به دلیل اینکه از اعضای خانواده شاهی بود برای همیشه محروم گردید. این دوران، دورانی بود که او در صدد رسیدن به قدرت از طریق کودتا گردید



محمد نجیب برادر داوود خان

در سیاست خارجی و داخلی به داوود خان مشورت می‌داد. در تعیینات، حزب دموکراتیک خلق افغانستان نقش داشته و این حاکی از نفوذ این حزب در داخل است و از باب این که سیاست داخلی ادامه سیاست خارجی می‌باشد می‌توانیم به نقش حزب دموکراتیک افغانستان پی ببریم. مثال داوود خان می‌خواست برادرش محمد نجیب را در رأس وزارت خارجه قرار دهد ولی به دلیل تعهداتی که به کودتاچیان داشت، این کار ممکن نبود. یعنی می‌توان حدس زد که کودتاچیان می‌خواستند که در سیاست خارجی به طور خاص نقش داشته باشند به همین دلیل خواهان پست وزارت خارجه بودند. به نظر می‌رسد اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تقریباً نصف کابینه را نیز تشکیل می‌دادند و در به قدرت رسیدن داوود خان نقش اساسی داشته‌اند، در سیاستهای خارجی داوود خان نیز مؤثر بوده است و در روابط نزدیک داوود با شوروی در

حزب دموکراتیک همواره تلاش می‌نمودند تا روابط با پاکستان را خصمانه نگه دارند (فرهنگ، ۱۳۹۱). براساس نوشته فرهنگ، اعضای حزب پرچم همواره تلاش می‌کردند و اصرار داشتند که دولت شکل ادعای خود را از مطالبه حق تعیین سرنوشت برای مردم سرحد، به تقاضای الحاق مناطق مورد نظر به افغانستان تبدیل نماید (طنین، ۱۳۸۴). گرچه رئیس جمهور داوود این پیشنهاد را نپذیرفت اما ادعای خود را از حقوق پشتونها به حقوق پشتونها و بلوچها توسعه داد. اولین بیانیه خطاب به مردم داوود خان را چپی‌ها تنظیم نموده و ببرک کارمل

اولین بیانیه خطاب به مردم داوود خان را چپی‌ها تنظیم نموده و ببرک کارمل در سیاست خارجی و داخلی به داوود خان مشورت می‌داد. در تعیینات، حزب دموکراتیک خلق افغانستان نقش داشته و این حاکی از نفوذ این حزب در داخل است

انتخاب نمود (پیرزاده، ۱۳۸۹). این سفر که با دعوت مقامات کرملین اتفاق افتاده برای داوود خان سفری پرثمر بود. طبق گفته حسن شرق داوود خان این سفر خود را پر سود و یک گام مهم برای انکشاف روابط میان دو کشور می‌دانست. داوود خان از اتحاد شوروی به عنوان همسایه بزرگ شمالی یاد می‌کرد. حداقل مطرح کردن مساله پشتونستان توسط داوود خان، می‌توانست به عنوان نقش داوود خان در نزدیک شدن افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی، به شمار رود زیرا براساس شواهد تاریخی، مساله پشتونستان یکی از عواملی بوده است که باعث نزدیک شدن و برقرار کردن روابط گسترده با مسکو گردید (نوری، ۱۳۹۴).

متغیر نقشی

بدین لحاظ داوود خان دارای چند نقش بود. او در عین این که رئیس جمهور است، صدر اعظم، وزیر خارجه، وزیر دفاع یا وزیر امنیت کشور نیز بوده است. او می‌خواست با تصدی چنین پستهای مهمی، بقای خودش را در برابر شورش نظامیان و گروههای مختلف و ناراضیان، تضمین کند (لطفی، ۱۳۹۲). اما اتفاقات

بعدی نشان داد که این تضمین، تضمین خوبی نبوده است. به نظر می‌رسد متغیر نقشی نسبت به متغیر فردی نقش کمتری داشته و آن چه مهم بوده متغیرهای دیگری است. که البته در چنین شرایطی این امر طبیعی می‌نماید. متغیر دیوان سالاری گرچه داوود خان پست ریاست جمهوری و وزارت خارجه را با هم تصاحب نمود و می‌خواست از نقش ایفا کردن دیگران جلوگیری نماید ولی به نظر می‌رسد که چپی‌ها یعنی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تصمیم گیریهای داخلی و خارجی نقش اساسی داشته است مثال اعضای

براساس شواهد تاریخی، مساله پشتونستان یکی از عواملی بوده است که باعث نزدیک شدن و برقرار کردن روابط گسترده با مسکو گردید

کرده بود. روابط نزدیک و ویژه با اتحاد شوروی، روابط سرد با غرب و متحدان منطقه‌ای اش، یعنی؛ ایران و کشورهای عربی و روابط خصمانه با پاکستان و مطرح کردن مساله پشتونستان. حتی او در بیانیه اولش ضمن تشریح سیاست خارجی خود از اختلاف افغانستان با پاکستان یاد نمود و پاکستان را از بین کشورهای قابل دوستی استثنا کرد (سازمند، ۱۳۹۲)، این مساله همان طور که بعداً توضیح داده خواهد شد، رابطه با آمریکا و غرب را با مشکل مواجه می‌کرد و زمینه را برای روابط نزدیک با شوروی مساعد می‌ساخت. مساله‌ای که سبب شده بود ظاهرشاه در دوران صدارتش او را اودار به استعفا نماید زیرا ظاهر شاه فکر می‌کرد که داوود خان با داغ نگه داشتن مساله پشتونستان کشور را در معرض نفوذ بیشتر شوروی قرار می‌دهد و موازنه بین شرق و غرب از بین می‌رود. به نظر می‌رسد که گذشته از عوامل دیوان سالاری و ساختار نظام بین الملل که در نزدیک شدن او به شوروی نقش اساسی داشته است، متغیر فردی یعنی باورها و استنتاجات شخص داوود خان نیز در این زمینه نقش داشته حتی گفته می‌شود که داوود خان خود را موظف می‌دانست که باید پشتونستان را مطرح کند و در صورت توان ولایت‌های از دست رفته افغانستان را دوباره به این کشور ملحق نموده و این اشتباه خود را جبران کند. از سوی دیگر، ما شباهت‌های بین سیاست خارجی دوران صدارت داوود خان و سیاست خارجی در ابتدای دوران ریاست جمهوری اش را می‌بینیم او در دوران صدر اعظمی خود با شوروی روابط گرمی داشت، در حالی که در دهه دموکراسی این سیاست داوود خان پیگیری نشد، این تغییر حاکی از نقش متغیر فردی در سیاست خارجی افغانستان است. او در نخستین ماه‌های به قدرت رسیدنش برادرش محمد نجیب را به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور به اتحاد جماهیر شوروی فرستاد و خود نیز مانند دوران صدر اعظمی خود اتحاد جماهیر شوروی را اولین کشور برای سفر

ابتدای دوران ریاست جمهوری نمی‌توان نقش این حزب را نادیده گرفت. به علاوه این که در این دوران جامعه سوسیالیتر شده بود زیرا محصلان از اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی با گرایشهای سوسیالیستی به وطن برگشته و در نتیجه دهه دموکراسی فعالیتها نیز افزایش یافته بود (غبار، ۱۳۷۵).

متغیر قدرت ملی

منظور از قدرت ملی، قدرت اقتصادی، جمعیت، کیفیت جمعیت، قدرت نظامی و تکنولوژی است. براساس شواهد تاریخی زیادی در آن دوره افغانستان هیچ کدام از این شاخصه‌های قدرت ملی را نداشته و کشور ضعیف و وابسته به کمک خارجی‌ها بوده است. در این بخش می‌توان به دو بحث اساسی اشاره کرد که هر کدام به یک نحو بر سیاست خارجی تأثیر داشته است: یکی وضعیت ژئوپلیتیکی افغانستان بود که قدرتهای بزرگ تلاش می‌کردند تا در این کشور نفوذ داشته و با حداقل می‌خواستند که از نفوذ همدیگر در این حوزه جلوگیری نمایند. شوروی در این زمان تلاش جدی می‌کرد تا در این کشور نفوذ داشته و این که افغانستان تحت نفوذ شوروی باشد، برای آمریکا و متحدین منطقه ایاش خطرناک بود، این کشورها همواره تلاش می‌کردند به هر نحو از نفوذ شوروی در افغانستان جلوگیری نمایند و دیگری جمعیت و مردم که از حکومت ناراضی گشته و برای حکومت داوود خان در دسر ایجاد می‌کنند. زیرا در ابتدا وقتی داوود خان به قدرت رسید هم با

روابط فرهنگی با
مصر باعث شده بود
که جنبش اخوان
المسلمین در افغانستان
نفوذ کند زیرا
دانشجویان به الازهر
اعزام می‌شدند و در آن
زمان آن دانشگاه محل
نفوذ جنبش اخوان
المسلمین بود و این
جنبش تلاش بسیار
جدی می‌کرد تا در
کشورهای اسلامی نفوذ
کند و در کابل عمدتاً
فارغین این دانشگاه
فعالیت‌های اسلامی
می‌کردند

اسلام گرا در ارتباط بود و هم با روشنفکران چپی، تا این که برای بسیاری ماهیت کودتا روشن شد و اسلام گراها از نفوذ شوروی در ارکان حکومت و نقش آن در کودتا با خبر شدند، این باعث نا رضایتی در طبقات اسلام گرا گردید که بعداً برای داوود خان در دسرهای زیادی خلق کرد. روابط فرهنگی با مصر باعث شده بود که جنبش اخوان المسلمین در افغانستان نفوذ کند زیرا دانشجویان به الازهر اعزام می‌شدند و در آن زمان آن دانشگاه محل نفوذ جنبش اخوان المسلمین بود و این جنبش تلاش بسیار جدی می‌کرد تا در کشورهای اسلامی نفوذ کند و در کابل عمدتاً فارغین این دانشگاه فعالیت‌های اسلامی می‌کردند و از این که متوجه حضور کمونیستها در دولت و قدرت شده بود، به این حکومت بدبین می‌شدند و به همین جهت فعالیت‌های اسلامی ضد حکومتی آغاز شد. ظاهر طنین در این زمینه می‌نویسد: کودتای ناکام سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ و شورش ۱۹۷۵ گروه‌های اسلامی در مناطق بدخشان، پنجشیر و لغمان دولت محمد داوود را در موقعیت متزلزلی قرار داد. رژیم با یک جنگ واقعی اما اعلام نشده رو برو گردیده بود. مخالفان با متهم کردن داوود و حکومت او به کمونیسم و وابستگی به شوروی بر فشار خود علیه دولت می‌افزودند. واکنش محمد داوود نسبت به این جنگ روانی در مراسم برافراشتن پرچم جدید ملی نشانه از دست پاچگی رژیم بود. محمد داوود می‌گوید: در ظرف این مدت بسا چیزها دیدم. بسا چیزها شنیدم و بسا چیزها آموختیم. گاهی در ایمان و دیانت ما به نظر شک دیدند و گاهی ما را فاقد ایدئولوژی قلمداد نمودند و اما آن چه خود ما در راه خدمت به وطن خود انجام داده‌ایم، خود و وجدان ما می‌داند، چه کرده ایم و بهتر است قضاوت را به زمانه و تاریخ آینده کشور بگذاریم. اما به آنانی که ما را گاهی به این صفت و گاهی به آن صفت یاد می‌کنند، باید خاطر نشان ساخت که اتهاماتشان نسبت به ما کاملاً غرض آلود

نمایند. در سیاست خارجی داوود خان می‌توان نقش ساختار بین‌الملل را مشاهده کرد، گرچه درباره مداخله اتحاد جماهیر شوروی دیدگاه‌های متعددی وجود دارد ولی می‌توان نفوذ شوروی در حکومت داوود خان را به صورت کلی در سیاست داخلی و به طور خاص در سیاست خارجی‌اش مشاهده کرد. شواهدی وجود دارد که از مداخله اتحاد جماهیر شوروی در به قدرت رسیدن محمد داوود حکایت می‌کند (اکرم، ۱۳۸۰).

میر محمد صدیق فرهنگ از وجود تانک‌های روسی در کابل برای اجرای کودتا حکایت می‌کند و حتی طرح درست و اساسی کودتا را برای روسها و اجرای دقیق آن را به حمایت روس‌ها می‌داند. پیرزاده نیز کودتا را با حمایت و مداخله روس‌ها می‌داند. زهرا لطفی که در این زمینه تحقیق اساسی نموده است و می‌توان این تحقیق را نسبت به نوشته‌های فرهنگ و پیرزاده بیطرفانه دانست، نیز دخالت شوروی در کودتا

و نقش اساسی آن را تأیید می‌کند. لطفی در این زمینه می‌نویسد: زمانی که داوود خان کودتا کرد، سران شوروی از آن مطلع بودند و سران جناح چپ با اطلاع سران شوروی از آن حمایت نمودند، سران جناح چپ از جاسوسان کی. جی. ب. بودند و روابط تنگاتنگی با اتحاد جماهیر شوروی داشتند و کودتای داوود خان با اطلاع شوروی و حمایت آنها از طریق نظامیان طرفدار پرچم موافق با سیاست‌های کلی سران شوروی بود. شوروی که از گذشته طرفدار سیاست نفوذ در طبقات حاکم بود، کودتای داوود و نفوذ گسترده جناح پرچم در ارکان حکومتی کاملاً موافق سیاست‌های آنها بود. در این زمینه گفته‌های متعددی

و عاری از حقیقت است، بلکه توهین به صفت وطن پرستی و تحقیر به غرور ناسیونالیزم است. این جمعیت ناراضی نیز در سیاست خارجی داوود خان تأثیر اساسی داشت. این اعتراضها و ناراضیتهای ابزاری به دست دشمنان خارجی بود تا داوود خان را به اتخاذ سیاست خارجی خاص وادار (غبار، ۱۳۷۵).

متغیر ساختاری (نظام بین‌الملل)

در این که ساختار نظام بین‌الملل چه تأثیری بر سیاست خارجی داوود خان داشته است، باید بر اوضاع جهان مرور کوتاهی کنیم. در این دوران در اتحاد جماهیر شوروی برژنف بر سر قدرت است که دورانش به فقر، بیکاری، رکود اقتصادی، فساد اداری و توسعه جویی مشهور است. در این دوران علاوه بر این که سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی بر اساس نظریات هارتلند مکیندر و ماینک و هم چنین سیاست رسیدن به آبهای گرم هند دنبال می‌شد. بر اساس دکترین برژنف دولت شوروی پیدایش رژیم‌های کمونیستی را در کشورها برگشت ناپذیر دانسته و از آنها با تمام قدرت حمایت می‌کرد، حتی با عملیات نظامی از سوی دیگر مصروفیت آمریکا در جنگ ویتنام و مشکلات داخلی میان حزبی در ایالت متحده، برای اتحاد شوروی مجال خوبی بود، به همین دلیل در این برهه از تاریخ شاهد مداخله‌های زیاد شوروی در کشورهای گوناگون هستیم. چین نیز بعد از مرگ مائو تسونگ سیاست محافظه کاری را دنبال می‌کرد و کشورهای اروپای نیز بر وضعیت بین‌الملل صحنه گذاشته و مشغول فعالیت‌های اقتصادی بودند و کشورهای عرب و ایران که به خاطر نفت، پول‌های هنگفت به دست می‌آوردند، نیز خواهان رابطه با افغانستان نبودند همان طوری که داوود خان نیز هیچ رابطه‌ای با این کشورها نداشت (نوری، ۱۳۹۴). این وضعیت زمینه را برای مداخله اتحاد جماهیر شوروی فراهم نموده بود تا در افغانستان مداخله

سید جواد طیب:
مسکو از طریق سازمان
استخباراتی نظامی
شوروی، نقش مؤثری
را در کودتا بازی کرد.
سازمان استخباراتی
نظامی شوروی، این
زمینه را فراهم کرد
تا تعدادی از افسران
قابل توجه که در کودتا
نقش داشتند در کنار
داوود خان قرار بگیرند

وجود دارد که اکثراً اتحاد جماهیر شوروی را در طرح و اجرای کودتا دخیل می‌داند و برخی هم حمایت شورویها را حداقل قبول دارند. تحقیقاتی که در سالهای اخیر انجام شده است از مداخله مسکو در کودتا حکایت می‌کند. سید جواد طیب در این زمینه می‌گوید: مسکو از طریق سازمان استخباراتی نظامی شوروی، نقش مؤثری را در کودتا بازی کرد. سازمان استخباراتی نظامی شوروی، این زمینه را فراهم کرد تا تعدادی از افسران قابل توجه که در کودتا نقش داشتند در کنار داوود خان قرار بگیرند. اکثر این افسران جزو سازمانی به نام سازمان انقلابی قوای مسلح بودند که زیر نظر سازمان استخباراتی نظامی شوروی، در کابل در میان افسران جوان تشکیل شده بود، همین سازمان در موفقیت کودتا نقش اساسی داشت. گرچه عزیز نعیم دخالت شوروی در کودتا را نفی می‌کند و سلطان علی کشتمند که عضو فعال حزب دموکراتیک خلق افغانستان بوده است این ارتباط را کم رنگ بیان می‌دارد ولی در کل می‌توان نقش شوروی را دید و در این زمینه به نظر می‌رسد که دیدگاه دکتر زهرا لطفی بیش از همه قابل قبول است. در کل تمام این شواهد نشان می‌دهد که در نزدیکی افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی، حتی اگر نقش شوروی در کودتا را کم رنگ بگیریم، باز نمی‌توانیم که نقش شوروی را در نزدیک شدن افغانستان به شوروی از طریق نفوذ گسترده و روز افزون شوروی در ارکان حکومت نادیده بگیریم. در عرصه‌های سیاسی،

اقتصادی و نظامی روابط گسترش یافت، حجم بازرگانی افغانستان با شوروی در سه سال

اول حاکمیت داوود خان به سه برابر افزایش یافت وقتی این تلاش شوروی برای نفوذ را در کنار بیانیه روز اول داوود خان که پاکستان را از جمع کشورهای قابل دوستی استثنا کرده بود بگذاریم و روابط نزدیک و کمکه‌های ایالت متحده آمریکا را به پاکستان در نظر بگیریم و همچنین ناراضی بودن داوود خان از مساله آب هیرمند با ایران را در کنار هم بچینیم، به علل نزدیکی داوود خان به اتحاد جماهیر شوروی پی می‌گیریم (بویکو، ۲۰۱۰).

داوود خان و تغییر سیاست خارجی

بعد از اینکه روشن شد عناصر چپی در کودتا دخیل بوده و از سوی دیگر چپی‌ها در قدرت شریک بوده و هر روز به نفوذ خود می‌افزایند، داوود خان جایگاه خود در بین اسلام‌گرا را از دست داد، از سوی دیگر در داخل، شورش‌هایی شروع شد و حکومت داوود خان را به کمونیستی بودنش متهم کرد. این شورشها تقویت شد و تا حدی رسید که دست به کودتا زدند. گرچه این کودتا شکست خورد ولی رهبران کودتا اغلب به پاکستان پناهنده شدند و حکومت پاکستان نیز به حمایت از آنان پرداخت و از این افراد ابزاری برای تعدیل کردن سیاست خارجی داوود خان در قبال پاکستان ساخت. گفته می‌شود که پاکستان و آمریکا در تقویت ناراضیان سهم داشتند تا از این طریق بر داوود خان فشار وارد کرده و او را وادار به دوری از اتحاد جماهیر شوروی نمایند. به گفته ظاهر طنین این فشارها کارساز واقع شد و افغانستان را وادار نمود تا داوود خان که روزی قهرمان داعیه پشتونستان بود، اکنون به بوتو پیام بدهد و از حسن نیتاش او را آگاه کند (بویکو، ۲۰۱۰).

گرچه در چرخش سیاست خارجی داوود خان طنین تنها به همین یک عامل اشاره می‌کند اما زهرا لطفی، به عامل اساسی دیگری اشاره دارد و آن این که وقتی داوود خان جایگاه خود را از دست داد و اسلام‌گرایان نیز در حال نبرد با حکومت بودند، داوود خان از

عزیز نعیم دخالت شوروی در کودتا را نفی می‌کند و سلطان علی کشتمند که عضو فعال حزب دموکراتیک خلق افغانستان بوده است این ارتباط را کم رنگ بیان می‌دارد ولی در کل می‌توان نقش شوروی را دید و در این زمینه به نظر می‌رسد که دیدگاه دکتر زهرا لطفی بیش از همه قابل قبول است

اهداف و برنامه‌های چپی نیز کاملاً خرسند نبود. وی درصد برگرداندن قدرت به شیوه سنتی حکومت بود ولی این در زمانی است که حکومت داوود خان کاملاً به اتحاد جماهیر شوروی وابسته بود. هر گونه تغییر در سیاست داخلی نیز با سیاست خارجی او در تعارض بود و مخالفت با چپی‌ها، مخالفت با اتحاد جماهیر شوروی تلقی می‌شد و از دست دادن یک حامی قدرتمند که داوود خان را در قبال پاکستان مورد حمایت شدید و قاطع ایالت متحده آمریکا قرار می‌داد. داوود خان در واقع در جستجوی یک قدرت تبدیل بود تا جای اتحاد جماهیر شوروی را برایش پر کند.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی داوود خان بر مبنای مساله پشتونستان بوده است و این باعث شد که کشور کاملاً به شوروی وابسته گردد و داوود خان بود که کشور را با این مساله به شوروی وابسته کرد. از سوی دیگر اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ارکان حکومت نفوذ داشته و پیرو خط مسکو بودند و جامعه نیز سوسیالیتر شده بود. همه اینها دست به دست هم داده و افغانستان را وابسته به اتحاد جماهیر شوروی نمود. هم اتحاد جماهیر شوروی تلاش می‌کرد که در افغانستان نفوذ داشته باشد و هم ایالت متحده آمریکا و متحدین منطقه‌ای اش تلاش می‌کردند تا از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی جلوگیری نمایند. داوود خان به دلیل موافق نبودن با اهداف و برنامه‌های طرفداران شوروی و فشارهای ایالت متحده و متحدین منطق‌هایش به بلوک غرب نزدیک شده و مساله پشتونستان را نادیده گرفت. در این مورد فشارهای گروه‌های اسلامی که در واقع استراتژی مشترک پاکستان و آمریکا بوده و هم چنین موافق نبودن داوود خان با برنامه‌های عناصر چپ در چرخش سیاست خارجی وی نقش اساسی داشته است.

منابع

آریانفر، عزیز، نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت‌های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون). بی جا: کاوه، ۲۰۱۱.

آوری، ریچارد، "قرن بیستم" دایره المعارف مصور تاریخ قرن بیستم، مترجم: داریوش دل آرا، تهران: انتشارات سایان، ۱۳۹۵.

ابوالحمید، عبدالحمید، مبانی سیاست، جلد نخست، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۶.

اکرم، محمد عاصم، نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست‌های سردار محمد داود، بیجا: انتشارات میزان، ۱۳۸۰.

اندیشمند، محمد اکرام، سالهای تجاوز و مقاومت ۱۳۵۷-۱۳۸۱ ه.ش، بی جا، نشر پیمان، ۱۳۸۲.

اندیشمند، محمد اکرام، ریشه‌های بحران سیاسی در افغانستان، کابل: انتشارات سعید، ۱۳۹۲.

بویکو، ولادیمیر، دولت و اپوزیسیون در افغانستان (ویژگی‌های مبارزه سیاسی در سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۱۹) مترجم: عزیز آریانفر، مسکو، ۲۰۱۰.

بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۳.

پنجشیری، دستگیر، ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بخش اول، پشاور، ۱۳۷۷.

پیرزاده غزنوی، ابودر، تاریخ سیاسی معاصر افغانستان، تهران: انتشارات عرفان، ۱۳۹۳.

پیرزاده، غزنوی ۱۳۷۸، تاریخ سیاسی افغانستان معاصر، انتشارات گلبرگ، چاپ اول.

طنین، ظاهر ۱۳۸۴، افغانستان در قرن بیستم، تهران: انتشارات عرفان، چاپ دوم.

فرهنگ، میر محمد صدیق ۱۳۹۱، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران: انتشارات عرفان، چاپ بیست و یکم. ۴. لطفی، زهرا ۱۳۹۲، خراسان بزرگ، سال پنجم، شماره ۱۴

مصباح زاده، سید محمد باقر ۱۳۸۸، تاریخ سیاسی مختصر افغانستان، ناشر: مرکز پژوهش‌های افغانستان، چاپ اول.

نوری، موسی ۱۳۹۴، تاریخ افغانستان، انتشارات المصطفی، چاپ اول

غبار، عالم محمد ۱۳۷۵، افغانستان در مسیر تاریخ، انتشارات الفتح، چاپ دوم.



ریشه‌های نا آرامی با وضعیت جاری در پرتو آموزه‌های حقوق بشر در افغانستان طی دو دهه اخیر

صفی الله مجروح |

دانشجوی دکترأ علوم سیاسی



چکیده

حقوق بشر در یک مفهوم عبارت از مجموعه حقوق و آزادی‌های که یک شخص به صرف انسان بودنش باید از آن برخوردار باشد، و این حق از جمله حقوق بدیهی است که هر شخص باید از آن برخوردار باشد و اکتسابی نیست بلکه از بدو تولد، انسان می‌تواند از آن

برخوردار باشد. حقوق بشر از گذشته‌های دور مورد توجه انسان بوده و در همه اعصار تاریخ با توجه به ظرفیت‌های موجود به آن توجه صورت پذیرفته، اما مهم‌ترین این توجه را می‌توان در قوانین حمورابی و بویژه منشور کوروش کبیر مشاهده نمود. حقوق بشر به مفهوم امروزی دستاورد قرن ۲۰ است که با شکل سازمان ملل متحد و مشکلات که جنگ اول و دوم بر پیکر بشریت وارد ساخت، باعث شد تا کشورهای جهان به این مهم توجه کرده و برای جلوگیری از آن به تصویب اسناد بین‌المللی

حمایت از حقوق بشر بزنند. تبعیض یکی از شاخه‌های حقوق بشر می‌باشد. رعایت کردن این تبعیض یکی از فاکتورهای اساسی بوجود آمدن صلح و امنیت در افغانستان خواهد بود. و همچنین عدالت‌خواهی و برقراری عدالت در افغانستان یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر صلح و امنیت در افغانستان می‌باشد.

مقدمه

کلمه بشر با واژه‌های انسان، آدم و بنی آدم مترادف است و برای عموم افراد بشر، اعم از زن و مرد قابل اطلاق است. در نیمه قرن ۱۴ از ایتالیا جنبش تحت نام اومانسیم آغاز و به کشورهای دیگر اروپایی سرایت کرد، اساس این فلسفه بر مبنای ارزش‌گذاری منزلت و مقام انسان نهاده شده است. اومانسیم انسان را مدار حقانیت، عدالت و قانون میدانند و گفته‌اند انسان باید خودش سرنوشت خویش را تعیین کند و نباید تابع هیچ قدرت دیگری باشد. در این ایدئولوژی تقلید به هر چیزی غیر از دل بستن به منافع و پیگیری منافع مادی خود خرافه‌گرایی و بی‌خردی تفسیر می‌شود، در این اندیشه عقل بشری جایگزین عقل کلیسایی می‌شود، در واقع حس‌گرایی و عقل‌گرایی افراطی جایگزین عقل‌گریزی افراطی، دوران حکومت کلیسا می‌شود. و بشر را موجود یگانه میدانند که دائماً خود را می‌سازد و ایمانوئل کانت انسان را تاحد مولودیت خداوند بالا میبرد و می‌گوید. (معنای انسانیت از موجودی الهی نشأت کرده است و انسان مخلوق خدا نیست بلکه مولود خداست) حقوق بشر بر شالوده چنین اندیشه‌های بنا شده است. چنانکه اکثریت حقوق دانان عقیده دارند (در هر جامعه و ملتی ولو آنکه در مراحل ابتدایی و دوران‌های بدوی زندگی باشند، یک نیروی تشخیص خوب از بد، زشت از زیبا، مفید از مضر، حق از ناحق، عدالت از ستم وجود دارد که افراد نکته‌سنج و باریک بین می‌توانند با راهنمایی آن راه رسم صحیحی زندگی را تعیین و قلمرو فعالیت افراد را مشخص سازد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر از زمان پیدایش تا کنون اذهان اندیشمندان و عالمان مسلمان را به خود معطوف داشته است، جای تردید نیست که این اعلامیه در جهت ایجاد تفاهم بین المللی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، ایجاد روحیه احترام متقابل و جلوگیری از تردید و تجاوزات خود سرانه برای در هم شکستن کشورها‌های مستقل و آزاد، تاثیر غیر قابل انکاری را داشته است. چنانچه شهید مطهری می‌گوید (در دنیای غرب، از قرن ۱۷ به بعد پایه‌های نهضت‌های علمی و فلسفی، نهضتی در زمینه مسایل اجتماعی و بنام (حقوق بشر) صورت گرفت. نویسندگان و متفکران قرن ۱۷ و ۱۸ افکار خویش را درباره حقوق طبیعی و فطری و غیر قابل صلب بشر، با پشتکار قابل تحسینی در میان مردم پخش کردند).

ریشه‌های نا آرامی با وضعیت جاری در پرتو آموزه‌های حقوق بشر در افغانستان طی دو دهه اخیر

مبحث اول: آموزه‌های حقوق بشر

"حق بهرمندی از عالی‌ترین استاندارد قابل وصول سلامتی" به عنوان حق بنادین توصیف می‌شود که برای تحقق و بهره‌مندی از سایر حق و آزادی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. هر چند این حق به لحاظ محتوا، به نسل دوم حقوق بشر تعلق دارد، لیکن ارتباطی نزدیک با سایر نسل‌های حقوق بشری نیز دارد. است. حق برخورداری از آب آشامیدنی سالم، غذای کافی و مقوی، محیط زیست پاک و مقوم ذات سلامتی انسان بشمار می‌روند. در کنار این مسئله، برخورداری از حق حیات بدون برخورداری از سلامتی جسم و روان بی‌معنی خواهد بود. تحقق عالی‌ترین استاندارد مورد نظر ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در پرتو بکارگیری حداکثر امکانات اقتصادی و فنی و طی روندی ضرورتاً تدریجی الحصول، رنگ واقعیت بخود خواهد

گرفت. از این رو میزان تحقق و بهرمندی از این حق، رابطه مستقیم با سطح رشد و توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی با علم به این واقعیت، از دولت‌های عضو میخواید تا با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی و فنی با یکدیگر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را جهت ارتقاء میزان بهره‌مندی از این حق افزایش می‌دهند. به هر حال با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد، باید گفت: در این بخش در قالب حق بر سلامت؛ مفهوم شناسی و گونه‌های از آن را که تحت تاثیر حقوق بشر مصداق پیدا نموده‌اند بیان می‌شود. از طرفی نیز پیشرفت‌های که انسان در علم ژنتیک داشته است و میتواند حق بر سلامت آحاد جامعه بشری را تحت تاثیر خود قرار دهد، مورد بررسی و بازاندیشی قرار می‌گیرد.

اطلاعات ژنتیکی و چالش آن با حقوق شهروندی حقوق بشر

اطلاعات ژنتیک انسانی کلید بسیاری از پیشرفت‌های مهم پزشکی است به همین علت در سال‌های اخیر اطلاعات ژنتیک انسانی بطور فزاینده‌ای در گستره وسیعی از پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و این امر مسایل حقوقی و اخلاقی بسیاری را برانگخته است. پاسخ بسیار مهم در این سوال اساسی نهفته است انسان چه رابطه حقوقی با اطلاعات ژنتیکی خود دارد در نتیجه چه حقوقی نسبت به آنها میتواند داشته باشد که باید مورد حمایت قانون‌گذار و مورد احترام پژوهش‌گران و محققان قرار گیرد.

اطلاعات ژنتیک انسانی کلید بسیاری از پیشرفت‌های مهم پزشکی است به همین علت در سال‌های اخیر اطلاعات ژنتیک انسانی بطور فزاینده‌ای در گستره وسیعی از پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و این امر مسایل حقوقی و اخلاقی بسیاری را برانگخته است

تاثیرات حقوق بشر بر صلح و امنیت در افغانستان

گفتار اول: رابطه حقوق بشر با صلح

صلح از قدیمی‌ترین آرمان بشری است و برقراری صلح در جهان ارتباط مستقیمی با حقوق بشر دارد. از صلح تعاریف مختلفی به عمل آمده است. یکی از تعاریف رایج آن، این است که صلح مساوی است با فقدان جنگ، یعنی زمانیکه که جنگ نباشد صلح است. اما امروزه با دید وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تری به موضوع نگریسته میشود و آن اینکه صلح به معنی فقدان جنگ نیست، بلکه صلح مفهوم گسترده‌ای دارد که شامل موارد مختلف امنیتی میگردد:

- امنیت اقتصادی خصوصاً در حوزه رفاه اجتماعی، نبود فقر و توسعه یافتگی
- امنیت زیست محیطی یعنی برخورداری انسان‌ها از یک محیط زیست سالم
- امنیت اجتماعی یعنی برخورداری شهروندان از تمام حقوق اجتماعی
- امنیت سیاسی یعنی ثبات و ساختارهای سیاسی درست و چرخش آزاد قدرت
- امنیت نظامی یعنی نبود جنگ‌و زندقه در صلح
بنابراین صلح امروزه یک مفهوم چند بعدی دارد و ما نمی‌توانیم فقط آنرا به مقوله نظامی محدود کنیم از طرفی که در تفسیر‌های اخیر از منشور ملل متحد به عمل آمده حقوق بشر دارای جایگاه ویژه‌ای است. در مقدمه و وصول منشور ملل متحد ارتقاء حقوق بشر، احترام به شأن، منزلت و کرامت انسانی جزء رسالت اصلی همه دولت‌ها ذکر شده است. بنابراین این طور نیست که بحث مساله حقوق بشر فقط یک مساله داخلی قلمرو کشورها باشد و امروزه نقض حقوق بشر در هر جای می‌تواند تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌المللی تلقی شود. اگرچه در حقوق بین‌الملل، حقوق بشر دارای ارزش و جایگاه والایی است و در کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، و مصوبه‌های مختلف



مشخص و جالب توجه است این است که تحریم‌ها باید به عنوان یک ابزار بشری، علیه دولت‌ها و ملت‌ها کنار گذاشته شود. روش‌های که درباره صلح جهانی مطرح شده متعدد است، صلح دائمی و یا همیشگی از دیدگاه کارشناسان این طور تعریف میشود که هر چه دولت‌ها به سمت دموکراتیزه شدن حرکت کنند به همان میزان امکان استقرار صلح در جهان بیشتر است. این یکی از راه‌های است که میشود به آن توجه داشت، اما دموکراتیزه شدن فقط شامل دولت‌ها نمی‌شود. جهان امروز شاهد موج چهارم دموکراتیزه شدن است. در موج چهارم دموکراتیزه شدن جهان، سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه اند به از ابزار قدرت علیه کشورها بهره می‌جویند. پس از دموکراتیزه شدن، گفتمان عدالت مطرح است. اگر چه از عدالت تعاریف مختلفی به عمل آمده، اما هر تعریفی که جامعه از عدالت داشته باشد، موضوعی برخلاف این تعاریف اتفاق بیافتند بی‌عدالتی است. یعنی تلاش‌ها باید به سمتی باشد که به بی‌عدالتی‌ها

از حقوق بشر دفاع شده است، اما امروزه این موضوع بطور جدی تری در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته و بر این اساس حقوق بشر یکی از انشعابات اصلی و مهم حقوق بین‌المللی است. از این حیث هر نقش حقوق بشری که در عرصه بین‌المللی صورت گیرد، بر سایر کشورها نیز تاثیر می‌گذارد. یکی از مواردی که امروزه در صحنه بین‌المللی شاهد آن هستیم، تحریم است. اگر چه گفته میشود هدف اصلی تحریم‌ها دولت‌ها هستند، اما مستقیم زندگی آحاد بشر را در جوامع تحت تاثیر قرار میدهد. این بحث بطور جدی در ادبیات و روابط بین‌الملل مطرح است که تحریم‌ها بیش از آنچه به نظام‌ها آسیب برساند به ملت‌ها آسیب میرساند. امروز دیدگاه‌های مختلفی پیرامون تحریم‌ها شکل گرفته است. لیبرال‌ها تحریم‌ها را یک پدیده اجتماعی می‌دانند چون معتقد اند در نهایت این حقوق افراد است که تحت تاثیر و آسیب قرار میگیرد. به‌رحال مکاتب فکری و فلسفی درباره آثار تحریم‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، اما نکته‌ای که امروزه در تمام این مکاتب

در جامعه پایان دهد مثل بی عدالتی ها در ثروت، تجارت، بازرگانی، توزیع منابع چه در داخل و چه در خارج و بی عدالتی در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی. بنابراین توجه به عدالت هم یکی از مباحث حقوق بشری است.

پس از توجه به عدالت، مشارکت مطرح میشود. منظور از مشارکت یعنی ورود جوامع مختلف در تصمیم گیری های بین المللی. قطعاً زمانی که کشور های متعدد در تصمیم گیری های بین المللی مشارکت داشته باشند، بی عدالتی از بین خواهد رفت. اما اگر مشارکت نباشد، نظرها شنیده نمی شود و تصمیم گیری ها به غلط گرفته میشود. هر چه برنامه های جهانی گسترده تر باشد و مشارکت جهانی بیشتر، این موضوع ما را به صلح جهانی نزدیک تر خواهد کرد اگر بخواهیم از تعبیر اسلامی استفاده کنیم.

گفتار دوم: تاثیر حقوق بشر بر صلح:

تجربه تاریخی جوامع بشری نشان داده است که صلح و حقوق بشر ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر داشته اند. چنین تجربه ای در دوران معاصر چگونه ای رشد و توسعه یافته است که ملت ها و دولت های جهان به این باور رسیدند که حقوق بشر و صلح لازم و ملزوم یکدیگر هستند، چگونه ای نمی توان بدون رعایت حقوق بشر به صلح واقعی و پایدار دست یافت، و بدون وجود صلح نیر نمی توان انتظار داشت که حقوق بشر بطور کلی مورد احترام و رعایت قرار گیرد. از سوی دیگر در دوران معاصر این ارتباط به گونه ای رشد و توسعه نموده است که برخورداری از صلح خود به عنوان یکی از حقوق بنیادی بشر مطرح شده است، چگونه ای که تحقق عملی دیگر حقوق بشر وابسته بوجود آن در نظر گرفته میشود. بیان دیگر حق برخورداری از صلح اساس دیگر حقوق بشر را تشکیل میدهد؛ چرا که بدون تحقق حق برخورداری از صلح امکان اجرای نسل اول حقوق بشر

(حقوق مدنی و سیاسی) و نسل دوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و حتی نسل سوم حقوق بشر (حقوق همچون حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست شایسته) وجود ندارد. در این راستا است که این مقاله با بررسی اسناد بین المللی همچون منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق های بین المللی سازمان های ملل متحد به حقوق بشر، قطعنامه ۱۱/۳۹ مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۴ م و قطعنامه ترویج صلح به عنوان یک الزام اساسی برای برخورداری کامل همگان از تمامی حقوق بشر و قطعنامه ۱۶۳/۶۲ مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۷ م و قطعنامه های مربوط کمسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر نشان میدهد که چگونه حقوق بشر و صلح به عنوان مفاهیمی وابسته به یکدیگر در نظر گرفته شده اند به گونه ای که تحقق یکی، بدون دیگری بطور کامل امکان پذیر نمی باشد و در نهایت این مقاله نتیجه میگیرد که احترام به حقوق بشر و رعایت کامل این حقوق بدون صلح امکان پذیر نمی باشد. و دستیابی به صلح پایدار و واقعی نیز بدون احترام به حقوق بشر و رعایت کامل این حقوق امکان پذیر نمی باشد. بر این اساس همه ملت ها و دولت ها باید کوشش نمایند تا از طریق احترام بیشتر به حقوق بشر در جهت تامین و تقویت صلح در جهان بکوشند و با خود داری از اقداماتی که صلح و امنیت بین المللی را به خطر می اندازد نقش خود را در جهت تحقق کامل حقوق بشر در سطح جهان ایفا نمایند. بدیهی است در جهانی که دولت ها در صلح و آرامش با یکدیگر بسر می برند، حقوق بشر پویاتر و مؤثرتر مورد احترام و رعایت قرار خواهد گرفت و در چنین جامعه جهانی است که منافع همه ملت ها تامین خواهند شد.

مبحث دوم: جایگاه حق بر صلح در اسناد بین

المللی حقوق بشر

صلح یک حق بشری است. از دیر باز بشریت

آرزو داشته است که در صلح و آرامش زندگی کند اما بسیاری از انسانها قدرت طلب هستند و به نحوه ممکن میل به قدرت و زورگویی را بر آرامش و صلح ترجیح میدهند. حق بر صلح برآمده از کرامت بشری است که بستر ضروری برای تحقق و اجرایی شدن سایر حقوق شناخته شده برای بشر بشما میرود، اما برخی کاستی های موجود در نظام حقوقی بین الملل مانع از شناسایی دقیق و جامعه این شده است.

نتیجه گیری

بسیاری از ایده های اساسی که محرک جنبش حقوق بشر بود بعد از جنگ جهانی دوم و جنایات هولوکاست گسترش و توسعه یافت، و با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در پاریس توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به اوج خود رسیده و به رسمیت شناخته شد. در جهان باستان، مفهوم حقوق بشر به گونه ای که امروزه وجود دارد نبود. بلکه در جوامع باستانی به صورت مجموعه ای مفصل از وظایف بود، که مفاهیمی از جمله عدالت، مشروعیت سیاسی، شگوفایی انسان که در پی دستیابی به کرامت انسانی حاصل میشود و یا خوب بودن، فارغ از عنوان و مفهوم حقوق بشر وجود داشت. بسیاری از ایده های اساسی که محرک جنبش حقوق بشر بود. مطالعات مربوط به صلح در دو دهه اخیر، علاوه بر تاکید بر نفی جنگ و حل فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی بر ایجاد و حفظ متمرکز شده است که تحقق این مهم با آموزش و ترویج و نهادینه کردن حقوق بشر بویژه مناطق مستعد بحران یا بحران زده ارتباط مستقیم دارد. در شرایط کنونی ایجاد و حفظ صلح، مستلزم ایجاد پژوهش های وسیع و دانشگاهی در زمینه تنوع فرهنگی و درک متقابل ملت ها، روند جهانی شدن و مناسبات بین المللی، احترام به حقوق بشر و مسوولیت دولت ها در ترویج صلح است. در صورت نقض صلح و بروز درگیری مسلحانه، پای حقوق

بشر دوستانه یا حقوق توسل به زور به میان میآید که به یک تعبیر، حقوق قابل اعمال در دوران خشونت های شدید است. امروزه گستره درگیری های مسلحانه توسعه یافته شامل پروژه سرکوب تروریسم بین الملل نیز میشود. پروژه ای که یکی از مهمترین پیامد های آن نقض شدید حقوق بشر میباشد. و تعاملات جدی در خصوص مشروعیت این پروژه را سبب شده است. کشور ما به واسطه جنگ های متمادی، آسیب های فراوانی را از نقض صلح و ارتکاب جنایات بین المللی بی

بسیاری از ایده های

اساسی که محرک

جنبش حقوق بشر بود

مطالعات مربوط به صلح

در دو دهه اخیر، علاوه

بر تاکید بر نفی جنگ و

حل فصل مسالمت آمیز

اختلافات بین المللی بر

ایجاد و حفظ متمرکز

شده است که تحقق این

مهم با آموزش و ترویج

و نهادینه کردن حقوق

بشر بویژه مناطق مستعد

بحران یا بحران زده

ارتباط مستقیم دارد

شمار علیه آن متحمل شده است، همانطور که تروریسم بین المللی نیز صدمات بزرگی را به آن وارد کرده است شگاف میان هنجارها و واقعیت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه همواره گسترده بوده است امروزه پدیداری و گستردگی نقض حقوق بشر دوستانه موضوعات ناظر بر تبعیت از قواعد را برجسته میسازد که خود سبب بدبینی میگردد. ضروری است هنجارهای بشر دوستانه در طول زمان به عنوان بخشی از آگاهی عمومی در هر نقطه ای از جهان درآید. همچنین باید آموزش و پرورش اقناع و تاکید بر ارزش های خارج از حقوق از قبیل اخلاق، احترام، بخشش و غیره دنبال شود. نمی توان این وظیفه را صرف بر عهده ی حقوق گذارد. باید افکار عمومی و اجماع جمعی که اهمیت خود در پیشبرد حقوق را به اثبات رسانده اند، را برای ورود به مرحله عمل هماهنگ کرد. برای رسیدن به این هدف ایجاد فرهنگی مشتمل بر این ارزش ها اجتناب ناپذیر است. به نظر میرسد تا زمانیکه ایجاد چنین فرهنگی به واقعیت بپیوندد.



شفافیت انتخابات پایداری جمهوریت- بایسته آن در نظام آینده انتخاباتی افغانستان



محمد آصف فقیری

پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

بعید نخواهد بود، که گروه طالبان برای مشروعیت دست به انتخابات صوری انتصابی نزنند، بنابراین شفافیت و گزینش مجریان قدرت در نظام آینده از پایین به بالا باید، که تمثیل و اعمال مردم سالاری از محلات یعنی انتخاب والیان و مقامات محلی توسط مردم همان ولایت نهادینه شود تا بستر شفافیت در

انتخاب فرد اول با ایجاد محاکم اختصاصی انتخاباتی در حیطه محاکم اداری یعنی الگو تعدد محاکم یا الگو فرانسوی، که نظارت قضایی را فراهم می کند، و در پایداری جمهوریت در افغانستان می تواند سنگ بنا شود، که در این مقاله از دیدگاه تخصصی حقوق عمومی با روش توصیفی- تحلیلی به دادرسی انتخاباتی مطلوب پرداخته ایم.

کلید واژه ها: مشارکت و انتخابات آزاد، دادرسی انتخاباتی در نظام جمهوریت، نظارت قضایی در نظام آینده انتخابات.

مقدمه

اینکه خواسته و خیر عمومی بر خواسته فردی یا نفعی خصوصی غلبه کند، که هر خواسته منفرد در ذات خویش من فعال است، و اینکه چگونه از من با ما سیر شود؟ و یا اینکه بنیاد هر خواسته فردی یا خیر فردی در زیر سایه خیر عمومی تامین شود، بنیاد اخلاقی است که در برابر اخلاق اجتماعی نهادینه می شود، که شهروند معنی معنوی انسان در مفاهیم شهروندی یا ما است، و کشور تمام عیار یا کشور های جهان اول صورت معقول منطقی است که بنیاد های آن از کمال خرد بنا شده است، و این خرد است که خیر فردی را در سایه خیر عمومی می بیند. که در واقع این نیاز های جامعه است که به آن نیاز جمعی می گویم، و در تجویز این نیاز جمعی، و فرد غایت خیر خویش را در آن می بیند، که وجه مشترک آن با اعضاء جامعه، نتیجه غایب کلیت یا ما است (فلسفه هگل، ۵۸۰-۵۹۴) در حقیقت خواسته با انتخاب هر اعضاء جامعه مسبب خواسته و خیر عمومی باید، و این باید در افکار عمومی، غالبیت به اعمال سیاسی اعضاء جامعه گردد، که با این حال سنگ بنای شفافیت را رقم زدیم، از این منشاء محور دادرسی انتخابات سیستمی است، که فقط شفافیت را نشانه گرفته و در مقابل آن پاسخگو است. ملت سازی در دهه های پنجاه و شصت در ایالات متحده برحسب همبستگی و پیوستگی به منظور اقتدار و تبیین هویت ملی با استفاده از قدرت حکومت بود، که طی بیست در افغانستان با موجودیت سطح بالای فساد و عدم شفافیت در دوره های انتخاباتی، که نه تنها انتخابات نتوانست هویت یک پارچه تولید کند، بل تجزیه کشور الخصوص در ۲۰۱۴ مشهود شده بود، تصمیمات سطحی و مقطعی مسبب نابودی نظام شد، مثلا جایگزین ریاست اجراییه، تعدیل قانون اساسی بر بنیاد نظام غیر متمرکز نه فدرال، که با انتخابات های محلی ولایتی بمنظور انتخاب والیان توسط مردم همان ولایت، هم شفافیت با نظارت مردمی

و نظارت قضایی و هم وجه ملت سازی بسوی پایداری و اقتدار ملی، به طور روزافزون بدست می آمد، الگو مطلوب مدیریتی که در دادرسی انتخابات که می تواند در آینده افغانستان سازنده باشد، انتخابات الکترونیزه هند است، باوجود تنوع و کثرت نفوس، شفافیت تهداب هر گونه انتخابات در هندوستان می باشد.

۱. مبانی نظری نظام حقوقی انتخابات:

انتخابات یک مجموعه عملیات است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظران برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنی فنون گزینش و شیوه های مختلف تعیین نماینده گان است. ابزاری است که به وسیله آن می توان اراده شهروندان را در تشکیل گیری نهادی های سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. با آنکه از ایام باستان، گاه گاه نشانه های از دخالت مردم در گزینش مسوولان به چشم می خورد، که بدون شک یونان باستان و روم دو منبع فیاض و مبنای مولفه های مردم سالاری اند، که امروزه مقصد از گزینش در نظام انتخاباتی این است که رویکرد حق مدار و تکلیف مدار به طور ملموس به شفافیت انتخاباتی افزایش دهد، زیرا عدم اشتراک رأی دهندگان و گذاشتن میدان به مافیای انتخاباتی مشکل را پر چلاش تر ساخته آب را در آسیاب دشمن می ریزد. و بیننده روی داده های انتخاباتی از راه دور یعنی رسانه ها تنها اکتفا نکنند، زیرا شفافیت، اعتماد بین مردم و دولت را افزایش می دهد. در حالیکه راهبردهای بنیادین انتخابات در افغانستان از سوی قانون اساسی ۱۳۸۲ ماده ۳۳ تصریح می دارد: (اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد) بنابراین آنچه از اصل و سیمای راستین این پیمان همگانی بر می آید، راهبرد های بنیادین انتخابات سه ویژگی برجسته

دارند: مشروعیت بخشی که چهره نهادی دارد، اعتبار بخشی که نگاه کارکردی دارد و حق بخشی که رویکرد حمایتی دارد (عالی پور، ۱۳۹۴: ۶۶). ساختار قدرت سیاسی در جوامع بشری به دو گروه فرمانبرداران و فرمانروایان، بحث و مجادلات حقوقی فراوانی پیرامون مشروعیت فرمانرویان مطرح بوده، که نظریه حاکمیت مردم به عنوان نظریه معقول و مقبول، مورد پذیرش بیشتر نظام های سیاسی قرار گرفته است. عدم مراجعه مستقیم مردم در همه تصمیمات و اقدامات حکومتی، شیوه دموکراسی غیر مستقیم یا انتخاب و گزینش فرمانرویان از جانب فرمانبران در بستر مردم سالاری درج قوانین اساسی شده اند. بر اساس این نظریه حقوق عمومی معاصر، مردم سالاری به عنوان نظریه مقبول و معقول مورد پذیرش قرار گرفت. از این جهت دادرسی بر شکایات انتخاباتی حیات بخشیدن به حقوق انتخابات می باشد، که نباید در آینده فقط از انتخابات ابزاری برای مشروعیت قدرت استفاده گردد، این باید چشم و گوش شهروندان بایست، تا دادرسی انتخاباتی را بنیاد شود.

۱.۱. رای چیست حق یا تکلیف؟

عملی تشریفاتی و حقوقی که شهروندان با انجام آن، طبق مقررات و قوانین به گزینش نماینده یا نمایندگان می پردازند رأی نامند. رای دهنده، ضمن این عمل حقوقی-سیاسی، در حقیقت با برگزیدن نماینده یا نمایندگان در امور سیاسی جامعه خود مشارکت می کند. این سوال زیادی مطرح می شود، که مشارکت در این امر حق است یا تکلیف؟

الف- نظریه حق محور رای

حق مقدم بر دولت ها و حکومت ها بوده و اساس ان عالی تر از زندگانی انسان است قبل از اینکه قانون گزار قانونی وضع کند و حلال و حرامی به وجود آورد، عقل سلیم حکم می کرد که نباید حق حیات را از کسی سلب کرد (مدرس، ۱۳۳۷: ۱۰-۱۲). لکن رای

امری غیر فطری است و در غایب اراده تشکیل دولت توسط مردم، حق رای موضوعیت ندارد. لذا اجبار شهروندان به استفاده حق، نقض خصوصیات خود حق است. هر گاه رأی حق پنداشته شود، و از طرفی مردم از اعمال رأی امتناع ورزد ماشین دموکراسی به سبب عدم مشارکت مدنی از حرکت باز می ماند. علاوه بر حق دانستن رأی مغایر با تعیین و تحمیل شرایط بر رأی دهندگان و آزادی شرکت در انتخابات است، البته آزادی و انتخاب چنان سکه دو روی است که اجتناب از رای بیدون دلیل، می تواند توهین بر خود محسوب شود، نه تنها ابعاد اخلاقی فردی دارد که در عمل کردن بسوی انتخاب، در واقع من در ماهیت ما و در خیر و نفع عمومی دخیل می شود، که افغانستان طبق ۳۳ قانون اساسی ۱۳۸۲ می توان نظریه حق محور را تحلیل کرد، زیرا در صورت عدم اشتراک برای افراد جامعه تکلیفی پیش بینی نشده است، ولی عدم شفافیت در واقع مسبب بی اعتباری مردم نسبت به نهادی انتخاباتی شده بود، که دادرسی شفاف و مطلوب، در امر افزایش رای دهندگان، باید است که مترادف آن ضرورت دانسته می شود، تا قانون گزار نظریه تکلیف مدار رای را، در پهلوی دادرسی انتخاباتی شفاف برای شهروندان کشور رقم زند.

ب- نظریه تکلیف مدار رای:

در حال حاضر، حد اقل در بیش از ۲۰ کشور دنیا قانون رأی اجباری حاکم است که نیمی از این کشورها را کشورهای غربی مدعی دموکراسی و حقوق بشر تشکیل می دهد: استرالیا، فرانسه، ایتالیا... افراد امتناع از رأی، در کشورهای سوئیس، اتریش، قبرس، آرژانتین محکوم به پرداخت جریمه، در شیلی در صورت عدم پرداخت جریمه به مجازات زندان، در آرژانتین و بلژیک به منع افتتاح حساب بانکی و در پلژیک به محرومیت از استخدام دولتی محکوم می شوند. و البته در برخی از کشورهای دارای قانون رأی اجباری، این

دموکراسی ها که بر ولخرجی های انتخاباتی، کنترلی نیست، پولداران فرصت بیشتری خواهند یافت و چون به قدرت برسند قوانینی وضع می کنند به نفع همان قافله ثروتمند است و نه این قاطبه دردمند به واسطه احساسات مقطعی شهروندان رأی آزاد و صادقانه و عافیت و سلامت از جامعه رخت بر می بندد. شهروندان برای رأی دادن گاه مکلفند نه مجبور، گاهی نه مجبورند و نه مکلف و زمانی هم مجبورند هم مکلف و این می تواند آن روی صوری بودن حاکمیت دموکراسی است (ریاحی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۵۳).

ت- نظریه حق محور و تکلیف مدار رأی و نقد آن: بیرون از اردوگاه دموکراسی و شاید هم از آن، نظریه سومی بر این مدعاست که رأی هم

حق است و هم تکلیف. از این نظریه نیز همان تراود که در آن دو دیگر است، زیرا حق واجد اختصاصات خاصه ای است اولاً حق قابل اسقاط است. اسقاط حق قاعده فقهی (لکل ذی حق حق اسقاط حق) می باشد. این قاعده که بسیار از بزرگان به

مناسب بدان اشاره کرده اند بدین معنی است که هر صاحب حقی می تواند حق خویش را اسقاط کرده یا باقی گذارد. دوماً حق قابل عوض شدن است. سوماً حق قابل نقل و انتقال است. خلاصه اینکه حق و تکلیف قابل جمع نیستند، زیرا حق سلطه ای است که شخص به حکم شرع یا قانون بر دیگری پیدا می کند. علاوه بر این از آنجا که تسلط انسان بر خودش معقول به نظر نمی رسد، در نتیجه باید پذیرفت که صاحب حق و تکلیف نمی تواند یک نفر باشد زیرا جمع اختیار و اجبار ناممکن است، برخی دیگر متعقدند رای اجباری مطابق با باب واجب کفایی در اسلام است (توحیدی، ۴۶: ۱۳۲۷). از این جهت می توان چنین تحلیل کرد: که حقانیت در نتایج انتخابات یا شفافیت،

قانون در عمل اعمال نمی شود و صرفاً در متن قانون آمده است، راست است که سزای تخطی انجام وظیفه، مجازات است، بنابراین از این سوی، تنبیه رأی ناهندگان، مغایرتی با میثاق ملی و منطق نظریه رأی تکلیف مدار ندارد. از آن سوی، رأی اجباری با نظریه رأی حق محور در تضاد و تنافی است. به همین سبب است که برخی کشورهای دارنده قانون رأی اجباری در عمل به این قانون بی اعتنایند. بنابراین نظریات حق بودن رأی و تکلیفی بودن رأی به عنوان مبدأ و منشاء دموکراسی مبتلا به عارضه پارادوکسیکال است (ریاحی، ۱۳۹۷: ۴). اگر رأی وظیفه محسوب شود، دموکراسی در پایه خود (نظریه حاکمیت ملی) می لرزد زیرا: برای شخص به عنوان عضوی از جامعه شان کاذبی قایل است چرا که رأی افراد به تنهایی بی ارزش است. شهروندان به درجات یک دو (صاحب رأی بیدون رأی) دسته بندی می شوند، کثرت رأی، همواره شاخص حاجات به حوایج انسانی نیست، خود را از ترس و جبری ری دهندگان می بافند. موثقی ملی در دنیا دموکراسی، به بهانه تکلیفی بودن ری، تضمینات کافی برای تمنیات و تمایلات اساسی آن دسته از کسانی که میلی به رأی دادن ندارند قابل نیست. رأی در کاغذی آید ولی در عمل اجرا نمی شود. معنی نمایندگی ملی این است که هر نماینده برای کسانی تصمیم می گیرد که وی را انتخاب نکرده اند. این نماینده که سی هزار رأی در سبد می برد با آن نماینده که سه میلیون رأی می آورد در تصویب قانون سهم مساوی هستند. رأی دهندگان حق عزل و نظارت بر کسانی که خود بر گزیده و به خدمت گرفته اند، ندارند. انتخاب شوندگان به انتخاب کنندگان حساب پس نمی دهند. منتخب مردم گاه شایستگی حکمرانی ندارد مثلاً ثروتمندان نماینده واقعی یا برهنگان نخواهد بود. گاهی تبلیغ و تقلب منتج به تسخیر و تغلب است. تبلیغات دروغین، فساد آور و بد آموز می شود. ثروتمندان به فقرا پول می دهند رأی می خرنند. خاصه در بسیاری

بیرون از اردوگاه

دموکراسی و شاید هم از درون آن نظریه سومی بر این مدعاست که رأی هم حق است و هم تکلیف

به قانون گزار این اعتماد را می دهد، که در بستر حق محور رای، گزینه ای از تکلیف را نیز ضمیمه کند، البته انتخاب و منفعت در مبنای آزادی ها، چنان جلوه ساز است که تکلیف بودن رای هم حق و نفع تک تک از اعضای جامعه باید دید.

۲. مبانی نظری رسیده گی به شکایات انتخاباتی:

رسیده گی یا دادرسی انتخاباتی به طور کلی شامل مفاهیم و سازوکارهایی است:

- تضمین می کنند که فعالیت ها، فرآیند ها و تصمیمات مربوط به فرآیند انتخابات مطابق به قانون (قوانین اساسی و عادی، اسناد و معاهدات بین المللی و تمامی مقررات دیگر است).
- از حقوق انتخاباتی حمایت و آن را احیا می کند، و برای افرادی که فکر می کنند حقوق انتخاباتی آنها نقض شده است امکان دادخواهی و رسیدگی قضایی را فراهم می آورد

۱.۲ مفهوم دادرسی انتخاباتی و ابزار آن:

مفهوم و ابزار دادرسی، شامل سازوکارهایی است که مانع خدشه دار شدن روند های انتخاباتی می شوند و از حقوق انتخاباتی دفاع می کند. سازوکارهای دادرسی انتخاباتی ابزارهای دارد که به موقع از بحث و مجادله جلوگیری و از ابزارهای رسمی و غیر رسمی برای حل آن استفاده می کند، مطالعه ای ساختارمند از همه روش های رسیدگی به دعاوی انتخاباتی شامل پیشگیری از دعاوی تا رسیدگی و حل آنها را در بر می گیرد، و اهمیت فرهنگ سیاسی و آموزش مدنی را در جلوگیری از دعاوی انتخاباتی توضیح می دهد و تمامی این عوامل دارای اهمیت اساسی برای دادرسی هستند. قابل ذکر است، که به نحوه کارکرد فنی نمی پردازیم، زیرا مباحث بر مسایل حقوقی رسیدگی تمرکز دارد که شامل روابط حقوقی بر حسب تأمین حقوق فردی آزادی ها می باشد که چطور بتوانیم به یک راهکار حقوقی مطلوب به منظور حفظ حق ها و آزادی برسیم.

۲.۲. کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی

در نظام جمهوری

کمیسیون شکایات انتخاباتی، برای اولین بار در سال ۱۳۸۴ جهت رسیدگی به شکایات انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی، منحصراً یک نهاد موقت و یک بخشی از ارگان مشترک اداره انتخابات یا (JEMB) ایجاد شد. همچنان در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به منظور رسیدگی به شکایات انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی و انتخابات ولسی جرگه طور موقت و مستقل شکل گرفت. قبل از تصویب قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های انتخاباتی در سال ۱۳۹۲ کمیسیون شکایات انتخاباتی به شکل موقت و مستقل ایجاد گردیده و بعد از ختم پروسه رسیدگی به شکایات انتخاباتی ملغی گردید. بعد از توشیح قانون انتخابات و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون انتخابات و شکایات در سال ۱۳۹۲ خورشیدی، توسط رئیس جمهور، کمیسیون شکایات انتخاباتی، بحیث یک نهاد مستقل و دائمی به منظور رسیدگی به اعتراضات و شکایات ایجاد شد. در واقع فعالیت کمیسیون به صورت دائمی گامی مهم، و سنگ بنای به مثابه محاکم اختصاصی بود.

بعد از توشیح قانون انتخابات و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون انتخابات و شکایات در سال ۱۳۹۲ خورشیدی، توسط رئیس جمهور، کمیسیون شکایات انتخاباتی، بحیث یک نهاد مستقل و دائمی به منظور رسیدگی به اعتراضات و شکایات ایجاد شد

۳.۲. صلاحیت های اجرایی و شبه قضایی

کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی:

کمیسیون شکایات انتخاباتی مطابق به قوانین نافذ کشور، به منظور تأمین عدالت و شفافیت در جریان انتخابات، دفاع از حقوق کاندیدان و رأی دهندگان از طریق رسیدگی به اعتراضات

و شکایات ناشی از تخطی ها، تخلفات و جرایم انتخاباتی ایجاد و تأسیس گردیده است. این کمیسیون به طور دوامدار، برای تحکیم و تعمیم دیموکراسی از طریق ایجاد فضای اعتماد، بلند بردن سطح مشارکت ملی و نهادینه شدن انتخابات منظم و معیاری، در کشور فعالیت می کند. کمیسیون شکایات انتخاباتی در مرکز و ولایات، مطابق ماده ۳۰ قانون انتخابات، دارای صلاحیت های ذیل بود:

- رسیدگی به موارد اعتراض بر فهرست کاندیدان و رأی دهندگان و شرایط و اوصاف کاندیدانی که در جریان انتخابات مطرح می شوند.
- رسیدگی به شکایات ناشی از تخلفات انتخاباتی، مشروط بر اینکه، شکایت مطابق احکام این قانون در زمان معینه آن ثبت گردیده باشد؛
- صدور توصیه، اخطار و دستور به اقدام اصلاحی به شخص یا اداره ای که مرتکب تخلف گردیده است.
- وضع جریمه های نقدی حسب احوال مطابق احکام قانون انتخابات؛
- صدور دستور در مورد شمارش مجدد آراء در مراکز رأی دهی مشخص، قبل از اعلام نتایج انتخابات.
- بی اعتبار شناختن اوراق رأی دهی فاقد شرایط لازم.
- حذف کاندیدان به اساس دلایل موجه مطابق قانون.
- شناسایی جرایم انتخاباتی طبق صراحت ماده (۹۷) قانون انتخابات و ارجاع آن به ارگان های عدلی و قضایی.
- تصامیم این کمیسیون در ارتباط به منازعات ناشی از تخطی ها، تخلفات و جرایم انتخاباتی در دو مرحله ولایتی و مرکزی اتخاذ می گردد.
- طبق ماده (۹۳) قانون انتخابات، تصامیم کمیسیون مرکزی منحصراً عالی ترین مرجع رسیدگی به قضایای انتخاباتی، نهایی تلقی گردیده و هیچ مرجع دیگری داخلی یا خارجی، نمی تواند، قضایای انتخاباتی را از دایره صلاحیت این کمیسیون خارج کند.

۳. مفهوم نظارت قضایی:

نظارت قضایی به معنی انطباق عمل عمومی با مفاد قانون به منظور جلوگیری از عدول مرجع یا مقام عمومی از صاحبیت های تعیین شده است. جهت واضح تر شدن تعریف فوق ابتدا بایست عمل عمومی را مشخص نماییم. عمل عمومی به کلیه اقدامات و تصمیمات اشخاص حقوق عمومی اطلاق می شود که مبتنی بر منفعت عمومی با استفاده از اقتدارات و امتیازات قدرت عمومی و با هدف ارایه سرویس و خدمات و تأمین نظم عمومی و امنیت با رعایت قوانین و مقررات صورت گیرد. درخواست نظارت قضایی بمعنی درخواستی جهت نظارت بر قانونی بودن مصوبه و با تصمیم و یا نقصان عملی در ارتباط با فعالیت های که جنبه و کارکرد عمومی دارد می باشد. نظارت قضایی لازمه بر قراری اصل حاکمیت قانون است و دارای ضمانت اجرای منسجم تری نسبت بر نظارت های اداری و پارلمانی دارد، این نوع نظارت نوع نظارت برون سازمانی است که احکام ترافیعی یا حل و فصل را در راستای برقراری حاکمیت قانون، اصل قانونی بوده را با دو روی کرد سلبی و اجابی مطرح میکند.

در روی کرد سلبی اعمال صورت پذیرفته می بایست تمامی منطبق با قانون باشد و در روی کرد اجابی ملزم به اخذ تصمیمات مقتضی برای اجرای قانون است. بنابراین اندیشه حاکمیت قانون در عمل، منجر به توافق قانون نسبت به افراد و دولت ها می شود، یعنی نه تنها افراد و دولت ها ملزم به خود داری از انجام عمل مغایر با قانون هستند بلکه بایست اعمال خود را منطبق با قانون سازند. لذا نقش نظارت قضایی درین راستا بسیار پر رنگ می باشد به بیان ساده تر نظارت قضایی، کنترل اعمال و تصمیمات اتخاذ شده جهت انطباق آنها با قانون و جلوگیری از سوی استفاده و تخطی از صلاحیت ها توسط مراجع صالح قضایی است (موثمنی، ۱۳۹۶: ۲).

- منابع و مآخذ
۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۳۸۲ افغانستان.
 ۲. قانون انتخابات افغانستان، مصوبه ۱۳۹۵، نمبر مسلسل ۱۲۲۶.
 ۳. شریعت پناهی ابو فضل قاضی، حقوق اساسی و نهادی های سیاسی، انتشارات مستقل/۱۳۸۸.
 ۴. محسن خلیلی، کارشناس علوم سیاسی، ۱۳۹۷ - نظارت انتخاباتی.
 ۵. بنیاد بین المللی نظام های انتخاباتی، آسیا و اروپا، انتخابات در افغانستان/۲۰۱۴.
 ۶. خسوس اوروسکو، دادرسی انتخاباتی، مترجمان دکتر اسد الله یوری، هانیبه اشتغالی، دکتر فاطمه عزیز محمدی، بنیاد حقوقی میزان/۱۳۹۹.
 ۷. انصاری، ولی الله ۴۲۲۴ کلیات حقوق اداری: از لحاظ نظری، عملی و تطبیقی تهران: میزان.
 ۸. اردبیلی، محمد علی ۴۲۲۱ (حقوق جزای عمومی) ج ۱ (تهران: نشر میزان).
 ۹. دکتر قاسم علی صداقت، کلیات حقوق مالی ۴۲۴۵ ص ۱۲-۱۵.
 ۱۰. مومنی منوچهر، حقوق اداری تطبیقی، انتشارات قم/۱۳۹۳.
 ۱۱. طباطبائی منوچهر مومتمنی، حقوق اداری تطبیقی، ص ۲-۱۳۹۶.
 ۱۲. دکتر قاسم علی صداقت، کلیات حقوق مالی ۱۳۹۵ ص ۴۳-۴۵.
 ۱۳. مهرپور، حسین، (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
 ۱۴. امامی، محمد و استوار سنگری، کورش ۱۳۸۹ (حقوق اداری شامل مباحث ۱ و ۲).
 - تهران: انتشارات میزان.
 ۱۵. انصاری، ولی الله ۱۳۸۱ کلیات حقوق اداری: از لحاظ نظری، عملی و تطبیقی تهران: میزان.

ریاست جمهوری و انتخابات نمایندگان پارلمان در افغانستان عمدتاً با مشکلات و تقلب نیز همراه بود، که ضعف ساختارهای برگزار کننده انتخابات از مهمترین دلایل می توان گفت. که در نظام آینده مبحث رسیدگی به شکایات انتخاباتی از اهمیت ویژه برخوردار باید باشد.

**حاکمیت ملی یعنی
موسس کنندگان یا
شهروندان در شکل گیری
نهادهای سیاسی تعیین
متصدیان و اعمال اقتدار
سیاسی موسس کننده و
سازنده باشند**

پیشنهادهای تاسیسی:

- در گُل هر دو نظام محاکم یعنی الگو انگلستان و فرانسه لوازم شکلی حاکمیت قانون است، که ماهوی آن توازن سازی فکری انسانی از مجرای ملت سازی است، و تمثیل شفافیت انتخاباتی نخست از انتخابات والیان ولایت توسط همان مردم صورت گیرد، تا انتخاب فرد اول کشور در بستر انتخابات شفاف سهل گردد.
- انتخابات الکترونیکی، درج شکایات انتخاباتی به صورت الکترونیک که دادرسی قضایی در بستر نظارت مردمی به همراه بنیاد شفافیت و پایداری جمهوری خواهد بود.
- رویکرد به رسیدگی شکایات و رسیدن به انتخابات بیبدون تقلب نقطه پایان به حکومت های مصلحتی و تقسیم قدرت بین اقوام می تواند باشد.
- پیشنهادات حقوقی در باب شفافیت بدون وجه ملت سازی مطلوب نبوده و می توان به جنین مرده تشبیه کرد، که در این حالت جایگاه قانون ابزار و تکرار عقب ماندگی هر چند سال به تکرار ادامه خواهد داد.
- در حیطه محاکم اداری، بودن محاکم اختصاصی انتخاباتی در امر شفافیت، الزامیست.
- مسوولیت و رسالت بر حقوق و آزادی ها، ایجاب می کنند تا گروه های فشار در امر فرهنگ سازی انتخاباتی و مشروعیت قدرت از مجرای به گونه تخصصی وارد عمل شوند.

اداری در جهت خواست انقلابی مردم وبمنظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین دولت زیر نظر قوای قضایه تشکیل شد. اما از انجائیکه دیوان فقط در تهران مستقر می باشد نه در شهرستان ها، لذا امکانات محدودی دارد و بعنوان یک مرجع عالی دادرسی اداری عمل میکند و فاقد شعبه است (همانا، ۱۳۹۶: ۸). نظام حقوقی ۱۳۸۲ افغانستان که پیرو وحدت محاکم بود، و محاکم اختصاصی ویژه نظام دوگانگی یا الگو فرانسه می باشد. بآنهم طبق مواد ماده های ۶۹، ۷۸، ۱۲۷، ۱۲۲ در قانون اساسی افغانستان محاکم اختصاصی برای مقامات بلند رتبه دولتی گفته شده بود، بنابراین ضرورت ایجاد محاکم اختصاصی در امور اداری امر اجتناب ناپذیر به نظر میرسید. بدین گونه نظام حقوقی افغانستان با پذیرش دوگانگی نسبی حقوقی راه بر ایجاد محاکم اختصاصی نیز باز کرده بود، که ایجاد کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی به طور دایم طبق قانون انتخابات در واقع بایی به سوی محاکم دادرسی انتخاباتی گشوده است.

نتیجه گیری

حاکمیت ملی یعنی موسس کنندگان یا شهروندان در شکل گیری نهادهای سیاسی، تعیین متصدیان و اعمال اقتدار سیاسی موسس کننده و سازنده باشند. که فن گزینش به عنوان موجه ترین و مشروع ترین ابزار وصول به قدرت و هم چنین رایج ترین شیوه اعمال اراده مردم می باشد. و مردم افغانستان تا پسا طالبان ۲۰۲۱ چندین انتخابات را در گونه های مختلف شاهد بودند، انتخاب رییس موقت در سال ۲۰۰۱ در جلسه بن، و چهار بار انتخابات ریاست جمهوری در سال های ۲۰۰۴، ۲۰۰۹، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ به استثنا انتخاب رییس موقت در جلسه بن که در چهار چوب عوامل دیگر بود، انتخابات بر مبنای قوانین و لوايح برگزار شدند. چندین انتخابات

۳.۱. ضرورت نظارت قضایی بر رسیدگی شکایات انتخاباتی در نظام آینده:

پیدایش وتحول مفاهیم کلیدی حقوق عمومی خصوصاً در حوزه دادرسی میتواند مبنای یک سازگاری درونی در حقوق عمومی قلمداد گردد. تغییر شکل حکومت ها و پیدایش دولت های مدرن بنیاد های اصلی و زیربنای را دچار تزلزل نموده است، دولت های مدرن بجای قانون به تکنیک متوسل می شود. و از قانون به مثابه یک تکنیک ویا به مثابه ابزاری جهت مدیریت امور عمومی بکار می برند، در نتیجه این تنش بنیاد می توان در چارچوب مفهومی نظارت قضایی برطرف و در نظام انتخاباتی آینده کشور برجسته ساخت (ناصری، ۱۳۹۶: ۵). مشکلات و چالش های که سد راه انتخابات شفاف و بی تقلب در نظام آینده را، نیازمند نظارت قضایی دانست، و طبق مبانی نظری مفهوم نظارت که بهترین نوع نظارت، نظارت قضایی است تا نظارت اداری و سیاسی، که بدون ایجاد محاکم اختصاصی در امور انتخابات امکان پذیر نیست.

۳.۲. ایجاد محاکم اختصاصی و دادرسی انتخاباتی:

پیشینه ایجاد محاکم تخصصی را بایست در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه جستجو کرد جایکه انقلابیون فرانسه پس از پیروزی با تاسی از نظریه تفکیک قوای منتسکیو، خواستار ایجاد محاکم اداری مجزا از محاکم عمومی دادگستری و زیر نظر قوه مجریه بودند لذا در سال هشتم انقلاب شورای دولتی فرانسه تاسیس گردید که سیر تکاملی خود به یک دادگاه عالی اداره تبدیل شد. بدین ترتیب نظام حقوقی فرانسه مبتکر و پایه گذار نظام دوگانگی حقوقی که متعقد بر تفکیک دعوای اداری و سایر دعوای بودند گردید. نظام حقوقی المان نیز با پیروی نسبی از جدای دادگاه های اداری و عمومی قاعل به پنج نظم قضای است. در ایران نیز پس از انقلاب اسلامی دیوان عدالت



تحول در گفتمان ژئوپلیتیک نظام جهانی و چرخش ژئوپلیتیکی کشورها

(سیری در نقش‌پذیری جغرافیای افغانستان در گفتمان‌های ژئوپلیتیکی نظام جهانی)

جواد امیری

دانشجوی دکترا تخصصی جغرافیای
سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

ژئوپلیتیک و مفاهیم و گرایش‌های متعددی که بر اساس دیدگاه‌ها و تفسیرهای مختلف به صورت پیش‌وند و پس‌وند آن قرار می‌گیرند، از جمله حوزه‌های پویای علم است که با توجه به جذابیت و اهمیت بالایی که دارد، استفاده و کاربردهای گسترده‌ای را چه در عرصه علمی

(ژئوپلیتیسین‌ها و متخصصین غیر ژئوپلیتیک) و چه در عرصه غیر علمی (کاربران عملی و عوام) به خود اختصاص داده است. دکتر محسن جان‌پرور در یک تعریف نسبتاً علمی و مسامحتاً پایه ژئوپلیتیک را اینگونه تعریف می‌کند. «دانش شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی» یکی از این مفاهیم مهم که مسئله اصلی متن حاضر را نیز در بر می‌گیرد «گفتمان ژئوپلیتیک» و تاثیر تحولات و دگرگونی آن بر نقش جغرافیایی کشورها که به صورت چرخش ژئوپلیتیکی نمایان می‌شود، می‌باشد. برای درک بهتر و شناخت این مفهوم، باید آن را در حوزه گرایش‌های موضوعی ژئوپلیتیک جستجو کرد. در قدم اول نیاز است از این مفهوم تعریف روشن داشته باشیم.

۱) گفتمان ژئوپلیتیک

گفتمان ژئوپلیتیک یعنی توصیف و تشریح فضایی شدن سیاست بین‌الملل که در اثر به کارگیری گفتمان‌ها در اجرای سیاست خارجی به وجود می‌آید و ژئوپلیتیک گفتمانی مطالعه منابع اجتماعی- فرهنگی و قواعدی است که توسط آنها جغرافیاهای سیاست بین‌الملل نوشته می‌شود. در تعریف دیگر گفتمان ژئوپلیتیک مجموعه قواعد و چارچوب‌های مسلط در یک بازه زمانی مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت است که به وسیله آن اعمال، رویه‌ها، روابط، تلاش‌ها، نگرش‌ها، استراتژی‌ها و حتی سخنرانی‌های بازیگران در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را می‌توان درک و معنادار کرده، توضیح داده و توجیح کرد.

۲) گرایش‌های موضوعی دانش ژئوپلیتیک

گرایش‌های موضوعی دانش ژئوپلیتیک مبتنی بر «ماهیت (واقعی و مصنوعی)، کارکرد، بازیگران و گروه‌های خاص، زمان (گفتمان)،

مکان و ترکیبی» تقسیم بندی می‌گردد که هر کدام بخش بندی خاص خود را دارند. همچنین در این زمینه دکتر پیروز مجتهدزاده می‌گوید «ژئوپلیتیک مبحثی گسترده و مادر است که در روند مطالعه و بر حسب دیدگاه‌های گوناگون مطالعه نیم پیکر واژه‌های آن به صورت پیشوند «ژئو» در برابر دیدگاه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در آمده و مباحث نوینی را راهبری می‌کند. متداول‌ترین این دیدگاه‌ها در این راستا عبارتند از: مباحث ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواستراتژیک، هیدروپلیتیک و غیره». (این گرایش‌ها با دانش ژئوپلیتیک به عنوان مبحث پایه، نسبت جزء به کل دارند). گرایش‌های مبتنی بر زمان (گفتمان) در ژئوپلیتیک شامل آن گرایش‌های است که بر مبنای گفتمان‌های حاکم در بازه زمانی خاص شکل می‌گیرد. نظام بین‌الملل تا هم اکنون مسامحتاً ۴ موج اساسی گفتمان ژئوپلیتیکی را شاهد بوده که می‌توان آنها را به صورت خلاصه چنین بیان کرد.

۱-۲) گفتمان امپریالیستی (استعماری): در فاصله سال‌های پس از کنگره وین اوایل قرن نوزدهم (۱۸۱۵) تا آغاز جنگ جهانی اول در اوایل قرن بیستم (۱۹۱۴) تحولات صنعتی، رشد اقتصادی و توسعه سرمایه‌داری در اروپا زمینه را برای گسترش فعالیت‌های امپریالیستی کشورهای اروپایی در خارج از مرزهای این کشورها فراهم کرد. در این دوره صاحب‌نظران و نظریات آلفرد ماهان (قدرت دریایی)، فردریک راتزل (فضای حیاتی)، هالفورد مکیندر (قدرت زمینی/ هارتلند)، کارل هاوسهوفر (قدرت زمینی/ هارتلند)، نیکولاس اسپایکمن (ریملند) و ... باعث شکل گرفتن اولین گفتمان ژئوپلیتیکی (امپریالیستی) شد و به عنوان ابزاری در خدمت توسعه طلبی ارضی، دریایی و هوایی قدرت‌های بزرگ قرار گرفت.

۲-۲) گفتمان جنگ سرد (ایدئولوژی): ژئوپلیتیک جنگ سرد به عنوان دومین گفتمان

ژئوپلیتیکی به دوران تاریخی ای اطلاق می شود که از اواسط دهه ۱۹۴۰ م، با پایان جنگ دوم جهانی، آغاز شد و تا سال ۱۹۹۱ و فروپاشی اتحاد شوروی، دوام آورد. این نوع ژئوپلیتیک ایدئولوژی محورانه بوده و شاخص‌های آن شامل رقابت و نبرد آشکار و پنهان سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و ایدئولوژیکی بلوک غرب، به رهبری ایالات متحده آمریکا و بلوک شرق، به رهبری اتحاد شوروی، می‌باشد. در این دوره صاحب‌نظران و نظریات جورج کنان (سد نفوذ)، رهبران سیاسی و نظامی اتحاد جماهیر شوروی و غرب (جهان اول، دوم و سوم)؛ کشورها به عنوان اقمار و دمینو بلوک‌های غرب و شرق) و... شکل گرفته و بر جهان سیطره داشتند.

۲-۳) گفتمان نظام نوین جهانی: ژئوپلیتیک نظام نوین جهانی تحت تاثیر موج جهانی شدن متولد و به عنوان سومین گفتمان جهان گرایانه و فراملی که می‌کوشد پای مباحث تمدنی و فرهنگی را به مباحث ژئوپلیتیکی باز کند؛ از اواخر قرن ۲۰ مطرح شد. در این دوره صاحب‌نظران و نظریات میخائیل گورباچف (تفکر سیاسی جدید)، فرانسس فوکویاما (پایان تاریخ)، ادوارد لوتواک (ژئواکونومی)، جورج بوش (ایالات متحده رهبر نظم نوین جهانی)، رهبران گروه جی ۷، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی (لیبرالیسم و نتولیبرالیسم فراملی)، برنامه‌ریزان استراتژیک در پنتاگون و ناتو (دولت‌های سرکش (یاغی)، قانونشکنی هسته‌ای و تروریسم)، ساموئل هانتینگتن (برخورد تمدن‌ها) و... شکل گرفته و بر جهان سیطره داشتند.

۲-۴) گفتمان انتقادی: این نوع ژئوپلیتیک، انتقادی است به ژئوپلیتیک قرن نوزدهم و بیستم (سنتی و مدرن) که عمدتاً در خدمت منافع و مطامع قدرتهای بزرگ، (اروپایی در جنگ اول و دوم جهانی) و (آمریکا و شوروی در جنگ سرد) قرار داشت. ژئوپلیتیک انتقادی به عنوان چهارمین موج گفتمان ژئوپلیتیکی در

نظام جهانی در قالب ژئوپلیتیک مقاومت، ضد ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک از پایین و ژئوپلیتیک پست مدرن که شامل بخش‌بندی‌های گوناگونی می‌شود، نیز بیان می‌گردد. در این دوره صاحب‌نظران و نظریات اتوتایل (ضد ژئوپلیتیک)، میشل فوکو، پاول روتلیج (ژئوپلیتیک مقاومت) و... شکل گرفته و بر جهان سیطره داشتند.

۳) چرخش ژئوپلیتیک

زمانی که بازیگر یا بازیگران متناسب با گفتمان ژئوپلیتیکی حاکم که در پیش گرفته‌اند نتوانند در مناسبات فراملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی جهت دستیابی به اهداف و منافع خود توفیقاتی کسب کرده و موفق عمل کنند، اقدام به بازبینی و تغییرات اساسی در گفتمان ژئوپلیتیک حاکم خود می‌کنند که این تغییر و بازبینی را چرخش ژئوپلیتیک می‌گویند. البته باید توجه داشت این چرخش ژئوپلیتیک میتواند اجباری یا اینکه خود خواسته باشد.

۴) نقش جغرافیای افغانستان در گفتمان‌های ژئوپلیتیکی:

در هر ساختار ژئوپلیتیکی و گفتمان حاکم بر آن واحدها و بازیگران در یک سلسله مراتب مبتنی بر وزن ژئوپلیتیکی و موقعیت جغرافیایی خود (دوری و نزدیکی به منابع کمیاب جغرافیایی قدرت) نقش‌های چه به صورت خود خواسته و چه اجباری بر عهده خواهند داشت. جغرافیای کشور افغانستان نیز از این امر استثناء نبوده و در گفتمان‌های ژئوپلیتیکی حاکم بر نظام بین‌الملل نقش‌های مختلفی را عهده دار شده که به بررسی اجمالی آن خواهیم پرداخت.

۴-۱) نقش جغرافیای افغانستان در گفتمان امپریالیستی (استعماری): جغرافیای افغانستان در گفتمان ژئوپلیتیکی امپریالیستی (استعماری) در خدمت توسعه طلبی ارضی قدرت‌های بزرگ به صورت اجباری نقش حائل را عهده دار شد بخصوص



می‌شد. بر این اساس در نیمه دوم قرن بیستم تدریجاً به صحنه نبرد ابرقدرت‌های، شوروی و ایالات متحده آمریکا تبدیل شد. از یک طرف شوروی افغانستان را به صورت طبیعی جزئی از حیات خلوت خود محسوب می‌کرد و هم اینکه شوروی در طول تاریخ از سیاست نظامی روبه‌جلو برای رسیدن به آب‌های آزاد جنوب استفاده کرده و در آن برهه زمانی جغرافیایی افغانستان حکم تخته خیز برای این کار را داشت. جغرافیای افغانستان در این گفتمان ژئوپلیتیکی نقش توسعه‌ای و انکشافی برای اتحاد جماهیر شوروی و دارالسلام را به صورت اجباری عهده دار شد. تغییر پیاپی رژیم‌های سیاسی حاکم بر کابل (کمونیستی، جمهوری اسلامی و امارت اسلامی) گواه مطلب است.

۴-۳) نقش جغرافیای افغانستان در گفتمان نظام نوین جهانی: گفتمان ژئوپلیتیکی نظام نوین جهانی؛ می‌کوشد پای مباحث تمدنی و فرهنگی را به مباحث ژئوپلیتیکی باز کند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ ژئوپلیتیک جهان به سمت نظم هژمونیک تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده

در بازی بزرگ (رقابت‌های میان دو ابرقدرت استعمارگر بریتانیا و روسیه در منطقه آسیای مرکزی) دو ابرقدرت روسیه تزاری و بریتانیا در قالب کمپانی هند شرقی، طی قرن ۱۹ تا اوایل قرن بیستم رویارویی‌های سیاسی داشتند. در این جدال جغرافیایی و سیاسی میان دو قطب مشخص قدرت دامنه رقابت‌ها به مستعمرات محدود بود و حالت تهدید را داشت. هر دو ابرقدرت طی دوره بازی بزرگ از رویارویی مستقیم حذر داشتند و به تهدیدهای سیاسی و سرانجام انتخاب افغانستان به عنوان سرزمین حائل بین مرزهای دو امپراتوری اقدام کردند. این رقابت محدود در آسیای مرکزی، افغانستان و ایران بود و تا شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ ادامه داشت.

۴-۲) نقش جغرافیای افغانستان در گفتمان جنگ سرد (ایدئولوژی): با پایان جنگ جهانی دوم کشورهای پیروز میدان (ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی) مبتنی بر گفتمان ژئوپلیتیکی جنگ سرد شروع به تقسیم جهان کردند. جغرافیای افغانستان یکی از نقاط عطف هارت لند و ریملند جهان محسوب

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به افغانستان نقش ژئوپلیتیک این کشور به عنوان حوزه استراتژیک فراموش شده دوران جنگ سرد احیاء شد. جغرافیای افغانستان در این گفتمان براساس علاقه هژمون ایالات متحده و آنتروپی آن دارالسلام دارای نقش مشارکتی تعریف شد.

نتیجه

نقش پذیری‌های جغرافیای افغانستان و چرخش ژئوپلیتیک آن را به صورت خلاصه چنین می‌توان جمع بندی کرد.

نقش‌پذیری حائلی

۱- چرخش ژئوپلیتیک اجباری در نتیجه گفتمان امپریالیستی
۲- صحنه نبرد قدرتهای بزرگ «روسیه و بریتانیا»

۳- تحمیل بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک
۴- انزوای ژئوپلیتیک

نقش‌پذیری توسعه‌ای

۱- چرخش ژئوپلیتیک اجباری در نتیجه گفتمان جنگ سرد (ایدئولوژی)
۲- صحنه نبرد قدرتهای بزرگ «شوروی و آمریکا»
۳- تحمیل بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک

۴- انزوای ژئوپلیتیک)
نقش‌پذیری مشارکتی و تمدنی
۱- چرخش ژئوپلیتیک اجباری در نتیجه گفتمان نظام نوین جهانی
۲- صحنه نبرد قدرتهای بزرگ «شوروی و آمریکا»
۳- تحمیل بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک
۴- انزوای ژئوپلیتیک).

پیشنهادهای:

کشور افغانستان به عنوان یکی از واحدهای نظام بین‌الملل باید بتواند زمان مناسب و لازم جهت چرخش ژئوپلیتیک را درک کرده و متناسب با فضای ژئوپلیتیک حاکم بر مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، به صورت خود خواسته اقدام به چرخش ژئوپلیتیک نماید. این ابتکار عمل کمک می‌کند تا هزینه‌ها و زمان کمی را صرف بازبایی و دستیابی به قدرت و جایگاه مناسب در ساختار ژئوپلیتیک نماید. اما اگر این درک در آن صورت نگیرد و چرخش ژئوپلیتیک از حالت خود خواسته به حالت اجبار تبدیل گردد. هزینه‌ها و زمان قابل توجهی تحمیل شده و آن را به سوی نابودی سوق داده و از صحنه خارج می‌کند.

دوره تحول و گذار گفتمان‌های ژئوپلیتیک در نظام جهانی به عنوان نقطه عطف اساسی و عبور از یک گفتمان ژئوپلیتیک به گفتمان ژئوپلیتیک دیگر بهترین فرصت برای چرخش گفتمانی حاکم بر مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

در پایان می‌توان بیان کرد که همواره در افغانستان گفتمان داخلی در تقابل با گفتمان جهانی است لذا لازم است بازبینی و بازتعریف آن با حفظ استقلال و هویت ملی کشور همسو با گفتمان ژئوپلیتیک حاکم باشد.

طرح و سناریو نویسی گفتمان‌های ممکن برای کشور افغانستان می‌تواند به عنوان پژوهش‌های آینده‌نگرانه این متن باشد و در فرصت مناسب به این مهم خواهیم پرداخت.



سخن دیرانجمن مطالعات افغانستان در مورد فعالیت‌های انجام شده

بنام خداوند لوح و قلم

دانشگاه فردوسی بزرگترین دستاورد علمی دانشجویان افغانستان است که با تداوم شماره‌های آن صدای افغانستان رسا و قلم نخبگان علمی کشور نویسا خواهد ماند. انجمن علمی مطالعات افغانستان در دانشگاه فردوسی توسط تعدادی دانشجویان فعال و با تجربه در پاییز ۱۴۰۰ احیا گردیده و از بدو احیا در صدد اجرای فعالیت‌های علمی و پژوهشی بوده است. رسالت این انجمن تقویه روحیه علمی در سطح دانشگاه است. از مهمترین اهداف

عرض ادب و احترام محضر خوانندگان عزیز. خدا را سپاسگزاریم، توفیق عنایت کرد تا با جمعی از نخبگان علمی و اساتید گران ارج بتوانیم گام مؤثر در راستای علم و پژوهش برای افغانستان عزیز در دانشگاه فردوسی مشهد که میزبان بیش از یک هزار دانشجوی افغانستانی است، باشیم. به سمع عزیزان برسانیم، ایجاد فصلنامه علمی مطالعات افغانستان

انجمن افغانستان شناسی و ایجاد فضای تحقیق و پژوهش در بین دانشجویان افغانستان از درجه دانشگاه و به وسیله قلم است. تحولات دو سال اخیر و تغییر ساختار دولت افغانستان، برانگیخته شدن شرایط تحصیلی و بی انگیزه شدن جوانان را منجر گردید، بدین سو خواستیم تا این انجمن یاری دهنده آرمان های علمی دانشجویان بسوی امید و احیای روحیه دانش و پژوهش و تحقیق باشد. برای همفکری بهتر و مطلوب تر جلسات داخلی شورای مرکزی داریم که در هم اندیشی با هم، نظر به اوضاع و شرایط کشور برنامه های علمی تصمیم و تصویب می گردد تا اینکه از طریق بیانات علمی توسط پژوهش گران در ایجاد تغییرات مثبت سهیم باشیم. نشست های علمی، کارگاه های آموزشی، نقد و بررسی کتاب ها، برگزاری سمپوزیوم ها و ایجاد نشریه دانشجویی تحت عنوان (فصلنامه علمی مطالعات افغانستان) از کار های انجام یافته در طول این دوره بوده که میتوان به طور مختصر از آن ها نام برد.

- نشست راهبردی افغانستان بعد از سقوط جمهوری
- سمینار علمی ماهیت و اهمیت پژوهش در افغانستان و نقش آن در توسعه جامعه
- کارگاه آموزش مقدماتی تئوری های روابط بین الملل
- گفتگوی فهم زنانگی در تقابل با جنگ و بازگشت به ریشه ها در افغانستان
- کارگاه گویندگی، قدرت نفوذ در افکار عمومی
- نشست آموزشی و تسهیل سازی برای دانشجویان افغانستان در کلیه رشته های نظری
- بازدید علمی از کنسولگری افغانستان در مشهد مقدس
- سمپوزیوم (عصر هرات) واکاوی ابعاد گوناگون مکتب هرات
- ایجاد فصلنامه علمی مطالعات افغانستان دانشگاه فردوسی مشهد

- سهم فعال در همایش ملی افغانستان و چشم انداز های آینده
- نشست تخصصی بررسی ظرفیت های سرمایه گذاری دانش بنیاد و ده ها نشست در بخش های مختلف

چکیده ای از فعالیت های انجمن مطالعات افغانستان:

نشست راهبردی افغانستان بعد از سقوط جمهوری با محتوای علمی و با حضور دانشجویان دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مبتنی بر تحلیل اوضاع کشور برگزار گردید. در این نشست تلاش نمودیم به راهکار های علمی جهت بهبود شرایط تحصیلی کشور بپردازیم. جمهوری اسلامی ایران با مشترکات زیاد با افغانستان شرایط را برای اسکان شهروندان افغانستان حمایت های تحصیلی و شغلی نخبگان و سایر شهروندان افغانستان چون سالیان پیشین مورد حمایت و عنایت قرار میدهد. راهکار های داخلی مشارکت همه شهروندان در حکومت و نقش و جایگاه زنان به عنوان مکمل جامعه بکار گیری و تشویق کادر های علمی، گشایش مکاتب و دانشگاه ها و کلیه مراکز آموزشی به هدف تقویت رشد ذهنی و عقلی شهروندان که نماد ترقی در کشور می باشد قابل ذکر و مورد تعمق است. برگزاری نشست علمی پژوهشی ماهیت و اهمیت پژوهش در افغانستان و نقش آن در توسعه جامعه جایگاه ارزشی خاصی را برای پژوهشگران و محققان افغانستان عنوان میکند. طی بیست سال پسین توانست تصویر مطلوب و مناسبی در حوزه پژوهش ارائه بدهد. باید اعتراف کرد که افغانستان دیروز با امروز متفاوت است و نسل دانشگاهی به خود آگاهی نسبی رسیده اند و میزان یادگیری خویش را افزایش داده اند و این برای کشور درگیر جنگ و مهاجرت نسبتاً امیدوار کننده است بویژه در شرایط کنونی که مراقبت از مغز ها و نخبگان الزا می است. نشست علمی فهم

حسین واعظ کاشفی و ده ها شاعر و نویسنده مشهور هرات توسط ارایه خوب نخبگان علمی ایران و افغانستان صورت گرفت جا دارد که از همکاری مسئولین اساتید محترم علمی، مرکز قطب علمی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی جناب دکتر محمد جعفر یاحقی و همکاران ایشان سپاس گزاری کنیم. همایش ملی افغانستان و چشم انداز های آینده افغانستان در چهار محور که مرور گذرا بر آن خواهیم کرد برگزار گردید.

سیاسی:

طالبان و سیاست داخلی و خارجی افغانستان، عوامل و مؤلفه های چرخه شکنندگی دولت و فروپاشی نظام های سیاسی در افغانستان، تأثیر تحولات افغانستان بر مسایل شهر های مرزی خراسان رضوی، جنوبی، سیستان و بلوچستان، بحران آب، رودخانه های مرزی و روابط ایران و افغانستان، تحولات افغانستان و نظام امنیت منطقه ای جنوب آسیا و خاورمیانه، تأثیر تحولات افغانستان بر راهبرد های نظامی و اطلاعاتی ایران در منطقه، خروج ایالات متحده و تأثیر تحولات افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران، تحولات افغانستان و همسایگان، پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و...

اقتصادی:

روابط ایران و افغانستان و چشم انداز های پیش رو. تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان در گذر تاریخ، چالش های مرزی ایران و افغانستان و مسائل مربوط به مهاجرت و امنیت مرز ها، روند های اقتصادی و جایگاه افغانستان در اقتصاد سیاسی منطقه ای و نظام بین الملل.

حقوقی:

موانع شناسایی امارت اسلامی و مواضع گروه های سیاسی افغانستان، ابعاد حقوقی و جزائی

زنانگی در تقابل با جنگ و بازگشت به ریشه ها در افغانستان با سخنرانی سر کار خانم دکتر ز فاضلی عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی تهران، به هدف گفتگو پیرامون نقش زنان در پدیده نا هنجار جنگ برگزار شد. آزادگی و فهم زنان منجر به بهبود وضعیت زیستی آنان می گردد هر دوره از حکومت ها در افغانستان چالش زا و در برخی زمینه ها حضور بیشتری را برای زنان آماده کرده است. طوری که رهبری انقلاب ها و تشکل های بزرگ و حتی حضور سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه افغانستان را اگر در دو دهه دمکراسی اظهار داریم رشد شایان داشته است زنان به خود آگاهی رسیدند و امروز ما شاهد طیف گسترده از این زنان رهبر و نخبه هم در افغانستان و هم در سایر نقاط جهان هستیم. در واقع تاریخ پرتلاطم افغانستان، زنان را سفیران صلح معرفی کرده اند زیرا اسطوره وار چالش ها را به راهکار ها بدل نمودند و جایگاه خویش را در جامعه سنتی افغانستان بدست آوردند. با آنکه به لحاظ سیاسی اجتماعی نقش کمتری نسبت به مردان داشته اند اما حضور و دست موفق آنها همواره در کنار مردان جامعه بوده است. جنگ و صلح دو رویکرد متضاد و در عین حال متغیر بر وضعیت زنان افغانستان است که سایه تاریک امید و آرزو های زنان را به یاس مبدل کرده.

سمپوزیوم عصر هرات یکی دیگر از برنامه های کلیدی انجمن علمی مطالعات افغانستان بود که به هدف معرفی شهر زیبا و باستانی هرات تحت عنوان (واکاوی ابعاد گوناگون مکتب هرات) برگزار گردید. جایگاه هرات در مکتب زبان فارسی، مکتب نگارگری هرات، مکتب ادبی، معماری و کاشی کاری هرات (پل مالان)، قلعه اختیارالدین، منار های مصلی، مجموعه کارگاه، سنگ هفت قلم و...

مکتب تصوف علم و معرفت و معرفی چهره های درخشان چون امام فخر رازی، خواجه عبدالله انصاری مولانا جامی امیر علی شیر نوابی

برنامه جدید در راه است...

چهار هفته یک کتاب

Coming soon...

نگذاریم چراغ کتاب گویی و
کتاب خوانی خاموش شود!
بزودی...



مسئله افغانستان در نظام بین الملل، حقوق جزا و جرم شناسی، حقوق بین الملل و مسائل افغانستان.

فرهنگی:

آینده زنان افغانستان - زبان، فرهنگ و تحولات تمدنی در افغانستان، محور های صلح، دوستی و ارتباط فرهنگی بین ملت افغانستان و ایران - زبان فارسی، آموزش و پرورش و آموزش عالی در روابط افغانستان و ایران - مهاجران افغانستانی در ایران، تهدید ها و فرصت ها - پیوند های تمدنی ایران و افغانستان و روند های آینده.

قابل یاد آوری است که در این همایش محمد عارف حمیدی دانشجوی دکترآ علوم سیاسی و دبیر انجمن مطالعات افغانستان به نمایندگی از دانشجویان افغانستان پیرامون ضرورت برگزاری چنین همایش ها، موانع و مشکلات دانشجویان افغانستان سخنانی ایراد فرمود که وعده های همکاری بیشتر توسط نماینده اسارت اسلامی افغانستان در همایش و مسؤلین دانشگاه فردوسی سپرده شد.

برای تداوم وجبیه ی علمی مان سمپوزیوم های ولایت های کلیدی افغانستان در آینده ی نزدیک برگزار خواهد گردید. در آیین نامه انجمن های علمی دانشجویی، پاس فعالیت های داوطلبانه همراه با تشویق است مدیریت فرهنگی دانشگاه فردوسی برای تشویق دانشجویان و ارج گذاشتن به زحمات آنان و نیز معرفی چهره ها و کار کرد های برتر علمی دانشجویان رشته انسانی و تجربی هر سال جشنواره دانشجویی ((حرکت)) را همراه با راه اندازی نمایشگاه آثار و دستاوردهای علمی یک ساله به حمایت و تقدیر از آنان برگزار میکند، خوشبختانه با آغاز کمی که از شروع و احیای انجمن علمی مطالعات افغانستان می گذشت توانستیم یکی از اشتراک کنندگان نمایشگاه جشنواره حرکت سال ۱۴۰۰ بوده و با به نمایش گذاشتن فعالیت هایمان در حوزه علمی

صدای رسا و زنده ای برای افغانستان عزیزمان باشیم. همانطور که در نخست عنوان نمودیم انجمن مطالعات افغانستان صدای نخبگان علمی است همه ما برای وطن تلاش میکنیم تاریخ چندین هزار ساله ما ایجاب میکند هر چند در شرایط نا مناسب امنیتی و سرزمینی، باز هم افغانستان را فراموش نکرده و برای فرزندان این سرزمین ندای امید و آواز خوش آزادی و آزادی را سر دهیم. بنابر این تمکین ما مبتنی به بررسی و تحلیل مسائل افغانستان در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خواهد بود که از دریچه فصلنامه علمی مطالعات افغانستان نشر خواهد گردید. سپاس گزاری ویژه داریم از دانشگاه فردوسی مشهد، از جناب دکتر روح الله اسلامی عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و مشاور انجمن مطالعات افغانستان دانشگاه فردوسی مشهد، که با پشتیبانی و حمایت صادقانه یاری دهنده فعالیت هایمان طی این مدت بوده اند. تشکر ویژه از سرکار خانم حسینی دبیر قبلی انجمن مطالعات افغانستان که طی این مدت از هیچ کوششی در راستای برآورده شدن اهداف انجمن دریغ نکرده و کار های موثر و در خور ستایشی انجام دادند. همچنان سپاسگزاری میکنم از مسؤلین کمیته ها، اعضای شورای مرکزی و اعضای فعال انجمن علمی مطالعات افغانستان. آقای دکتر محمد حارث مقیم دبیر فصلنامه مطالعات افغانستان، آقای دکتر عبدالواحد جهید، آقای دکتر سید جمال خورشید، آقای دکتر محمد ناصر وطنیار، آقای دکتر فایق امین، سرکار خانم لایقه مروی، سرکار خانم فرشته حسینی، آقای دکتر داود عرفان، آقای ذکر الله ذکی، آقای دکتر ابراهیم فروزش و سایر دوستان گرامی که نقش فعال در انجمن داشتند.

با احترام

محمد عارف حمیدی دانشجوی دکترآ علوم سیاسی
دبیر انجمن علمی مطالعات افغانستان

